



با خط درشت و در یک ستون، ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

شماره ۴۲۴، دوشنبه اول اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۲۰ آوریل ۲۰۲۰

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامح

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیا

در این شماره می خوانید:

ترازنامه ۳۲۲۰ حرکت اعتراضی جنبش رنگین کمان بیشماران در سال ۱۳۹۸ ...ص ۲

گرونا؛ رها کردن گُرگ در گله- منصور امان ...ص ۳

گدا پروری برای فرودستان و کلاه برداری از تهیدستان- زینت میرهاشمی ...ص ۶

"از این جیب به آن جیب" ریختن پول ملت- کامران عالمی نژاد ...ص ۱۰

دغدغه هایش!// برای علی اشرف درویشیان- فتح الله کیائیا ...ص ۱۲

چه اتفاقی در این سیاره افتاده و دیدگاههای چپ در این باره- لیلا جدیدی ...ص ۱۵

کارورزان سلامت - ویژه همه گیری کرونا (فروردین ۹۹)- امید برهانی ...ص ۲۳

زنان در مسیر رهایی (فروردین ۹۸)- اسد طاهری ...ص ۲۹

چالشهای معلمان (فروردین ۹۹)- فرنگیس بایقره ...ص ۳۶

دانشگاه در ماهی که گذشت (فروردین ۹۹)- کامران عالمی نژاد ...ص ۴۰

رویدادهای هنری ماه (فروردین ۹۹) - فتح الله کیائیا ...ص ۴۴

جنبش رنگین کمان بیشماران (فروردین ۹۹) - پویا رضوانی ... ص ۵۱

کیسه گشاد خامنه ای برای دریافت دلار آمریکایی- مهدی سامح ...ص ۵۶

سرمایه داری و آنفلوانزای اسپانیایی ۱۹۱۹ - ۱۹۱۸ - کیشیا تیلر/ برگردان: بابک ...ص ۵۹

برخی از بیانییه های «کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر» (فروردین ۹۹) ...ص ۶۲

قلم- مرجان ...ص ۶۹

گرامی باد یاد و نام رفیق مسعود دانیالی- امیر ابراهیمی ...ص ۷۰

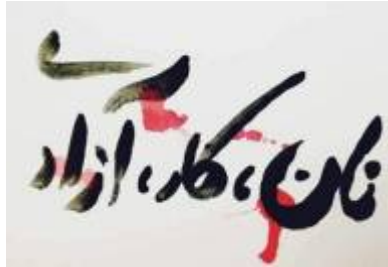
شهادت فدایی در اردیبهشت ماه ...ص ۷۰

۳۲۲۰ حرکت اعتراضی

ترازنامه جنبش رنگین کمان بیشماران در سال ۱۳۹۸

در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگران، دبیر خانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران منتشر می کند

چند توضیح:



* ۳۲۲۰ حرکت اعتراضی در سال ۱۳۹۸ خورشیدی که در ترازنامه زیر جمع آوری شده مربوط به خیزشهای توده ای و جنبش اعتراضی کارگران، کشاورزان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، کامیونداران، بازاریان، مدافعان حفاظت از محیط زیست و ... است که هر ماه در ماهنامه نبرد خلق، از شماره ۴۱۱ تا شماره ۴۲۳ به شکل مشروح

تری همراه با منبع خبر منتشر شده است. از این تعداد ۱۵۰۰ حرکت مربوط به قیام آیان ماه و خیزش دی ماه است.

* در این بیلان بسیاری از حرکتهای اعتراضی که در رسانه های جمعی و یا شبکه های اجتماعی پوشش خبری نداشته و یا ما آن را ندیده ایم، وجود ندارد. بنابراین این بیلان نمی تواند کامل باشد.

* بیلان ۱۶۱ حرکت اعتراضی دانشجویان از ۱۶ آذر سال ۱۳۹۷ تا ۱۶ آذر سال ۱۳۹۸ به مناسبت روز دانشجویان در شماره ۴۱۹ ماهنامه نبرد خلق منتشر شده است.

* «ابعاد خیزش بیشماران را می توان از مقایسه تعداد حرکتهای اعتراضی از سال ۱۳۹۰ تاکنون به خوبی دریافت.

* در این بیلان هر گاه کارگران یک واحد چند روز متوالی اقدام به حرکت اعتراضی کرده اند، هر روز یک حرکت به حساب آمده است.

* برای اطلاع روزانه از چالشها و حرکتهای اعتراضی کارگران، مزدبگیران، پرستاران، معلمان و دانشجویان ایران به سایت جنگ خبر مراجعه کنید:

* نبردخلق در هر ماه فشرده حرکتهای اعتراضی کارگران، کشاورزان، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، کامیونداران و دانشجویان را منتشر می کند. برای اطلاع از این اخبار به سایت ایران نبرد و یا کانال تلگرام نبرد خلق مراجعه کنید

دبیر خانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۹ - ۱۵ آوریل ۲۰۲۰

برای مطالعه ترازنامه جنبش رنگین کمان بیشماران در سال ۱۳۹۸ به آدرس زیر مراجعه کنید

www.iran-nabard.com/BILLAN-KAREGARI/1398%20bilan%20jonbesh%20kar.pdf

فراسوی خبرها.....

شبیخون کرونا بر ساختار ویروس حکومتی - زینت میرهاشمی ...ص ۶۵

پرده برداری از مناسبات ج.ا و چین با یک "شوخی" نابجا - منصور امان ...ص ۶۶

قتل عام زندانیان به بهانه کرونا- زینت میرهاشمی ...ص ۶۷

نیمه شعبان؛ شبیخون شکست خورده ها- منصور امان ...ص ۶۸

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

کرونا: رها کردن گرگ در گله

منصور امان

اگر خودداری حاکمان ج.ا از هشدار به مردم پیرامون شیوع ویروس کرونا در اواخر دی ماه سال گذشته و سپس سر باز زدن تبهکارانه از قرنطینه قم با انگیزه منفعت جویی سیاسی صورت گرفت، امتناع سرسختانه امروز آنها از دست زدن به تدابیر محدودگرانه اجتماعی و اقتصادی برای حفاظت از جان مردم، فقط از شهوت غریبان بقا و ایمن سازی "نظام" در برابر جامعه مُعترض سرچشمه می گیرد. در بسیاری کشورهای کرونا زده، شهروندان فقط با یک "دشمن" روبرو هستند؛ در ایران اما "دشمن" تنها در قالب ویروس نیست که به آنها حمله ور شده، بلکه همچنین در شکل حاکمیتی پدیدار گردیده که ایستاده بر زمین لرزان ناکارایی، بی اعتنایی و اولویتهای دیگری جُز منافع جامعه، جنگ بقای خویش را علیه آنها و بیش از همه فرودستان پیش می برد. طرح و تدبیرهای گردانندگان و کارگزاران رژیم ولایت فقیه تنها با این اصل بافته می شود و قُطب نمایی جُز بیرون کشیدن سالم سیستم حاکم از درون بحران ندارد.

فرار از قرنطینه

در حالی که علیه ویروس کرونا نه واکسنی برای پیشگیری و نه دارویی برای درمان وجود دارد، تنها یک امکان حداقلی برای حفاظت نسبی در برابر آن باقی می ماند و آن دُرُست همان امکان موجود و در دسترسی است که رژیم ج.ا آگاهانه نادیده اش می گیرد. نزدیک به تمامی کشورهایایی که دُچار آفت کرونا شده اند، تدبیر ایزوله سازی بیماران، محدودیت زندگی اجتماعی و اقتصادی و قرنطینه نُقاط بُحرانی را به کار گرفته اند و نتایج آن نشان می دهد که اگرچه این روش هنوز از پیشگیری و درمان قطعی فاصله بسیار دارد، اما به گونه موثری می تواند مانع پخش و گسترش افسارگسیخته ویروس گردد و به این ترتیب دایره خسارت انسانی را محدود نگه دارد.

رفتار و سیاستهای کُنونی حاکمان کشور نزدیک به چهار ماه پس از بُروز کرونا در ایران نشان می دهد که پرده پوشی و بی عملی اولیه آنها تصادفی نبوده است. در این فاصله حاکمیت ستادهای مُختلف تشکیل داده، مسوولیتها را پاسکاری کرده، دست به برگزاری مانورهای گوناگون زده، طرحهای مُتنوعی را ارایه کرده و نقشه عملهای موسمی اعلام داشته و این همه برای آنکه دست به یک کار نزنند و آن پیشگیری موثر از مُبتلا شدن بخشهای بُزرگتری از جامعه و سراسری شدن آفت کُروناست. در حقیقت دستگاه حاکم تلاش می کند از طریق این اقدامات نمایشی، بر استراتژی اصلی خود که واگذاشتن وظیفه مُدیریت بحران به دوش ویروس مرگبار کرونا و شرط بندی روی رفع خودبخودی این خطر جدی است ماله بکشد و آن را از نظرها دور سازد.

این رویکرد کلی، سرچشمه تناقضات آشکار و بُهت آور موجود در طرحها و راهکارهای حاکمیت برای مُقابله با کرونا را می تواند روشن سازد؛ از یکطرف از مردم خواسته می شود در خانه بمانند و از طرف دیگر مانع تعطیلی کارخانه ها، معادن، شرکتها و کارگاههای بُزرگ می شود، از یکسو خواهان رعایت "فاصله اجتماعی" است و از سوی دیگر بانکها و ادارات را برای مُراجعات گشوده نگه می دارد، در همان حال که خانه نشینی را موعظه می کند، از فراهم آوردن امکان مالی و تدارکاتی این امر سر باز می زند، همزمان با صدور پیاپی دستورالعملهای بهداشتی، از در اختیار گذاشتن ماسک، دستکش و مواد ضدعفونی کننده به مردم خودداری می کند و جُز آنها.

پرتاب "بمب خوشه ای"

روشن ترین شاهد از استراتژی واقعی حاکمیت در تعطیلات نوروز به سُخن درآمد؛ زمانی که نزدیک به سه میلیون نفر بدون روبرو شدن با هر گونه مانعی از استانهای کرونا زده کشور به "سفر نوروزی" به شهرها و اُستانهای مُختلف رفتند. به

گفته سازمان دولتی هلال احمر، دستکم دو هزار و چهارصد تن از این دسته از مسافران دارای علائم بیماری کوید ۱۹ بوده اند. همزمان، حرکت همه قطارها در ایام نوروز برقرار بود، شرکتهای اتوبوسرانی بر زمین و شرکتهای هواپیمایی در آسمان همچون همیشه به حمل و نقل مسافران مشغول بودند.

این موج بزرگ چرخش وپروس در حالی به راه افتاد که مسوولان ج.ا خود آن را پیش بینی کرده بودند. از جمله مقامهای آستانها ورود مسافران را ممنوع کرده و اعلام داشته بودند "از پذیرایی معذورند"، مسوول مقابله با کرونا در تهران تاکید کرده بود "اگر مردم به سفر بروند، آستان دیگر را آلوده می کنند" و سرآخر آقای خامنه ای حکم کرده بود: "چنانچه براساس تدابیر ستاد ملی و وزارت بهداشت، برای جلوگیری از گسترش بیماری رفتن به مسافرت غیرضروری ممنوع باشد. رفتن به چنین مسافرتی جایز نیست."

خودداری حاکمیت از پیش گرفتن تدبیر ساده ای مانند کنترل خروجیهای محدود شهرها یا متوقف ساختن فعالیت خدمات ریلی، جاده ای و هوایی برای اجرای عملی هشدارها و توصیه های لفظی خود، توخالی و نمایشی بودن آنها را آشکار می سازد. ژست مزبور به گونه روشن ابتدا برای خالی نبودن عریضه و پر کردن جای خالی اقدام عملی و سپس بازگذاشتن دست حاکمیت برای افکندن بار مسوولیت به دوش شهروندان "بی توجه"، "بی تقوا"، "خودفریب"، "سهل انگار" و جز آن گرفته شده بود.

مشت چرکین "نظام" هنگامی باز تر می شود که هشدار رییس سازمان گردشگری به ج.ا در باره "توریسم در دوران کرونا" در نظر آورده شود. آقای "زوراب پولولیکاشویلی"، در آستانه تعطیلات نوروزی در یک نامه رسمی به وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ج.ا، آثر خطر را در مورد سفرهای بین شهری و عمل آن در پخش کرونا همچون "بمب خوشه ای" به صدا درآورد و مسوولیت دولت در جلوگیری از این دسته سفرها را یادآور شد.

نذر روغن ریخته

حاکمیت برای پیشبرد استراتژی خود نیاز به فریب جامعه و آدابته کردن رفتار و نگاهش در کادر آن را دارد. مهمترین گام آن در این جهت پنهان کردن آمار واقعی ابتلا و مرگ و میر و به وسیله این زمینه سازی، القای رو به بهبود رفتن شرایط و عادی شدن آن است. عجله حیرت انگیزی که حاکمان ج.ا برای کنار زدن شوک اولیه اجتماعی در نتیجه شیوع کرونا و افکندن جامعه در ریل عادی به خرج می دهند، درجه فشار تنگنایی که در آن بسر می برند را آشکار می سازد.

روز پنجشنبه ۶ اسفند سال گذشته و در حالیکه وپروس کرونا همچون گلوله آتش به سرعت در حال پیشروی بود، رییس جمهور ملامها اعلام کرد "از روز شنبه [۸ اسفند] همه روالها عادی خواهد شد" و علت این تصمیم را کاهش شدید مراجعه کنندگان به بیمارستانها" بیان کرد. یک ماه بعد که میزان ابتلا و مرگ چند برابر گردیده و هیچ ذروغی هر چند بزرگ نمی توانست بر آن سرپوش بگذارد، آقای روحانی "طرح فاصله گذاری اجتماعی" را به میدان آورد؛ طرحی که مصادف شدن آن با تعطیلات عید نه تنها اتفاقی نبود، بلکه می توان آن را زاییده این فرصت دانست. حاکمیت بدون سرمایه گذاری و صرف هزینه از جیب خود، روی موج تعطیلات سوار شد و وضعیت شناخته شده ای که از ایام تعطیلات ناشی می شود را به اسم خود و "طرح" اش ثبت کرد. سه میلیون سفر نوروزی فقط یکی از محصولات این ابتکار ساختگی در ایام کرونا است.

بر این اساس شگفت آور نیست که آقای روحانی تنها دو هفته و اندی پس از اعلام "طرح فاصله گذاری اجتماعی"، همزمان با خاتمه تعطیلات نوروزی پایان آن را اعلام کرد و ترفند جدیدی به نام "فاصله گذاری هوشمند" را ارائه کرد. طرح مزبور در حقیقت همان طرح قبلی بدون رنگ و لعاب محدودگرانه است. به بیان روشن تر، طرح محدودگرایانه ای چه هوشمند و چه بی هوش برای پیشگیری و کنترل وپروس وجود خارجی ندارد، آنچه که هست استراتژی ارزان رها کردن گُرگ در گله و سرشماری زنده ها بعد از گشتار است.

سرگیجه

رفتار دوگانه و مبهم حاکمیت، حتی دسته ای از مجریان طرحهای آن را نیز دُچار سرگیجه کرده و به اعتراض کشانده است. سُخنان مُعاون "ستاد فرماندهی کُرونا" نمونه ای از آن است. نزدیک به دو ماه پس از اعلام رسمی شیوع کُرونا در ایران، آقای علی ماهر شکایت می کند: "ما بین ایمنی گله ای و فاصله گذاری اجتماعی هستیم و سیاست مشخصی هم نداریم."

نمونه روشن تر، انتقاد وزیر بهداشت از بازگشت شرایط به حالت عادی پس از تعطیلات نوروزی است. آقای سعید نمکی در یک نامه سرگشاده نسبت به تصمیمهایی که "شُله هایش به سُرعت دامن نظام سلامت و اقتصاد کشور را می گیرد" هُشدار داد و اعلام کرد "نظام سلامت در برابر هجمه آسیبهای غیر قابل جُبران ناشی از حرکتهای نسنجیده و غیر مُنطبق با نظر کارشناسی، امکان ایستادن ندارد".

توجه پذیر بودن این سُخنان آن است که آقای نمکی خود یکی از عاملان پنهانکاری و از ماموران اصلی دروغ پردازی و آرایش آمار به شمار می آید. او در این راستا نه فقط به گونه مُضحکی در گزاره گویی به رقابت با رییس اش می پردازد و از جُمله مُدعی است "اروپا از ما می پرسد چطور توانستیم کُرونا را اینطور جمع و جور کنیم"، بلکه فعالانه مشغول بستن دهانها و سرکوب کسانی است که خواسته یا ناخواسته گوشه ای از حقیقت در باره "اینطور جمع و جور" شدن کُرونا را بازگو می کنند. اخراج رییس بیمارستان خُمینی اردبیل، اخراج رییس دانشگاه علوم پزشکی این استان، برکناری رییس نظام پزشکی قُم و اخراج نماینده وزارت بهداشت در گیلان فقط بخشهایی از کارنامه وزیر بهداشت مُلاها در این راستا است.

برآمد

سرچشمه سیاست قُرانی کردن "گله ای" مردُم که از سوی رژیم ولایت فقیه در پیش گرفته شده، منافع اقتصادی است. طفره روی، دروغگویی، زیگزاگ زدن و شُعبده بازی با این و آن "طرح"، وظیفه دارد جایگزین مُداخله حاکمیت با ابزارها و اهرمهای مالی و سازمانی خود گردد. دولتها به سبب آنکه کُنترل توزیع ثروت و داراییهای همگانی را در دست دارند و بر بُزرگترین سازمانهای اداره و گردش اُمور در همه پهنه های زندگی اجتماعی فرمان می رانند، از این رو وظیفه دارند هنگام ظُهور بُحران، شرایطی که امنیت و سلامت جامعه را تضمین می کند را ایجاد کنند. این یک مسوولیت بدیهی است که در نزدیک به همگی کشورهایی که دُچار اپیدمی شده اند، دولتها بدان گردن گذاشته اند.

حاکمان ج.ا اما سرسختانه از صرف بودجه در راه منافع عُمومی و سرمایه گذاری برای نجات و سلامتی مردُم سر باز می زنند. قرنطینه شهری یا درون شهری، ماندن توده کارورز در خانه و تعطیلی کسب و کارهای خُرد و کلان دارای هزینه مالی ای است که آقای خامنه ای و همدستانش حاضر به پرداختن اش نیستند. آنها ارزان ترین راه را برگزیده اند؛ انتخابی که پرداخت بهایی گران را به کارگران، پرستاران، پزشکان، کارورزان خدماتی و تهِیدست ترین بخشهای جامعه تحمیل کرده است.

حاکمان ج.ا به خاطر خسارت ندیدن منافع و حفظ داشته های شان، با محروم کردن مردُم ایران از چتر و سپر حفاظتی در برابر اپیدمی مرگبار و دریغ داشتن پناهگاهی ایمن از آنها، از پُشت به جامعه خنجر زده و در جنگ کُرونا علیه آن، خائنانه همدست اش گردیده اند. آنها مرگ و بیماری دسته جمعی شهروندان را همچون مرگ و نکبت سیل و زلزله سال پیش و سالهای پیش از آن، در ردیف "خسارتهای ناخواسته" گذاشته اند و آگاهانه و از پیش، بر زندگی آنها که جان باختند و بقیه کسانی که از پس شان خواهند رفت، قلم کشیده اند. حادثه های طبیعی یا بیولوژیک برای تبدیل به یک فاجعه تمام عیار و دستیابی به حداکثر ظرفیت ویرانگری و کُشتار، به یک مُکمل انسانی نیازی دارد و کُرونا در رژیم ولایت فقیه آن را یافته است.

گدا پروری برای فرودستان و کلاه برداری از تهیدستان

زینت میرهاشمی

هدفمند بودن شعار «جهش تولید» برای سال ۱۳۹۹، در بیرحمانه ترین شکل تعرض به معیشت میلیونها کارگر و مزدبگیر خود را نشان داد و معلوم شد که معنی واقعی شعار سال خامنه ای، چیزی جز جهش فلاکت نیست. شورای عالی کار با تعیین حداقل مزد برای سال جاری، اولین یورش به سفره مزدبگیران را آغاز کرد.

پایه مزد کارگران برای سال ۹۹، در شورای عالی کار، که یک نهاد حکومتی است، بدون شرکت نمایندگان واقعی کارگران و مزدبگیران، و در توافق دو جانبه بین نمایندگان حکومت و کارفرمایان به سادگی و البته به شکل بی رحمانه برای میلیونها کارگر تعیین شد. خروجی نمایش شورای عالی کار، تعیین یک میلیون و ۸۳۵ هزار تومان، یعنی ۲۱ درصد افزایش حقوق، به عنوان پایه دستمزد است.

افزایش ۲۱ درصد حقوق پایه کارگران با توجه به نرخ تورم که بر اساس آمار حکومتی ۴۰ درصد است و با فاصله زیاد از رقم تعیین شده در کمیته دستمزد که ۴ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان اعلام شده بود، آن چنان شوک آور است که پایوران رژیم، رقم را با رنگ و لعاب و اضافه کردن مزایای ناچیز فرعی جمع بسته و اعلام کردند. تعیین دستمزد پایه که چندین برابر کمتر از خط فقر است به بهانه بالا رفتن هزینه تولید و رجوع دادن به رقمهای فرعی و احتمالی، از شیوه های ضد کارگری و چپاولگرانه دولت و کارفرمایان است.

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بی شرمانه از افزایش ۳۳ درصدی حرف زده و این میزان را بالاترین افزایش نرخ در طول یک دهه دانسته است. وی با جمع بستن مزایای کناری و احتمالی، پایه دستمزد را ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان اعلام کرد.

رقمهای اضافه شده با عنوان مزایای کاری مثل کمک مسکن، حق اولاد و... اعدای هستند دهن پر کن که شامل همه مزدبگیران نمی شود. این اضافه بر حقوق پایه بستگی به لطف صاحب کار و بنا به شرایط پرداخت خواهد شد.

در مورد سهم دستمزد در قیمت تمام شده کالا، سید جواد نوفرستی استاد دانشگاه، یک بررسی اقتصادی در مورد ۴۰۰ شرکت بورسی انجام داده که خبرگزاری ابلنا در روز چهارشنبه ۲۰ فروردین فشرده آن را منتشر کرده است. در این بررسی آمده است: «به استناد اطلاعات و ارقامی که سازمان بورس اوراق بهادار منتشر کرده است، با احتساب سهم دستمزد، پادشاهای مدیران، حقوق مدیران و اعضای هیات مدیره، سهم حقوق و دستمزد در قیمت تمام شده کالاهای تولیدی، زیر ۸ درصد است؛ اما اگر بخواهیم به تنهایی سهم هزینه های کارگران که حقوق انسانی آنها رعایت نمی شود را ارزیابی کنیم، سهم دستمزد در قیمت تمام شده کالاهای به کمتر از ۴ درصد می رسد.»

موکول کردن عدالت به ظهور امام زمان

خامنه ای در سخنرانی روز پنجشنبه ۲۱ فروردین، استراتژی نظام ولایت فقیه در چالشهای پیش رو از جمله فقر، بیکاری، حقوق کارگران، جنبش مطالبه گری نیروهای کار و... را به خوبی ترسیم کرد. خلیفه ارتجاع که در افزایش ثروت، در تصاحب اموال مردم و داشتن سرمایه نجومی مشهور است، عدالت برای زحمتکشان و تهیدستان را به صبر و انتظار تا ظهور امام زمان موکول کرد. وی که با همه امکانات دنیای مدرن در مافوق رفاه زندگی می کند، مردم را به زندگی معنوی دعوت کرد. او با راه اندازی کمپین و هشتک «ظهور امام زمان» و دعوت مردم برای خواندن دعا برای ظهور و بردن زیر سلواری خمینی و غذاهای نذری به میان کادر درمانی و بیماران کرونایی در بیمارستان، به ترویج جهل در برابر علم پرداخت. خامنه ای در سخنرانی به مناسبت نیمه شعبان، ویروس کرونا را کوچک شمرد و مشکل مردم را به ظهور ناجی وصل کرد.

بدیهی است که سخنان ولی فقیه زمینه سازی و تدارک برای مهار شورشهای مردمی و چالشهای پسا کرونا است. خیزشهای پسا کرونا که اقشار و لایه های بیشتر اجتماعی با طبقه کارگر همراه خواهند شد، صف بندی عمیق تری بین ثروتمندان و حاکمان با تهدیدستان و غارت شدگان ایجاد خواهد کرد. خامنه ای با شیادی و استفاده از دین و دنیای معنوی از هم اکنون تکلیف میلیونها گرسنه را صبر بدون عجله و انتظار برای ظهور زیر سایه سنگین دستگاه سرکوب تعیین کرده است.

تحلیل انتخاب بین گرسنگی و کرونا

با شیوه مدیریت جمهوری اسلامی بدون شک دهها هزار تن از مردم ایران قربانی همه گیری کرونا خواهند شد و به عنوان فاجعه ای تلخ اثرات خود را بر زندگی مردم خواهد گذاشت. بی گمان ابعاد سهمگین این فاجعه، از نظر میزان تلفات، در آینده ای نزدیک روشن خواهد شد و دادخواهی خانواده های قربانیان این فاجعه به دادخواهی بازماندگان قربانیان جنایتهای دیگر رژیم اضافه خواهد شد.



کرونا خواهد رفت. اما نگرانی و بیم از بیکاری و فقر میلیونها نفر از مردم ایران، بر کرونایی که حی و حاضر در کمین جان آنها نشسته سنگینی می کند. صحبت این که «از کرونا نمی میریم اما از گرسنگی می میریم»، «از کرونا زنده موندیم با گرسنگی بعد از آن چه کنیم» و ... به طور جدی گویای نبرد بین مردم با کرونا و گرسنگی است. روحانی این نبرد را در شکل معیشت کنار سلامت مطرح کرد و بر همین مبنا شیوه آتش به اختیاری

در خروج از قرنطینه که همان روش «ایمنی گله ای» است را عملی کرده است.

با وجود اخطارهای کارشناسان اقتصادی در رابطه با دوره پسا کرونا، تناقض گوئیهای روحانی و وعده های پوچ او، هیچ چشم اندازی برای حل ابربحران کنونی را نشان نمی دهد. حکومت مستبد و فاسد، فاقد ظرفیت و توانایی برای مهار بحران در جهت منافع مردم است. حکومت علاوه بر ناتوانی مدیریت بحران، نمی خواهد بحران را حل کند. زیرا برای مهار ابر بحران کرونا، باید دهانهای گشاد حزب الله لبنان، حوثیها، حشد الشعبی و لشکرهای فاطمیون و زینبیون و بقیه نان خورها بسته شود و برای مردم خرج شود.

در حالی که هلدینگهای تحت اختیار خامنه ای همچون آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام و ... حاضر به قبول کمترین هزینه برای غلبه بر کرونا نشده اند، خامنه ای بعد از دو هفته با اکره اجازه برداشت یک میلیارد یورو از «صندوق توسعه ملی» را به روحانی داد. چگونگی تقسیم و خرج این مقدار پول را می توان از پیش حدس زد. اختصاص مبلغ ناچیز از صندوق ذخیره به مبارزه با کرونا، فروشی کردن مواد بهداشتی مانند ماسک و دستکش، گرفتن هزینه بیمارستان از بیماران کورنایی و ... نشان دهنده بی ارزشی جان انسانها برای رژیم است. در حالی که بسیاری از مردم به دلیل تنگدستی امکان خرید مواد بهداشتی را ندارند، سخنگوی گمرک از برداشتن ممنوعیت برای صادرات ۵۳۲ تن کالاهای ضد کورنایی و بهداشتی از اول فروردین تا ۲۳ فروردین به سایر کشورها خبر داد.

به گفته رئیس اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی فارس «کمترین بودجه اختصاص یافته برای جبران تبعات کرونا، مربوط به ایران است.» (ایلنا ۲۵ فروردین) به گفته وی «دیگر دولتها معادل ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی خود را برای

جبران کرونا اختصاص داده اند». در حالی که رژیم ۳.۱ درصد تولید ناخالص ملی را به این کار اختصاص داده و این به شرطی عملی می شود که همه یک میلیارد دلار از ذخیره ارزی برای آن مصرف شود.

روحانی دستور داد تا یک میلیارد یورو برداشت شده از صندوق توسعه به «نیازهای وزارت بهداشت» اختصاص یابد و برای این کار از «تولیدات داخلی و شرکتهای دانش بنیان» استفاده شود. وی در این تقسیم بندی ناروشن گفته است بخشی از این پول به صندوق بیمه بیکاری تعلق خواهد گرفت.

با توجه به وضعیت تولیدات داخلی و فلج شدن آنها در برابر مافیای واردات دارو و قاچاق، این که به تولید داخلی کمک خواهد شد تا به بیکار کردن کارگران منجر نشود، ادعایی پوچ و دروغ آشکار است. خصولتی کردن و واگذاری کارخانه ها به رانت خواران با توجه به شبکه اقتصاد فامیلی سرنوشت این وامها را نیز روشن می سازد. سرنوشت این وامها هم به سرنوشت وامهای داده شده قبلی که برای راه اندازی کارخانه ها به دانه درشتها و اختلاس گران واگذار شد، دچار خواهد شد.

با توجه به تولید در کارگاههای زیر ۱۰ نفر شاغل که شامل قانون کار نمی شوند، دستفروشان، ۵ میلیون کودکان کار (به قول کامیل احمدی پژوهشگر آسیبهای اجتماعی و مردم شناس)، کارگران ساختمانی، کارگران روزمزد، حدود ۳ میلیون کارگر بدون بیمه، و ۱۹ میلیون حاشیه نشین شهرها، بی خانمانها و حتا کسانی که در ردیف یارانه بگیرها هم حساب نمی شوند، می توان برآورد کرد که از این یک میلیارد چیزی نصیب این بخش نمی شود. حتا قول شفاهی بسته های حمایتی ۲۰۰ هزار تومانی هم فقط به سه میلیون خانوار داده شده است.

خواسته های فوری کارگران ساختمانی

روز شنبه ۱۶ فروردین، برخی از کانونها و انجمنهای صنفی کارگران ساختمانی طی بیانیه ای اعلام کردند که: «وظیفه دولت در این شرایط حمایت کامل از کارگران و قشر ضعیف جامعه از قبیل اختصاص بسته های حمایتی در قالبهای درمانی و خوراکی و نقدی به کارگران به دلیل تعطیلی کار است و همچنین به وجود آوردن شرایطی روحی مناسب برای تمامی مردم و دور شدن از استرس و ناراحتیهای روحی و روانی است». در این بیانیه که آن را ۱۴۶ کانون و انجمن صنفی کارگران ساختمانی امضا کرده اند، دولت را موظف به اجرای موارد زیر نموده اند.

- *تامین امکانات بهداشتی و محیط سالم ایمن در همه ی محیط های کار و خدمات رسانی به کارگران.
- *اختصاص بیمه بیکاری برای تمامی کارگران به خصوص کارگران و استادکاران فصلی ساختمانی (موقت).
- *تامین مراکز خرید مواد خوراکی کاملاً کنترل شده بهداشتی برای خرید و فروش نیازمندیهای خوراکی مردم تحت شرایط بهداشتی معین.
- *رایگان کردن مخارج آب و برق و گاز و تلفن و رایگان کردن اجاره منازل مسکونی و مغازه های فروشندگان جزء، حداقل تا پایان شرایط بحران بیماری کرونا.
- *تامین اقلام لازم بهداشتی به طور رایگان برای عموم مردم و امکانات و تجهیزات پیشرفته برای کادر پزشکی و درمان. (اقلامی چون ماسک، دستکش، مواد ضدعفونی)
- *بیمه شدن تمامی کارگران و استادکاران ساختمانی بدون قید و شرط به صورت فوری.
- *ارائه کمکهای نقدی بلاعوض و تامین بسته های مواد خوراکی برای خانواده های کارگران بیکار، دستفروشان، کارگران فصلی بیکار شده، کودکان کار و خیابان و خانواده مردمان درگیر فقر و گرسنگی و بیماری و بی دارویی.
- *بهرمندی کارگران ساختمانی از مشاغل سخت و زیان آور و غرامت ایام بیماری.

* کاهش پرداخت حق بیمه، ۳۵ سال برای کارگران ساختمانی با توجه به عدم کاهش هیچ کارگری ساختمانی رنگ بازنشستگی را نخواهد دید.

کلاه برداری و دزدی از جیب مردم

رژیم برای مبارزه با تبعات کرونا، نه به ثروتهای سرسام آور خامنه ای، بلکه بی شرمانه به جیب مردم چشم دوخته است. بعد از راه انداختن راهکار «ایمنی گله ای» و گرسنه نگاه داشتن مردم، وعده وام یک میلیون تومانی (حدود ۶۰ دلار) به یارانه بگیران با بهره ۱۲ درصد و با قسط ماهیانه داده است. بهره چپاولگرانه ۱۲ درصد آن چنان موجب خشم و نارضایتی شد که دولت روحانی عقب نشینی کرد و ترتیب جدیدی برای وام با بهره ۴ درصد تعیین کردند که بر اساس آن گیرندگان وام هر ماه ۳۵ هزار و ۸۰ تومان طی ۳۰ ماه پرداخت می کنند. بدین ترتیب دولت غارتگر از هر وام گیرنده مبلغ ۵۲ هزار و ۴۰۰ تومان از یارانه ناچیز آنان طی ۳۰ ماه دزدی می کند. طی این ۳۰ ماه هر وام گیرنده فقط حدود ۱۰ هزار تومان یارانه دریافت می کند. یعنی هیچ، یعنی یک کیلو سیب زمینی بر اساس قیمت‌های نیمه اول سال ۱۳۹۸، یعنی فلاکت برای اکثریت مردم.

این کلاهبرداری از مال مردم در حالی صورت می گیرد که خبر ناپدید شدن نزدیک ۵ میلیارد ارز دولتی در سال ۱۳۹۷ توسط رئیس دیوان محاسبات کشور به سطح آمد. ارزهای دولتی که به حلقوم آقازاده ها، رانت خواران و وابستگان فامیلی توسط حکومت ریخته شد.

سرگذشت این اختلاس در تضادهای باندهای رژیم مانند دعوای قبیله ای پیشین روشن است. عصبانیت دزدان بیت ولی فقیه برسر میزان کم و زیادی در تقسیم اموال متعلق به مردم است. در این جنگ و جدال درون قدرت، مشتها طوری به طرفین می خورد که از دماغ هیچ دانه درشتی خون بیرون نیاید. حتا جان این دزدان برای حکومت ارزش دارد و برای گرفتار نشدن به کرونا به مرخصی بدون بازگشت می روند.

موضوع دارائیهها و انباشت ثروت در نهادهای زیر مجموع بانکدار اعظم که نه مالیات می پردازند و نه نظارتی بر آنها وجود دارد، به رسانه های حکومتی راه پیدا کرده است. در این هنگامه که انباشت ثروت و غارتگری این نهادها زیر ضرب رفته است، طبیعی است که گزارش رئیس دیوان محاسبات برای زیر ذره بین بردن دزدیهای وابسته به باند روحانی معنا پیدا کرده است. در این جدال چیزی نصیب مردم به فلاکت کشیده شده نمی رسد و رهایی تنها با تصمیم و عمل خود ستمدیدگان میسر است.



"از این جیب به آن جیب" ریختن پول ملت

کامران عالمی نژاد

در حالی که ویروس کرونا هر روز شمار بیشتری از هموطنان را قربانی می کند، مسوولان کشور با وراجیهای همیشگی، وعده کمکهای نقدی و غیر نقدی به اقشار صدمه دیده و نیازمند اعم از کارمندان، کارگران، فرهنگیان و ... را از پشت تریبون نشخوار می کنند؛ وعده های پوچی همانند کمک مالی به سیل زدگان و زلزله زدگان، بسته های معیشتی به خانوارهای کم و بی درآمد، پرداخت درآمد ناشی از افزایش قیمت بنزین به مردم، یارانه ۷۵ هزار تومانی و در آخرین پرده، پرداخت وام به آسیب دیدگان کرونا، البته با بهره ۱۲ درصدی و کسر کل مبلغ از یارانه دریافتی به صورت اقساط ماهیانه.



حکومت با وقاحت و بی شرمی وصف ناپذیری همچنان شانه از زیر مسوولیتهای خود خالی می کند و وظایفی را که باید در قبال مردم انجام دهد و در نتیجه آن پاسخگو آن باشد را با حرف و وعده و نسبت دادن آن به دشمنان "جنی و آنسی" و دعوت مردم به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و گرفتاریها و در نهایت، حواله به روز رستاخیز و دنیای دیگر و رستگاری ابدی ماستمالی می کند.

تمامی کشورهای درگیر با این ویروس خطرناک، اطلاع رسانی و قرنطینه شهری (به تناسب شیوع بیماری) را یکی از موثرترین شیوه های جلوگیری از شیوع و همه گیر شدن آن می دانند. اطلاع رسانی دقیق و صحیح از آن جنبه دارای اهمیت است که شهروندان از آمار مبتلایان و جانباختگان مطلع و آن را جدی می انگارند، این در حالیست که رژیم جمهوری اسلامی با پروپاگاندا و کم نشان دادن آمار، قصد قدرت نمایی صوری در مهار بیماری را دارد که البته در پس این نمایش منزجر کننده، قصد هراساندن شهروندان از اعتراضات مجدد و قیام همگانی نیز فعال است.

برای همگان روشن است که رژیم هیچگاه توانایی قرنطینه شهری همانند دیگر کشورهای پیشرو در این زمینه را نداشته و نخواهد داشت. با به اجرا در آمدن طرح قرنطینه، دولت می بایست مسوولیت تامین برخی از حداقلها را برای جامعه به عهده بگیرد و این دقیقا پاشنه آشیل رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی است. پرداخت حقوق بیکاری کارمندان، معلمان و

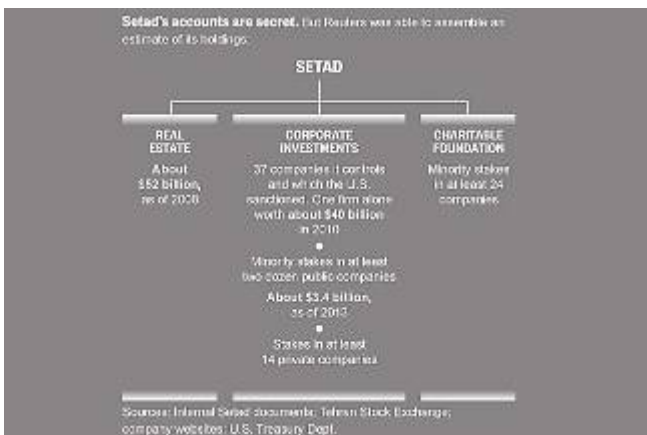
استادان دانشگاه همچنین کارگران و کارمندان کارخانجات دولتی، به عهده گرفتن قسمتی از ضرر و زیان کاسبکاران و بازاریان، از آن جمله کارخانجات و کارگاه های خصوصی فقط بخش کوچکی از این تعهدات می باشد.

حال با در نظر گرفتن این پارامترها می توان به خوبی دریافت که علت طفره رفتن دولت از اعمال قرنطینه چیست و چرا آن را "قرون وسطایی" می نامد؟ از طرف دیگر، رژیم به خوبی از این واقعیت آگاهی دارد که با قرنطینه کردن شهرها به دلیل ناتوانی در تامین کمترین امکانات، مردم گرسنه و بی پول سر به عصیان خواهند گذاشت، لذا برای جلوگیری از این هرج و مرج احتیاج به حجم بالایی از نیروی سرکوب جهت کنترل شهرها است، رژیم با این کار به اجبار نیروهای خود را در شهرهای مختلف پراکنده و مشغول خواهد کرد و این خطری جدی در صورت اوج گرفتن خیزشها و روبرو شدن با قیامهای از جنس آبان ۹۸ خواهد بود.

رژیم هیچگاه، حتی زمانی که در درآمدهای سرشار فروش نفت در زمان "یاغی خانه نشین" غوطه می خورد، به فکر مردم و کشور نبود، بلکه برعکس، در آن دوره با خیال آسوده و حسابهای مملو از دلارهای نفتی شروع به استخدام مزدور و تاسیس گروه های نیابتی تروریست و دخالت در امور کشورهای دیگر کرد. این سیاست تا به اکنون از اصلی ترین بندهای سیاست کلان رژیم بوده است.

علی ربیعی، سخنگوی دولت، روز دوشنبه ۲۵ فروردین در نشست خبری قبل از بازگشایی کشور در بحبوحه اپیدمی ویروس کرونا گفت: "ای کاش پول زیاد داشتیم، تحریم نبودیم و می توانستیم نفت بیشتر بفروشیم که با حمایت بیشتر در کنار مردم قرار می گرفتیم و این وضعیت را طی می کردیم."

این حراف دغل باز اما نمی گوید با وجود کارتلهای عظیمی که در چپاول اموال ملی ید طولایی دارند، از قبیل: "بنیاد مستضعفان"، "قرارگاه خاتم الانبیا"، "آستان قدس رضوی"، "کمیته امداد"، "ستاد اجرایی فرمان امام" و ده ها ابر شرکت و نهاد که وابسته به علی خامنه ای و سپاه پاسداران هستند، چرا حکومت باید برای مبارزه با کرونا و حفاظت از مردم محتاج فروش نفت بیشتر باشد. تنها با بخشی از سرمایه و درآمدهای این نهادها می توان چندین ماه مخارج کل کشور را تامین و مردم را از بحران به وجود آمده نجات داد. افزوده بر آن، باوجود آنکه تحریم مواد غذایی، دارو و تجهیزات پزشکی به طور مکرر از جانب مقامهای آمریکایی و اروپایی و حتی مسوولین حکومت تکذیب شده، رژیم همچنان کوشش می کند دزدی، ناکارآمدی و بی مسوولیتی خود را به گردن تحریمهای آمریکا انداخته و گریبان خود را از دست مردم خشمگین بدر ببرد.



عباس موسوی، سخنگوی وزارت خارجه رژیم، در بهمن ماه سال گذشته در مورد کانال بشر دوستانه ای که سوییس جهت خرید و ارسال کالاهای مورد نیاز مردم ترتیب داده بود، به وضوح به این مساله اشاره می کند. وی در نشست خبری گفت: "ما چیزی به نام کانال بشر دوستانه یا مشابه آن را به رسمیت نمی شناسیم، ما تحریمها را به رسمیت نمی شناسیم. دارو و غذا تحریم نبوده است که کانالی برای آن ایجاد کرده و سروصدا

برایش ایجاد کنند. از نظر ما این اهمیتی ندارد و رسانه ها بیش از حد به آن نپردازند، ولی از همه تلاشها برای کاهش فشار استقبال کرده و آن را مفید می دانیم."

آش آنچنان شور شده که دله دزدان آدرس "شاه دزد" را جار می زنند: مصطفی کواکبیان، نماینده مجلس، می گوید: "یک ماه قبل گفتم چرا از منابع در اختیار حکومت همچون بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان امام و آستان قدس

رضوی استفاده نمی شود؟... باید همه نهادهای دولتی و غیردولتی و عمومی و شرکتهای عریض و طویل دولتی کمک کنند."

علی خامنه ای، بالاخره بعد از ۱۱ روز با درخواست حسن روحانی جهت برداشت یک میلیارد یورو از صندوق توسعه ملی با هدف "مبارزه با ویروس کرونا" موافقت کرد. اما اینکه این مبلغ برای مبارزه با کرونا و در جهت منافع مردم و کشور هزینه شود، به طور یقین محل شک و تردید است.

به نظر می آید، مبلغی که به دستور علی خامنه ای و با هدف "مبارزه با ویروس کرونا" از صندوق توسعه ملی برداشت شده، جز ترتیب دادن "دفتر و دستک"، "استخدام مزدوران جدید" و درست کردن "صورت هزینه های هنگفت" و در نهایت "از این جیب به آن جیب" به کار دیگری نیاید.

از طرف دیگر، تاسیس قرارگاه "امام حسن مجتبی" نیز با توجه به وجود تعداد قابل توجهی قرارگاه، بنیاد و خیریه که در مدت زمان ۴۱ سال عمر جمهوری اسلامی تاسیس و داراییهای ملی را تاراج و از مردم اخاذی می کنند، انگیزه واقعی "رهبر" از این ایده را با علامت سوال روبرو می کند.

جالب آنجاست که پاسدار سلامی در توضیح راهکار این قرارگاه، از خیرین طلب یاری رسانی به هموطنان کرده است. تجربه تلخ کمکهای مردمی که در حوادث ناشی از سیل و زلزله توسط سپاه و ارگانهای دولتی به غارت رفت و سر از بازار آزاد درآورد، هنوز فراموش نشده است.

رژیم جمهوری اسلامی، در جلوگیری از شیوع ویروس کرونا در اسفند ماه سال گذشته هیچ راهکار عملی ارایه نکرد و آگاهانه باعث اپیدمی شدن این بیماری در کشور شد. این سیاست تا به امروز ادامه داشته است. به طور حتم در روزهای آینده با تعداد مبتلایان و متاسفانه جانباختگان بیشتری روبرو خواهیم شد. تاخت و تاز ویروس کرونا به پایان می رسد و آن روز خواهد رسید که مسوولان کشوری و لشکری در مقابل خانواده های جانباختگان حساب پس بدهند.



دغدغه هایش! برای علی اشرف درویشیان

فتح الله کیائیا

با شتاب وارد اتاقش شد. شاپویش را به گوشه ای انداخت. بارانی وصله دارش که چونان ابری بهاری قطرات درشت آب از آن می چکید را بر کف اطاق که با حصیر و جاجیم پوشانده شده بود، انداخت. شور و شوق اراده ای محکم و پولادین را در درونش حس می کرد. خودش را روی صندلی ولو کرد و با احتیاط جعبه چوبی ای را که زیر انبوهی از کتاب و کاغذ کمر خم کرده بود جلو کشید. قلم را به دست گرفت و اندکی به فکر فرو رفت. سستی یک دلمردگی مودی مثل موربانه، هنوز



در جانش ریشه ندوانده بود که خودش را جمع و جور کرده و زیر لب گفت: دلمردگی بسه و مدادش را تراشید، آرام و با سر صبر. انگاری زمان از حرکت ایستاده بود. دوباره با خودش زمزمه کرد: دل مرده گی بسه، باید کاری کرد، باید حرفی زد، باید آنها را نوشت.

همانطور که با خودش مشغول بود، انبوهی از اشخاص دور و برش ظاهر شدند. آنها را می شناخت. گذار سالیان هیچ از شکل و ظاهرشان نکاسته بود. رفقای سالهای دور و نزدیک. همه کسانی که می شناخت. همنشینان سالیانش در کوچه و خیابان، قهوه خانه، زندان. تلخ خنده زد و گفت: ها چه خوبه که از یادتون نرفتم؟ اما آنان بی توجه به او دور و برش می چرخیدند و چیزی می گفتند. صداها درهم و پچ پچ گونه بود، چیزی را متوجه نمی شد. انگار بازی لبها بودند که با رقص دود خاکستری سیگار، شکلکهای متحرک و جادویی را در فضای بسته اتاق بوجود می آورد؛ شکلکهایی که هنوز پا نگرفته پراکنده و محو می شدند.

معصومه، حسین و سهراب کودکانی ده دوازده ساله، با جعبه ی کوچکی مملو از آدامس و سیگار و چند دسته گل پلاستیک و بساطی از کتاب. کتابهایی کهنه که گویا نگاه مشتاق هیچ خواننده ای، رقص زیبای حروف را بر سپیدی برگهاشان ندیده بود.

قدرت، اما تنومند بود و قوی هیکل. خسرو هنوز با صورت سرخ شده از شرم جعبه چوبی واکس اش را مرتب می کرد و "مادر رعنا" خمیده پشت و شال بر کمر، زباله ها را می جست.

یخ و سرمای زمستانی، سختی راه به همراه زوزه ی باد، کاک رحمان را همچنان در محاصره داشت و رد شلاق درد را بر پیکر همراهانش می نشاند، که آرام آرام شیب کوهستان را بالا می رفتند. کاروانی خسته و کرخت شده از سرما با آوایی گرم که لرزه بر تن زمستان می افکند: "که س نه لئی کورد مردوه، کورد زیندوه."

شهین! کز کرده گوشه اتاق، قالیچه اش را می بافت و هر رجش را با ترانه ای شاد سر می انداخت. ترانه هایی که بوی بهار داشت و عطر گل نارنج. سرانگشتانی ماهر که یاسهایی سفید را با رگه هایی از خون انار که گویا در شب یلدا ترکیده باشند، در دامان قالیچه می کاشتند. از روزی که شوهرش را برده بودند، یاس سفید، نقش اصلی قالیچه هایش بود که در دل خون آلود گل بوته های سرخ و با ظرافتی از ابریشم نقش می گرفتند. حاصل کارش گرچه گرانبها ولی سهم او اندکی بیشتر از هیچ و آنهم به شوق تهیه چند شاخه گل و خرما برای جمعه های خاوران. آنجا که همدردان و همزمانش یکایک می آمدند، لنگان لنگان اما پر صلابت و با شکوه. جمعه های خاوران، قلبهایی در هم شکسته ولی پر امید و با غرور. بدنهای کهنسالی که همچنان استوار گام می زدند. جمعه های خاوران زیر این گامها رام شده بود. شادی از دل خاک سر بر می کشید و مادران حکایت دل باز می گفتند. جمعه های خاوران قرق آنها بود.

شوقی خاورانی بود که شهین را - و آن دیگران را - زنده نگاه داشته بود. دشنه هایی که صیقل می خوردند برای روز انتقام. گاهی ذله می شد اما وقتی به لبخند دخترش فکر می کرد که سالیان پیش زیر سردی خاک شقاوت دفن شده بود، شوقی دوباره برای ماندن در وجودش جوانه می کشید. نمی خواست و نمی توانست همدردانش را تنها بگذارد، همه دلخوشی اش دیدار هفتگی آنها در خاوران بود. و هر از گاهی گپ زدن پشت دروازه های منحوس اوین که تلخی انتظار را چونان قهوه ای غلیظ به آرامشی بردبارانه می کشاند.

این حجم از هجوم خاطرات و دیده ها، گیجش کرده بود. کدام را بنویسد؟ انتخاب سخت بود. با خودش گفت از کولبران شروع می کنم. قلم را که به دست گرفت زیر سنگینی بار و گرانی اراده شان به زانو در افتاد. دردی در ستون فقراتش پیچید. گرمی مایع لزج ماندنی را روی سینه اش حس کرد. خون بود که بیرون می جست. چونان کودکی بازیگوش و بیخیال بر عرصه سپیدی برف که سر می خورد و عمو نوروز را می خواند. با هر جان کندی که بود بر روی پا ایستاد، سنگینی بار عذاب دهنده نبود که شوق دیدار فرزندان سختی راه را هموار می کرد. اما این گلوله ... این گلوله ها داغ بودند و بی رحم که با شقاوت می باریدند.

بغضش را پنهان کرد و با خود گفت: نه! این شیر یلان استوارند و تحمل صبر و درد را دارند. پس سراغ "مادر رعنا" را گرفت. در انبوهی زباله ها بوی تعفن بی خیالی بود. مادر را نیافت. اما صدای عصایش را می شنید که آرام آرام دور می شد. چنان نرم می شتافت و می رفت که گویا برای جستجو دیگر فرصتی نداشت. مادر رعنا رفته بود.

زیر لب از خودش پرسید: چرا بی خداحافظی؟

قدرت را تنومند کنار بیمارستان یافت که مثل کوهی دست بر شکم گرفته، ایستاده بود. جلو رفت خوش و بش کرد. صدای قدرت خشم داشت و می لرزید: بی ناموس بقیه پول رو نداده و سه روزه که منو اینجا علاف کرده. روزگار بی رحمی شده حتی کلیه ات را هم می دزدند و بی آنکه منتظر جوابی بماند افزود: حالا هزینه ی دوا درمون سپیده رو از کجا بیارم؟ سپیده پرپر می شد زیر شلاق سرطان.

سوزش زخم (قدرت) را روی شکمش حس کرد. چشمان بی فروغ سپیده را در خیالش بست و عصا به دست راه افتاد. به کجا؟ نمی دانست. خشمگین بود و یاس و دلمردگی را زیر قدمهایش خرد و خمیر می کرد. پای می کوبید بر فرق زمین. پیرمرد عاصی شده بود.

بالاخره معصومه و حسین را یافت. کنار خیابان انقلاب با بساط کتابهایی کهنه که می فروختند. پیر مردی کتاب فروش از دکه اش بیرون آمد و آب نباتی در دستهای یخ زده شان گذاشت و با مهربانی پرسید: بگید به بینم امروز کار و کاسبی جوونای من چه جوریه؟ لبخند پر حیای معصومه بود و صدای آرام حسین که داستانی را بلند بلند می خواند آنچنان که گویی رهگذران خسته و بی حوصله را به میهمانی واژه ها دعوت کرده باشد. کتابفروش لبخندی زد و دستی به سر و رویشان کشید و رفت. کتاب خوانی برای جماعت بیحوصله و عجول، هم کاری است.

شرم و حیای خسرو تکاندهنده بود. گویا خودش را از چشم هرزه ی دنیا دور نگاه می داشت. پشت سیاهی واکسها پنهان شده بود. نه از سر ترس که از نگاه کردن به جهانی این گونه تحقیر شده، پرهیز داشت. این دنیای او نبود. آنچه از همه زندگی اش بیاد داشت کتک بود و فقر و تنگدستی. آرزوی داشتن توپی پلاستیکی و ساعتی با فراغ بال بازی کودکانه، اگر چه آرزوی بزرگی نبود، اما همیشه دور از دست بود. مدتها بود که پشت حسرتهای کودکیش گم شده بود.

پیرمرد دلش به درد آمده بود و نمی دانست که کدام را بنویسد؟ انتخاب سخت بود. در همه آنها قسمتی از خودش را یافته بود. گویا با آنها زندگی کرده و بزرگ شده بود. هر کدام شان جزیی از خودش بودند باورهای خودش و زندگی خودش. چنان تنیده درهم که اگر یکی از آنها حذف می شد، مفهوم خودش را از دست می داد، گم می شد. درست مثل خسرو که در پس آرزوهای کودکیش گم شده بود. همان کوچه پسکوچه های خاکی و گردآلود که رویای بازپهای کودکانه اش را در خودش بلعیده بود، در خودش محو و گم کرده بود. هیچگاه اینگونه زبون و درمانده نشده بود.

نمی دانست کدام را بنویسد هرگاه پای انتخابی بکار می آمد، کلمات کارایی خود را از دست می دادند، زبون و خوار و دست و پا چلفتی می شدند، کم می آوردند. هیچ جمله بیانگر این حجم از واقعیت نمی شد. گویا هیچ واژه ای یارای تحمل درد را نداشت. درد تنها که نه، خشم و عصیان و امید ... احساساتی تلنبار شده و متناقض در بطن آدمهایی که می آمدند و می ساختند و دست خالی می رفتند و فراموش می شدند. آنچنان که گویا هرگز نبوده اند. آنها را "سیزیف" هایی یافته بود که کوه درد را برای تحقیر خدا، جا به جا می کردند.

وقتی در انتخاب خودش را درمانده یافت، شاپویش را بر سر نهاد و بارانی اش را پوشید، هر چند پر از وصله بود و ناهمگون. عصا در دست به خیابان زد. آنجا را سرشار از شگفتی یافت. گویا داستانی سرشار از تب و تاب رهایی، در خیابان شکل می گرفت.

لبخند به لب قهرمانانش را با نگاهی غرورآمیز برانداز کرد. چند نفری از آنان را نوشته بود. می دانست که تحریرگر بی رحم تاریخ، انتخاب کننده نهایی است و آنها را یکی یکی خواهد نوشت.

کانال تلگرام نبرد خلة

@nabard_khalah

https://telegram.me/nabard_khalgh

چه اتفاقی در این سیاره افتاده و دیدگاههای چپ در این باره

لیلا جدیدی

هزاران نفر در سراسر جهان جان خود را در پی شیوع گسترده ویروسی کرونا از دست داده اند، بیش از دو میلیون تن دیگر مبتلا شده اند و این شمار همچنان رو به افزایش است.



اگرچه چین، آمریکا، جمهوری اسلامی و برخی از کشورهای اروپایی مانند ایتالیا و اسپانیا در صدر خبرها قرار دارند، اما حاشیه نشینها و زاغه نشینان در آفریقا، خاورمیانه، شبه قاره هند و آمریکای لاتین که در مکان سکونت شان کمتر نشانی از امکانات پزشکی و بهداشتی وجود دارد، شمار مرگ و میر را به میلیونها خواهند رساند.

مردم جهان همزمان با نگرانی از وضعیت ناهنجار

سلامتی، مالی و اجتماعی کنونی و در پیش رو، می خواهند بدانند که چه کسانی را باید مسوول گسترش ویروس بدانند و علیه چه کسانی باید اعتراض کنند؛ خودشان، دولتها، یا حتی کشور چین را؟ آنها می خواهند بدانند چه اتفاقی در این سیاره افتاده؟ آینده چه خواهد بود؟

در این نوشته تلاش شده است به برخی از این پرسشها پاسخ داده شود. از سوی دیگر، از آنجا که رسانه ها در اکثر کشورها بلندگوی حکومتهای راست گرا هستند، تلاش شده برخی از دیدگاههای نیروها و فعالان مترقی و چپ منعکس گردد.

با بررسی آنچه که تاکنون گذشته و تکیه بر نظرات بسیاری از کارشناسان در سراسر جهان، این واقعیت که مهمترین علل شیوع گسترده این ویروس بر پایه دو فاکتور اساسی استوار است، انکار ناپذیر گردیده: نخست، تکذیب خطر ویروس در مراحل اولیه از جانب دولتها و طبقه حاکمه بسیاری از کشورها و سپس، ناتوانی سیستم بهداشت و درمان جهانی که بر پایه اقتصاد سرمایه داری قرار دارد.

ویژگی بحرانهای بزرگ در این است که تضادهای انباشته شده ای که سالها سرکوب شده اند، عریان شده و به سطح آورده می شود. عقب ماندگی، فساد، خودکامگی در سازمان اقتصادی، رهبری سیاسی و ایدئولوژی حاکم به شکلی بی پرده به صحنه می آید. این بحران همه گیر طی فقط چند هفته نظم اجتماعی، سیاسی و اقتصاد موجود را در چشم میلیونها نفر در سراسر جهان ناکارآمد و بی اعتبار کرده است.

شیوع ویروس کرونا این واقعیت را به سطح آورده که در سیستم اقتصادی غالب بر جهان، اگرچه گهگاه سلامت و زندگی بشر در اولویت قرار گرفته، اما در بسیاری از نقاط جهان مرگ انسانها سود بیشتری داشته تا زنده ماندن شان.

علت شیوع گسترده بیماری

از ایالات متحده تا چین، ایران، ایتالیا و بسیار نقاط دیگر جهان، حاکمان با تصمیماتی درباره مرگ و زندگی انسانها روبرو بودند. آنها زمان گرانبها را به جای جنگ با ویروس صرف جنگ با واقعیت می کردند. "توماس بولیکی"، کارشناس بهداشت جهانی در اندیشکده شورای روابط خارجی، می گوید: "انکار و در نتیجه تاخیر در اقدام، منجر به گسترش وسیع ویروس شد". وی می افزاید، "کشورهایی که به سرعت اقدام نکردند، اکنون بهای آنرا می پردازند". روشن است که این بها پامال شدن امنیت، سلامت و جان انسانها است.

بدین صورت فرصت جلوگیری از گسترش بیماری ناشی از ویروس از دست رفت. "مارک لپیچ"، اپیدمیولوژیست بیماریهای عفونی در دانشگاه هاروارد T.H. دانشکده بهداشت عمومی، معتقد است: "تعقیب منشاء موردهای مثبت دیگر

عملی نیست و آن پنجره بسته شده است. "وی" فاصله گرفتن و قرنطینه "را تنها راه می داند و بر طولانی بودن زمان آن تاکید جدی دارد.

نخستین پرده پوشی و انکار از حاکمان چین آغاز شد، کشوری که ویروس از آنجا نشت کرد و از همانجا تکذیب واقعیت نیز همچون کرونا به کشورهای دیگر سرایت کرد.

ریس جمهور دست راستی برزیل، "ژائیر بولسونارو" (Jair Bolsonaro) نیز اعلام کرد: "مردم بزودی خواهند دید که از سوی رووسای ایالتها و بخش وسیعی از رسانه ها گول خورده اند." او بیماری حاصل از ویروس کرونا را "یک سرماخوردگی کوچک" توصیف کرد. بولسونارو احمقانه ادعا کرد که مردم برزیل نسبت به این ویروس مصونیت دارند (برزیل تا تاریخ ۱۶ آوریل / ۲۸ فروردین، نزدیک به ۲۸ هزار مورد تایید شده و بیش از ۱۷۰۰ قربانی داشته است).

"پدرو سانچز" (Minister Pedro Sánchez)، نخست وزیر سوسیال دموکرات تازه به منصب رسیده اسپانیا، نیز بین اعلام یا تکذیب، انتخاب سختی داشت، وی با تصمیمی سرنوشت ساز برای حفظ قدرت سیاسی روبرو بود. سانچز انتخاب دوم را به نفع خود ارزیابی کرد. حتی هنگامی که شیوع ویروس در این کشور تایید شده بود، سانچز به دهها هزار نفر اجازه داد تا به تماشای مسابقات فوتبال بروند و یک تظاهرات فمینیستی ۱۲۰ هزار نفری در مادرید نیز با تایید وی برگزار شد. سرانجام این تصمیم غیر انسانی، پایتخت را به مرکز شیوع کرونا در این کشور و اسپانیا را به چهارمین کشور مبتلا در جهان تبدیل کرد.

ریس جمهور مکزیک، "آندرس مانوئل لویز اوبرادور" (Andrés Manuel López Obrador)، مردم را به ادامه رفتن به رستورانها تشویق کرد زیرا به گفته او "این کار اقتصاد را تقویت می کند".



در مصر، حتی پس از آنکه بسیاری از کشورها از جمله کانادا، تایوان، لبنان، الجزایر، یونان، ایالات متحده، فرانسه و کویت گزارش دادند که تست گردشگرانی که به مصر سفر کرده اند، مثبت بوده، رژیم این کشور و رسانه ها آن را تکذیب کرده و اقدامی نکردند. "هاله زاید" (Hala Zayed)، وزیر

بهداشت مصر، در اواسط ماه فوریه ادعا کرد که ویروس به این کشور نخواهد آمد، زیرا "کرونا در چین است و نه در مصر". زاید همچنین ادعا کرد که این ویروس مسری نیست و وی قصد ندارد بازدید کنندگان چینی را از ورود به این کشور منع کند "زیرا سازمان بهداشت جهانی این کار را توصیه نکرده."

سران کشورهای دیگری که هم اکنون با فاجعه انسانی وسیع تری روبرو هستند برای نمونه ایران و آمریکا، نه تنها نخست این ویروس خطرناک را تکذیب می کردند، بلکه دست به تشویق مردم برای رفتن به سر کار می زدند. در ایران، خامنه ای متهم شیوع کرونا را "آمریکا" و "اجنه" معرفی کرد، در این صورت بدیهی است که تلاش برای مبارزه با آن نیز فقط می توانست "توطئه ضدانقلاب" توصیف شود.

بسیاری از کشورها از جمله رژیم حاکم بر ایران به طور دلبخواهی و بدون رعایت پیشنهادات و دستورات سازمان بهداشت جهانی عمل کردند و بدین طریق نه تنها جان شهروندان عادی، بلکه جان کارکنان خدمات بهداشتی را نیز به خطر مرگ انداختند.

ترامپ رییس جمهور آمریکا اولین اظهارنظر در باره کرونا را هنگامی که در کنفرانس داووس بود، در ۲۲ ژانویه / ۲ بهمن با خبرنگاران انجام داد. او در پاسخ به سووال خبرنگار که آیا در این مرحله نگرانی از بیماری و شیوع اپیدمی وجود دارد؟ گفت: "نه اصلا. ما آن را کاملا تحت کنترل داریم. این فقط مربوط به یک نفر است که از چین آمده. ما آن را تحت کنترل داریم. این هیچ مشکلی نخواهد بود."

ترامپ و کمین او حتی زمانی که شیوع بیماری سرعت گرفته بود بازگشت زود هنگام به کار را تبلیغ و ترویج می کردند. بدین شکل هر دو کشور زمان گرانبهایی را تلف کردند و به سرعت به قله کوه مبتلایان صعود کردند.

در بریتانیا "بوریس جانسون" مدعی داشتن استراتژی دیگری بود، به این ترتیب که دولت به دنبال مبتلایان احتمالی نمی رود و فقط به افرادی که به بیمارستان اجازه ورود می گیرند، رسیدگی می کند، با این تصور که زمانی که همه مبتلا شوند، مصونیت پیدا می کنند. او روز ۱۲ مارس / ۲۲ اسفند بدون اعلام هرگونه تدبیر حفاظتی، به خانواده ها اطلاع داد که عزیزان خود را از دست خواهند داد.

"بن هیلیر" (Ben Hillier)، نویسنده نشریه "پرچم سرخ"، در مقاله ای منتشر شده در "مانتلی ریویو" (دوم مارس ۲۰۲۰) با عنوان "ویروس کرونا: یک فاجعه دست ساز سرمایه داری"، انتخاب حکومتها را در نخستین روزها بررسی کرده است: "در صورت مواجهه با ویروسی که متخصصان پزشکی می گویند بسیار مسری و خطرناک است و تا به حال ندیده اند و اطلاعاتی در مورد آن ندارند، چکار باید کرد؟ دو راه بیشتر پیش رو نیست: یا آنکه برای جلوگیری از پیشرفت آن به سرعت دست به اقدامات پیشگیرانه بزنی و سیستم بهداشتی را برای شیوع بالقوه آن آماده کنی و یا آنکه آن را نادیده بگیری و با قاطعیت و بدون هیچ تحقیقی ادعا کنی که مساله مهمی نیست و تفاوتی با آنفلانزا ندارد و همزمان کسانی که وقوع بحران در راه را جدی گرفته اند را متهم کنی که در آن گونه ای از منافع سیاسی را دنبال می کنند. سپس وقتی به همه گیر شدن ویروس رسیدی و دیدی پزشکان ابزار کافی برای مبارزه با آن را ندارند، بیایی و بگویی همه چیز تحت کنترل است."

وی ادامه می دهد: "حکومتها و قدرتهای سرمایه داری و خودکامه راه دوم را انتخاب کردند. نخستین واکنش چین تکذیب بود. مقامهای چینی در وان بیشتر به فکر برگزاری کنگره حزب کمونیست و جشن گرفتن برای آن بودند و به اخطار پزشکان توجه نکردند. چند هفته گذشت تا تکذیب به وحشت ختم شد و در آن هنگام بزرگترین قرنطینه در تاریخ بشر صورت گرفت. در این حال به علت نبود آمادگی برای مقابله، جانهای بسیاری از دست رفت تا توانستند کنترل لازم را داشته باشند. در آمریکا دونالد ترامپ نیز شیوع کرونا را "اخبار جعلی" توصیف کرد که از جانب دمکراتها بافته شده و یک توطئه برای تخریب ریاست جمهوری او و سقوط بازار سهام است. در این میان رسانه هایی که تهدید جنگ را در بوق و کرنا می کردند و ادای منتقد ترامپ را در می آوردند، با او همزمان شدند. روزنامه واشنگتن پست نوشت: "کوتاه بیابید دوستان، نگران ویروس کرونا نباشید، به جای آن نگران آنفلانزا باشید."

اینها فقط چند نمونه است که نشان می دهد، این همه درد در سراسر جهان، بیمارستانهای شلوغ و تلفات جانی و مالی، انتخاب این دسته از سیاستمداران است. به همین جهت اگر ویروس کرونا متهم اصلی در تهدید جهان است، متهم ردیف دوم سیاستمداران حاکمی هستند که خطرات آن را زیر فرش جارو کردند. برای اثبات بیشتر این ادعا بیابیم به چند نمونه دیگر مانند کره جنوبی و آلمان که حاکی از برخوردهای مسوولانه است، نگاه کنیم. دولتهای در این دو کشور راستگویانه اطلاع رسانی کردند و اقدامات ضروری را در نخستین روزها انجام دادند و به همین دلیل نیز کمترین میزان مرگ و میر به نسبت تعداد افراد مبتلا و بیشترین تعداد بهبودیافتگان را دارند.

آنها که توانستند

کره جنوبی با روشهای سخت و پیشگیرانه، شیوع را از اوج روزانه ۹۰۹ مورد جدید به روزانه ۷۴ مورد کاهش داد. تا ۱۵ مارس / ۲۶ اسفند بیش از ۲۵۰ هزار نفر مورد آزمایش قرار گرفتند.

یک نمونه دیگر کشور سنگاپور است. اگرچه هیچ کشوری به اندازه چین واکنش تهاجمی برای جلوگیری از پیشرفت ویروس با قرار دادن دهها میلیون نفر برای هفته ها در قرنطینه اجباری نداشت، سنگاپور اما بهترین واکنش پیشگیرانه و سریع را داشت. سنگاپور از نخستین کشورهای بود که ممنوعیت پروازهای ورودی از شهر چینی ووهان را اعلام کرد. این

کشور تا تاریخ ۱۶ آوریل / ۲۸ فروردین، ۳۶۹۹ پرونده ثبت شده و ۱۰ قربانی داشته است. "دیوید هیمن" که نماینده سازمان جهانی بهداشت در هنگام بیماری سار بود و هنگام شیوع آن در سنگاپور تدریس می کرد، می گوید: "سنگاپور همه اقدامات لازم را به خوبی انجام داده. آنها واضح و روشن همه چیز را به جامعه گفته اند و مردم نیز کاملا تفهیم شده اند که نه تنها سلامت خود، بلکه سلامت دیگران هم در دست آنهاست."

در هنگ کنگ، "بن کاولینگ"، استاد اپیدمیولوژی بیماریهای عفونی، می گوید: "هنگ کنگ خیلی سریع پاسخ مناسب داد. آنها از ۳۱ دسامبر / ۱۰ دی که گزارش چین را دریافت کردند، تمامی گذرگاههای مرزی با این کشور را بستند." یکی دیگر از کشورهای که اقدامات پیشگیرانه گسترده ای انجام داد، تایوان است. "کیتلین ریورز"، دانشیار در رشته اپیدمیولوژی دانشگاه جان هاپکینز مرکز امنیت سلامت، می گوید: "سنگاپور، تایوان، هنگ کنگ و کره جنوبی در ارتباط با یکدیگر استراتژیهای تهاجمی برای شناخت موردها، ایجاد فاصله، تعقیب منبع ابتلا و در قرنطینه قراردادن افرادی که در معرض ریسک هستند را به اجرا در آوردند. آنها به اقدامات چند لایه ای دست زدند."

نیکاراگوئه نیز در زمره موفق ترین کشورهای آمریکای لاتین در مبارزه با شیوع ویروس کرونا بوده است. تا تاریخ ۱۶ آوریل / ۲۸ فروردین، نیکاراگوئه دارای ۹ مورد تایید شده و یک قربانی بوده است. با نگاه به مثالهای یاد شده این سوال مطرح می شود که چرا رهبران دیگر کشورها سهل انگاری کرده و وقت را تلف کردند؟

موضوع اقتصاد است



"جرمی شیفمن"، یک کارشناس سیاست بهداشت و درمان در دانشگاه جان هاپکینز، می گوید: "نمی توان موضوع را به نوع رژیم یا حتی یک اپیدمیولوژی سیاسی مرتبط دانست." اگر نظریه وی درست باشد پس در این صورت علت چیست؟ نظریه های گوناگون دلایل گوناگونی ارائه می کنند: هراس رهبران از آسیب رسیدن به جایگاه سیاسی شان،

جلوگیری از آسیب اقتصادی کشور، به خطر نیفتادن سود و منافع سرمایه داران، حفظ وجهه داخلی و جهانی و اعتقاد بدون تحقیق به اینکه کرونا خطرناک نیست.

با این حال به نظر می آید وجه اقتصادی از مهمترین عوامل مهم این کوتاهی بوده است. برای اثبات به چند نمونه توجه کنیم: شرکت آمازون، بزرگترین بنگاه تجاری آنلاین، حتی زمانی که کارکنان تست مثبت داشتند، اعلام کرد که نه درها را می بندد و نه تسهیلاتی برای کارگران ایجاد می کند. مجله راستگرای مورد حمایت ترامپ حتی مردم را به مبتلا شدن به ویروس تشویق می کرد تا بدین وسیله "مصونیت عمومی" ایجاد شود.

طبقه ممتاز آمریکا نیز نظیر همین نظرات را داشت. "لویید بلانکفین"، مدیر پیشین گلدمن ساکس و "گری کوهن" مشاور اقتصادی سابق ترامپ، در اوایل شیوع ویروس در آمریکا خواستار شدند: "زمان آن رسیده که در مورد ضرورت گفتگو در تعیین زمان برای بازگشت به کار اقتصاد را آغاز کنیم."

مدیر عامل بانک بزرگ ولز، "فارگو"، با اشاره به "کارکنان سالم زیر ۵۵ سال" گفت: "بتدریج آنها را به کار برمی گردانیم تا ببینیم چه می شود، بعضی از آنها ممکن است مریض بشوند و بعضی حتی بمیرند، نمی دانم."

"تام گلیسانویک"، میلیاردر، درحالیکه در بالکن خانه مجلل خود در فلوریدا مشغول کشیدن سیگار "پدرون" بود در مصاحبه ای با روزنامه اقتصادی بلومبرگ فریاد اعتراض برآورد که "زیان تعطیل کردن اقتصاد، بسیار بدتر از دست دادن چند تا آدم است" و "باید ضرر و منفعت را سنگین و سبک کنید".

البته این فقط مربوط به آمریکا نبود، تشویق مردم به فدا کردن جانشان به نفع "اقتصاد" نمونه های فراوان داشت.

در آلمان، مدیر یکی از صندوقهای اعتباری به نام "الکساندر دیلیوس" به روزنامه "هندلزبلات" گفت: "توقف فعالیت اقتصاد خطرناکتر و ترسناکتر از ویروس و بیماری و مرگ است."

"اندره دامون" (Andre Damon)، نویسنده چپ گرا، در نوشته ای با عنوان "چند نفر باید برای وال ستریت بمیرند؟" می گوید: "تصمیمات و اظهار نظرات طبقه حاکمه نشان از هم جهل و هم بی تفاوتی به زندگی مردم دارد. در واقع ارزش زندگی اینجا مورد بحث و معامله قرار می گیرد." وی در ادامه ضرورت در دستور کار قرار گرفتن "فاصله گذاری، تعطیلی مدارس و شدت بخشیدن به آزمایشها و تحقیقات وسیع برای یافتن منشأ بیماری هر فرد" تاکید می کند. وی ادامه می دهد: "اینها دستورات سازمان بهداشت جهانی و اقدامات اولیه ای هستند که برخی از کشورها از جمله آمریکا در پیش نگرفتند. بیمارستانها به جز افرادی که به شدت بیمار هستند، کسی را آزمایش نکردند و این امر تعقیب منشأ بیماری را به نسبت زیادی غیر ممکن کرد. از طرفی، توصیه های سازمان بهداشت جهانی که بر جدا کردن افراد مبتلا در خانواده پافشاری می کرد و خواستار قرنطینه اجباری از سوی دولت شده بود، نادیده گرفته شد. با این همه، حتی وقتی حاکمان دستور دادند که کارگران و کارمندان بر سر کار خود حاضر شوند، آنها دست به نافرمانی زدند و در برخی کشورها به طور جمعی محل کار را ترک کرده اند. کارگران ماشین سازی دیترویت، کارکنان آمازون و کارگران پست کار را زمین گذاشتند. طبقه کارگر باید از دولتها و کارفرمایان بخواهد واکنش فوری و جدی از خود نشان دهند."

دامون به ضرورت اقدامات زیر تاکید دارد:

- همه مشاغل غیر ضروری باید تعطیل شود و حقوق تمامی کارکنان پرداخت گردد
- آنهایی که باید به کار ادامه بدهند، از تمامی حفاظتهای لازم برخوردار شوند
- دسترسی جهانی به آزمایش بدون کوچکترین مخارج برای افراد جامعه باید وجود داشته باشد
- رسیدگی در به بیمارستان با وسایل و تجهیزات و بدون مخارج برای بیمار باشد
- زندانیان باید در حفاظت کامل قرار گیرند
- برای مهاجران شرایط سالم زندگی فراهم شود تا از انتشار بیماری جلوگیری شود
- نقش جامعه نیز این است که در جهت برآورده شدن این ضروریات پافشاری و در محل کار و خانه قواعد سلامتی خود و دیگران را رعایت کند
- پاسخ دهی مناسب به این بیماری را نباید در اختیار سرمایه داران، سیاستمداران حاکم و طبقه حاکمه گذاشت. آنها نخستین و اساسی ترین نگرانی شان از دست دادن سود در بحران بازار سهام است.



برخی دیدگاههای فعالان چپ جهانی

در وبسایت "دفاع از مارکسیسم" که ارگان گرایش مارکسیستی بین المللی است و هم اکنون در بیش از ۳۰ کشور جهان سازمان یافته است، در نوشته ای با عنوان "همه گیری ویروس کرونا صفحه جدیدی را در تاریخ جهان را گشوده است" (۱۳ مارس ۲۰۲۰) آمده است: "آیا تنها مخارج سنگینی که صرف سلاح و موشک، تروریسم و ساخت سلاح کشتار جمعی در ایران و هزینه سلاحهای

مدرن برای آدم کشی در غرب می شود، نمی توانست برای ماسک صورت و سایر وسایل ایمنی برای بیمارستانها هزینه شود؟ نمی تواند ونتیلاتور برای بخش بهداشت و درمان شود؟ دسترسی به آزمایشاتی که برای ردیابی و یا مقابله با ویروس

لازم است، راحت نیست و هزاران نفر که علائم ابتلا به ویروس کرونا را دارند، می خواهند از ابتلا یا ابتلا نشدن به ویروس مطلع شوند."

"دیوید نورث" در مقاله ای تحت عنوان "طبقه کارگر، سوسیالیسم و نبرد علیه بیماری پندمیک" اشاره بدین امر دارد: "در واقع، خطر ابتلا به یک بیماری همه گیر کشنده طی دو دهه گذشته مورد مطالعات پزشکی و گزارشهای دولتی بوده است، اما این هشدارها کم رنگ و نادیده گرفته شده. یک سیستم اقتصادی و سیاسی که هدف اصلی آن پروار کردن یک الیگارشسی انگل است، منابع مالی را در صورتی که سود زیادی تولید نکند، برای تحقیقات علمی و امنیت سلامت مردم صرف نمی کند، زیرا اتلاف وقت و پول تلقی می شود"

وی در این مقاله به لزوم در دستور کار قرار دادن "همکاری جهانی دانشمندان و محققان در مبارزه ای جهانی" تاکید می کند و می گوید: "هزینه های جنگ و کشتار باید کنار گذاشته شود و تمام منابع صرف مبارزه با این بیماری گردد. همچنین این هزینه ها صرف بهبود محیط زیست و دیگر تهدیداتی که زندگی در این سیاره را به خطر می اندازد، گردد." او در خاتمه می نویسد: "از آن رو که ما با بحران جهانی و مسایل مربوط به آن قرار داریم و این بحران کما بیش مشکلات اجتماعی و سیاسی مشترک کشورهای جهان، حتی کشورهایی که دارای منابع زیادی هستند و این فاجعه را تجربه می کنند است، نیاز به مبارزه و وحدت طبقاتی کارگران و زحمتکشان جهان و کنار گذاشتن شوینیسیم ملی داریم."

در گزارش اقتصادی هاروارد، سه اقتصاددان سرشناس، "فیلیپ کارلسن ژلسک" (Philipp Carlsson-Szlezak)، "مارتین ریوز" (Martin Reeves) و "پاول سوارتس" (Paul Swartz) در مقاله ای با عنوان "اقتصاد جهانی پس از بحران کرونا به کدام سو می رود؟" (۳ مارس ۲۰۲۰) ضمن آنکه تشریح می کنند چگونه کار دیجیتالی توسعه وسیعی خواهد داشت و از همین اکنون شاهد آن هستیم، اما می گویند با این حال به حدس و گمانها در این شرایط به هیچ وجه نباید تکیه کرد. آنها بهترین روش را "مطالعه تاریخ اقتصاد پس از هر اپیدمی و شوک" پیشنهاد کرده اند."

در نوشته دیگری منتشر شده در وب سایت "در دفاع از مارکسیسم"، جهان سرمایه داری اینگونه توصیف شده است: "برای سرمایه داری هیچ نشانه ای از بهبود سریع اقتصادی وجود ندارد. برخی از کارشناسان پیش بینی می کنند که رشد اقتصادی جهان می تواند از ۲.۶ درصد در سال گذشته به یک درصد نزول کند، این بدان معنی خواهد بود که تعدادی از کشورها در رکود اقتصادی فرو خواهند رفت. اما این در حالت خوشبینانه است، زیرا صنعت، تجارت و حمل و نقل پس از آنکه چرخه اختلالات موجود را طی کرد، با کاهش مصرف روبرو می شود. اقتصاد جهانی دچار یک بحران عمیق خواهد شد. سهام و قیمت نفت به سرعت سقوط کرده و فرقی ندارد که بانکها تا چه حد بهره را پایین بیاورند، قیمتها همچنان سقوط خواهد کرد. این چشم اندازی منفی برای طبقه حاکمه و سرمایه داران کلان است. آنها به درستی به جهتی که اقتصاد جهانی می رود آگاه هستند و در باره آن نگران."

شواهد زیادی این گفته را تایید می کند: رکود اقتصادی چین، دومین اقتصاد بزرگ جهان، به میزان دوره انقلاب فرهنگی مائو است. صنایع بزرگ حتی پس از کنترل ویروس و اشتغال به کار کارگران با کاهش تقاضا روبرو هستند. جمهوری چک مرزها را به روی ۱۵ کشور اتحادیه اروپا بسته، استرالیا مرز با ایتالیا را بسته، فرانسه، آلمان و دیگر کشورهای اروپایی صادرات لوازم درمانی را منع کرده اند. در واقع بازار مشترک به سرعت بسته می شود. از این رو است که تمامی تضادهای درونی اتحادیه اروپا به سطح آمده و آینده اتحادیه اروپا را زیر سوال برده است.

در این زمینه، وب سایت "در دفاع از مارکسیسم" می نویسد: "بورژوازی بحران اقتصادی را به گردن این ویروس می اندازد. اما این فقط یک اتفاق بود که تمامی تضادهای انباشت شده قبلی در سیستم به سطح آورد، شرایط فعلی به طور کلی بحران سرمایه داری در مجموع است که زمینه های آن طی دهها سال به وجود آمده ... طبقه سرمایه دار توانست برای مدتی با وام دادن یا بهتر بگوییم، مقروض کردن مردم مانع رکود اقتصادی گردد. دیر یا زود اما بادکنک باید می ترکید. ما این روز را پیش بینی کرده بودیم." منبع یاد شده در نهایت به این جمع بندی می رسد: "بحران کنونی اقتصاد

جهانی را ضعیف تر خواهد کرد. کشورهای یکی پس از دیگری ناچار شده اند برای شناور ماندن اقتصاد بسته های حمایتی به مردم بدهند، اما این بحران اقتصادی به این صورت و به این زودی از بین نخواهد رفت."

اما در جایی دیگر، مایک دیوس (Mike Davis)، جامعه شناس و تاریخدان چپ آمریکایی و نویسنده چندین کتاب از جمله "سیاره زاغه ها و شهر سنگ کوهی" که موضوع آن تصویری از فقیرها و نیروهای قدرتمند در تاریخ است، بحران فعلی را به عنوان "فرصت مهمی برای خلع سلاح قدرت شرکت‌های بزرگ دارویی توصیف می کند". وی از این هم فراتر رفته و آنها را باعث و بانی این بلای همه گیر می داند. او می گوید هم اکنون زمان "مالکیت اجتماعی" و "دموکراتیزه شدن قدرت اقتصادی" رسیده است و اصلاح سیستمهای فعلی بهداشت و درمان کافی نیست. وی می نویسد: "در ادبیات سوسیالیستی اینها صرفاً واژگانی ظریف برای ملی شدن است و اکنون پندمی فعلی بر این استدلال که جهانی سازی سرمایه داری با فقدان زیرساختهای بهداشت عمومی بین المللی از نظر بیولوژیکی ناپایدار است، صحنه گذاشته است."

او می افزاید: "اما این زیرساختها هرگز وجود نخواهد داشت، تا زمانی که جنبشهای مردمی عامل سود را از بهداشت و درمان حذف نکنند. از هنگام جنبش اشغال وال ستریت تلاش برای یک طرح مستقل سوسیالیستی جهت بقا و نجات جان انسانها در جریان بوده است. از نخستین روز اشغال، فعالان و جنبشهای مترقی به طور پیروزمندانه ای مبارزه علیه نابرابری در ثروت را پیش برده اند و اکنون سوسیالیستها باید گامهای بزرگتر بعدی را برداشته و بهداشت و درمان را در بالای لیست خود قرار دهند. سوسیالیستها باید از مالکیت اجتماعی و دموکراتیزه شدن قدرت اقتصادی حمایت کرده و برای آن مبارزه کنند." اقتصاد داند فرانسوی، "توماس پیکتی" (Thomas Piketty)، در آستانه انتشار کتاب جدیدش که در آن لزوم تقسیم ثروت به شکلی رادیکال مطرح شده می گوید: "دخالت و اقدامات بزرگ اقتصادی دولت در دوران بحران کرونا نشان می دهد که تا چه حد تنظیم اقتصاد در دست دولتهاست."

"بن هیلیر" خوشبینی به درس گرفتن نظام سرمایه داری از شرایط کنونی را بی فایده می داند و می گوید: "مانند هر بحران دیگری، بحران ویروس همه گیر کرونا هیچ تغییری در فکر و عمل قدرتهای حاکمه نمی دهد تا بیایند نیازهای کارگران و مردم فقیر را برآورده کنند و برای آنها منابع کافی به وجود بیاورند. نه تنها حقوق و مزایای کامل دوران بیماری و مرخصی و پرداخت مخارج بیماری و دوران بیماری داده نخواهد شد، بلکه دنیایی به وجود نمی آورند که نیازهای انسانی در آن برطرف شود. آنها همچنان به انباشت پول و سرمایه و افزایش قدرت خود ادامه می دهند."

"نائومی کلاین" (Naomi Klein)، ژورنالیست و فعال چپ سرشناس کانادایی، که کانون فعالیت اش علیه جهانی سازی و تخریب محیط زیست است، بحران کرونا را "کاتالیزور نوعی جهش تکاملی" ارزیابی می کند "درست همانطور که رکود بزرگ جهانی منجر به پیمان اجتماعی بزرگ توسط روزولت شد". وی می خواهد این بحران زمینه و فرصتی باشد جهت تحولی جدید در محیط زیست: "به دهه ۱۹۳۰ بیاندیشید، زمانی که رکود بزرگ به پیمان اجتماعی جدید منتهی شد ... این نیز یک پیمان اجتماعی سبز می تواند باشد. به جای نجات صنایع کثیف قرن گذشته، باید محصولات پاک را حمایت کنیم، آنچه که در قرن پیش رو ما را به سمت دستیابی به ایمنی سوق می دهد." او می گوید: "اگر تا به حال تاریخ یک چیز به ما یاد داده باشد، این است که لحظه های شوک آور بسیار ناپایدار هستند. ما یا خیلی از دست می دهیم و طبقه ممتاز پوست از سرمان می کند و تا دهها سال باید بهای آنها بپردازیم و یا اینکه پیروزیهای مترقیانه ای را کسب می کنیم که فقط چند هفته قبل از آن به نظر غیرممکن می آمد. الان وقت آن نیست که اعصاب خودمان را خراب کنیم. آینده توسط کسی تعیین می شود که بخواهد برای ایده ها و فرصتهای به دست آمده سخت تر مبارزه کند."

نائومی کلاین می گوید: "شاهد من یک اقتصاد دان افراطی بازار آزاد است که در بسیاری مسایل اشتباه می کرد، اما یک چیز را صحیح گفت؛ در زمان وقوع بحران، ایده هایی که به نظر غیرممکن می آید، به یکباره ممکن می شود."

ویلیام دیویس (William Davies)، اقتصاددان سیاسی و جامعه شناس سوسیالیست بریتانیایی در مقاله ای با عنوان "بحران جهانی گذشته دنیا را تغییر نداد اما این بحران خواهد داد" (گاردین ۲۴ مارس ۲۰۲۰)، تفاوت‌های دو بحران جهانی

را مقایسه کرده: "از همین حالا می توانیم تفاوت پس از بحرانهای دهه ۷۰ را با ۲۰۲۰ ببینیم. پیشتر، روند تحولات، اوج گیری سرمایه داری بر این پایه ها را در بر داشت: سفرهای تجاری، توریسم و تجارت، اما نابسامانیهای جهان امروز درست از همین ویژگیهای سرمایه داری گلوبال ریشه گرفته. این را هیچ اقتصاد دانی نمی تواند منکر شود. اینها ویژگی یک الگوی سیاست اقتصادی خاص، برای نمونه مدل کینزی، نیست؛ اینها ویژگی سرمایه داری به طور عام است و به همین دلیل سالها و شاید دهه ها طول بکشد تا اهمیت سال ۲۰۲۰ را بشود کاملا درک کرد. یک واقعیت بسیار آشکار در مرکز بحران کنونی وجود دارد که حس نزدیکی به دوران جنگ دارد تا رکود اقتصادی. می توانیم اطمینان داشته باشیم که این نه تنها یک بحران جهانی واقعی است، بلکه یک نقطه عطف جهانی نیز می باشد. دردهای بسیار عاطفی، فیزیکی و مالی با خود دارد که بهبود آن راه دشواری خواهد بود. آثار بحرانی به این مقیاس تا زمانی که بسیاری از اصول زندگی اجتماعی و اقتصادی بازسازی کامل شود، هرگز برطرف نمی شود."

"کنعان مالک" (Kenan Malik)، مقاله نویس و سخنران، در مقاله ای تحت عنوان "ویروس کرونا میزان شکنندگی جامعه را آشکار کرده: بیایید راه حلی پیدا کنیم برای آینده" (گاردین ۲۲ مارس ۲۰۲۰) نوشته است: "در حالت بحرانی، مسائلی که سیاست گذاران مدتها بر آن چشم بسته اند به ناگهان مهم می شود. ریاکاری یک سیستم هنگام وقوع یک بحران این است که به ما گفته شود "ما همه با هستیم"، اما قبل و بعد از بحران، نیازهای فقیرترین و آسیب پذیرترین افراد بازهم به شدت نادیده گرفته می شود. خسارات بحران اقتصادی ۲۰۰۸ را با داراییهای جامعه پرداخت کردند. پس از این بود که جامعه ناچار شد برای آن بذل و بخششها دهه ها سیاست ریاضت اقتصادی را تحمل کند." توصیه وی این است: "ما باید با هر چه در توان داریم این بیماری را تحت کنترل در آوریم، اما وقتی چنین شد باید هر چه در توان داریم علیه دستمزد کم، نبود امنیت شغلی و مزایای ناکافی برای یک زندگی انسانی مبارزه کنیم."

نتیجه:

از چین تا ایالات متحده، ایتالیا، ایران و بسیاری از دیگر نقاط جهان، دولتهای حاکم با تلف کردن وقت به گسترش این ویروس مرگزا کمک کردند. مردمی که تکیه بر دولتها داشتند تا در چنین بحرانهایی به آنها رسیدگی شود، دریافتند ارزش زندگی با منطقی بیرحمانه سنجش می شود. رهبران دولتهای سرمایه داری در طمع پول و قدرت جان آنان را به خطر انداختند. آنها حتی برای سبک کردن دوش خود از بار مسوولیت، ادعا کردند که این ویروس تنها گریبانگیر سالمندان می شود، گویی که سالمندان، کسانی که با تلاش آنها جهان امروز ساخته شده و در دامن مهر شان نسل نو رشد کرده و تربیت می شود، ارزش نجات ندارند؟ گذشته از آن، این هم فقط یک ادعای دروغ و ریاکاری بود؛ کرونا به مردم در همه سطوح سنی سرایت کرده است. تنها در آمریکا، ۳۸ درصد افرادی که در بیمارستان بستری شده اند، در سنین بین ۲۰ تا ۵۴ بوده اند. در سال ۲۰۰۳، سارس شیوع پیدا کرد، سال ۲۰۰۹، نوبت آنفولانزای H۱N۱ بود، سال ۲۰۱۲، MERS کشتار کرد، سال ۲۰۱۴، ابولا ظهور کرد و در سال ۲۰۱۵، Zika بود که به جان بشریت افتاد. هر کدام از این بیماریها در سراسر جهان گسترش یافته و جان هزاران نفر را گرفته است، اما ویروس کرونا در مقایسه با هر یک از آنها بسیار بزرگتر و تخریب گرانه تر است، زیرا بیشترین شیوع ویروسهای پیشین در مناطق محدودی از جهان بود. اما این بار این ویروس جانی و مخرب سراسر کره زمین را به یکسان درنور دیده است.

اینکه کارگران و زحمتکشان جوامع باید بین مرگ و فلاکت اقتصادی یکی را انتخاب کنند، تنها شاهی از انحطاط و بی عدالتی حکومتهای مدافع سرمایه داران کلان است. یک قرن پیش، در آستانه جنگ جهانی اول، انقلابی سوسیالیست، روزا لوکزامبورگ، گفت "در آینده آلترناتیو یا سوسیالیسم است یا بربریت". امروز باید گفت آلترناتیو یا نظام سود سرمایه داری و مرگ است یا سوسیالیسم و زندگی.

کارورزان سلامت - ویژه همه گیری کرونا (فروردین ۹۹)

امید برهانی

وزیر بهداشت پاسخگوی آمار بالای مرگ و میر پرستاران کشور بر اثر کرونا باشد

دبیرکل خانه پرستار با غیرطبیعی دانستن آمار مبتلایان پرستاری به کرونا در کشور، آمار ابتلا و مرگ و میر بر اثر کرونا در



چین و ایران را مقایسه کرد و گفت: "طبق اخبار، تا اواخر اسفند آمار مبتلایان به کرونا در چین بیش از ۸۰ هزار نفر اعلام شده است و ۱۷۰۰ نفر از کادر پزشکی در این کشور به این بیماری مبتلا شده که از این میان ۶ نفر از کادر درمانی شان بر اثر کرونا فوت کردند. یعنی به ازای نزدیک به هر ۱۳ هزار نفر،

یک نفر از کادر درمانی در چین فوت کرده است."

شریفی مقدم در ادامه گفت: "در کشور ما آمار فوت کادر درمانی کشور بر اثر کرونا به صورت کلی و شفاف اعلام نشده اما تا این تاریخ (۲۸ اسفند) از فوت ۱۰ نفر از کادر پرستاری بر اثر کرونا اطلاع قطعی داریم. اگر در چین فرض کنیم از ۶ نفر فوت شده بر اثر کرونا ۳ نفرشان پرستار باشند، به ازای هر ۲۶ هزار نفر، یک پرستار فوت کرده است و این در حالی است که طبق آمار، مبتلایان به کرونا در کشورمان تا روز گذشته حدود ۱۶ هزار نفر بوده و از این میان ۱۰ پرستار فوت کرده اند، یعنی تقریباً به ازای ۱۶۰۰ نفر یک پرستار فوت کرده که این آمارنسبت به آمار سایر کشور های درگیر کرونا از جمله چین، ایتالیا و ... بسیار بالا و غیر طبیعی است."

وی گفت: "اگر فرضمان بر این باشد که آمار ۱۶ هزار مبتلا از سوی وزارت بهداشت صحیح باشد، این آمار بالای مرگ پرستاران نشاندهنده ضعف و بی کفایتی و کم توجهی مسوولان وزارت بهداشت به پرستاری است و شخص وزیر بهداشت باید پاسخگوی این مساله باشد."

تن رنجور کادر درمان در روزهای سخت

در این روزها که همه جا به حالت نیمه تعطیل درآمده است؛ مراکز درمانی و بیمارستانها روزهای شلوغ و پر کاری را می گذرانند و با تمام توان با غول کرونا مبارزه می کنند تا جان بیماران را نجات دهند.

کادر درمان در این روزهای سخت و قرار گرفتن در خط مقدم مبارزه با بیماری با کمبود نیرو مواجه هستند و فشار زیادی را تحمل می شوند. به هر حال حفظ سلامتی و ریکاوری آنها امری حیاتی و ضروری به نظر می رسد، زیرا که در صورت از بین رفتن یا حتی کاهش توان اجرایی این جبهه، جایگزین کردن نیروی متخصص و دوره دیده در این شرایط که همه با این مشکل دست به گریبان هستند، تقریباً غیرممکن است.

رئیس دانشکده پرستاری و مامایی می گوید: "در کل کشور فشار کار بر روی پرستاران زیاد است، لذا دانشگاههای علوم پزشکی کشور باید فراخوان بدهند تا اگر امکان داشت پرستاری که استخدام نشده و جویای کار است بتواند مراجعه کرده و جذب شود.

دکتر ویسی رایگان با اشاره به مشکلات جسمی و روحی ناشی از فشار کار روی این قشر افزود: "دستور العمل اجرایی برای استخدام پرستاران ابلاغ نشده، اما صحبت‌هایی در مورد استخدام پرستاران وجود دارد." در همین حال مسوولان پرستاری هشدار می دهند به دلیل شیوع بیشتر کرونا در روزهای آینده بیمارستان و مراکز درمانی درگیر بیماران کرونایی می شوند و کمبود کادر درمانی آشکارتر خواهد شد.

اعتراض به ادعای حسن روحانی پیرامون نداشتن کمبود پرستار



دبیرکل خانه پرستار به ادعای حسن روحانی در این باره که "کمبود پرستار و تخت نداریم" واکنش نشان داد و در یادداشتی نوشت: "جناب آقای رئیس جمهور با مردم صادق باشید! نمی دانم چگونه رئیس محترم جمهور اعلام کردند کمبود پرستار نداریم و این اطلاعات را چه افرادی در اختیار ایشان گذاشته اند و ایشان با چه هدفی اعلام عمومی نمودند؟" از طرف پرستاری به مردم اطمینان ندهید و بگذارید

مردم واقعیتها را بدانند که کمبود پرستار داریم و پرستاران خسته و آزرده اند تا هم بیشتر رعایت کنند و هم خطر کرونا را جدی بگیرند و هم شاید دلشان به حال پرستاران به رحم آید و در خانه بمانند."

پیشنهاد استخدام هزاران نیروهای پزشکی و پرستاری برای مقابله با کرونا

یک نماینده مجلس خواستار افزایش نیروهای پزشکی و پرستاری از طریق استخدام هزاران نیروی آماده به خدمت برای مقابله با کرونا شد.

بهرام پارسایی در صفحه شخصی خود در توییتر نوشت: "آیا ستاد ملی مبارزه با کورونا صدای جامعه پزشکی را می شنود؟ بعد از گرفتن آخرین اطلاعات از برخی روسای بیمارستانها بیش از پیش نگران اتفاقاتی شدم که اگر فوری حل نشود، می تواند فاجعه بیافریند.

کادر درمانی و همه نیروهای فعال در بیمارستانها مانند سدی در مقابل سیل کرونا ایستاده اند، اما بی تدبیرها هر لحظه به حجم پشت سد می افزاید.

اگر بیماریابی فعال، قرنطینه واقعی، افزایش نیروهای پزشکی و پرستاری از طریق استخدام هزاران نیروی آماده به خدمت و همچنین ظرفیت کمکهای بین المللی را به کار نگیرید، شیفتهای طولانی با لباسهای غیراستاندارد و مبتلا شدن کادر درمانی، در کنار افزایش بیماران و کمبود نیرو و امکانات، سد دفاعی ما را پس از خستگی خواهد شکست."

به جای نمایش کلیپ، قانون تعرفه گذاری را اجرا کنید

جمعی از پرستاران از رویه دولت در برخورد با پرستاران انتقاد کردند و گفتند: "در طول شبانه روز، صدا و سیما چند بار با نمایش کلیپهایی از زحمات کادر درمان تشکر می کند و پرستاران را در صف مقابله با کرونا نشان می دهد، اما این تقدیر و تشکرها همه در حد حرف و شعار است و عملی نمی شود."

به گفته این پرستاران، اگر واقعا قصد "تقدیر" از زحمتکش ترین و پرخطرترین قشر کادر درمان یعنی پرستاران را دارید،



باید برای اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری که سیزده سال است، تصویب شده اما اجرا نشده، بودجه و اعتبار اختصاص دهید.

پرستاران می گویند: "برای همه چیز بودجه اختصاص می دهند، اما به فکر آسیبهای روانی پرستاران نیستند. اگر قرار است قدری از این تالمت و آسیبهها کاسته شود، حداقل به قوانین مصوب احترام بگذارند. ما قبل از هر پاداش و تقدیری، اجرای قانون را می خواهیم؛ قانونی که سالهاست بر زمین مانده و به بهانه کمبود بودجه اجرا نمی شود."

آنها به جانفشانیهای همکاران خود و شهادت تعدادی از آنها از جمله نرجس خانعلی زاده که در بیست و پنج سالگی جان خود را از دست داد، اشاره می کنند و می گویند: "زمان اجرای قانون تعرفه گذاری همین امروز است."

پرستاران در اهواز هنوز حقوق اسفند را دریافت نکرده اند

دعیر بوعدار، نایب رییس هیات مدیره نظام پرستاری اهواز، از پرداخت نشدن دستمزد اسفند ماه و مطالبات تعدادی از پرستاران دانشگاه علوم پزشکی اهواز خبر داد.

به گفته او از آغاز بحران کرونا، پرستاران با تلاش توصیف ناپذیر در بیمارستان مختص کرونا، رازی و سایر بیمارستانهای اهواز برای سلامت مردم شب و روز تلاش می کنند و با توجه به اینکه دما و رطوبت شهر اهواز شرایط زجرآوری برای پوشیدن لباسهای مختص کرونا ایجاد کرده، ولی باعث نشده که پرستاران تعلل یا خللی در کارشان جهت امر سلامت بیماران پیش بیاید. آنها از خانه و خانواده و فرزند خود گذشتند تا نگذارند خانواده ای داغدار شود."

این فعال صنفی نظام پرستاری اهواز مطرح کرد: "ولی در کمال تاسف شاهد آن هستیم که باوجود کمبود همیشگی و شدید نیرو که هر پرستار اهوازی در قیاس با سایر کلان شهرهای کشور به جای ۳ پرستار مشغول به خدمت است، گروهی از همکاران ما از سالهای متمادی و بنا به دلایلی کاملا نامشخص هنوز دغدغه امنیت شغلی و استخدام دارند و تا امروز حقوق اسفند ماه و سنوات ۹۸ را دریافت نکرده اند. متاسفانه حافظان سلامت درحال حاضر خود گرفتار گذران معیشت خود هستند."

پرستاران شرکتی مشمول افزایش مزایا نشدند

عضو ناظر مجلس در شورای عالی نظام پرستاری و نماینده اصفهان در مجلس می گوید؛ پرستارانی که به عنوان نیروی خدماتی شرکتی در بیمارستانها شاغل هستند، مشمول دریافت افزایش ۵۰ درصد مزایای حقوقی نشدند.

حیدرعلی عابدی ادامه می دهد: "مسوولان ذیربط معتقدند چون نیروهای شرکتی تابع قانون کار هستند، این موضوع باید در شورای عالی کار مطرح شود که با توجه به شرایط حاکم بر آن شورا، این افزایش تقریبا غیرممکن خواهد بود."

به گزارش خبرگزاری مجلس، وی در این رابطه نامه ای به حسن روحانی نوشته و خواستار تبدیل وضعیت پرستاران شرکتی شاغل در بیمارستانها به قراردادی یا رفع مشکل افزایش حقوق آنها شده است.

خودداری پیمانکار خصولتی وزارت بهداشت از پرداخت دستمزد پرستاران



شاید باورکردنی نباشد اگر بگوییم پرستاران شرکتی اهواز و چند استان دیگر هنوز از اسفندماه حقوق نگرفته اند و با دست خالی این نوروز غمگین ۹۹ را گذرانده اند.

سعید، پرستار بیهوشی و شرکتی یکی از بیمارستانهای اهواز می گوید: "ما مدت زیادی است که دچار مشکل پرداخت هستیم. شرکت واسطه ای بین دانشگاه علوم پزشکی و نیروی انسانی است و

همین مشکلات را در تعویق پرداخت، مالیاتهای عجیب و کم بودن پرداخت برای ما پدید می آورد."

وی در ادامه می گوید: "جالب است شرکتی که ما تحت پوشش آن هستیم، "شرکت آوا سلامت"، گفته می شود تحت پوشش وزارت بهداشت است و در کشور جمعیت بالایی از کادر درمانی زیرمجموعه آن هستند. ما عیدی مان را با کلی اعتراض گرفتیم، برای حقوق اسفند هم همکارانم یک هفته است در حال اعتراض هستند و تازه به ما اعلام کردند پایان فروردین حقوق اسفند ما را پرداخت می کنند."

دبیرکل خانه پرستار نیز در باره شرکت نامبرده می گوید: "شرکت آوا سلامت اصلا قانونی نیست، چون این شرکت مال وزارت بهداشت است و هیات امنای آن وزارت بهداشتی هستند و در این وزارتخانه شخصیت حقوقی دارند و این خلاف قانون است. پول این شرکت متعلق به دولت است، منتها به آوا سلامت داده می شود و وزارت بهداشت با یک واسطه به پرستار پول می دهد. اگر دلیل این اتفاقات را بخواهید بدانید، باید بگوییم همه اش به خاطر استشار پرستار است."

وی توضیح می دهد: "وزارت بهداشت همیشه یک طرف را دیده و می خواهد پرستار را با حداقل حقوق استخدام کند. پرستار باید استشار شود، حرف نزند و اعتراض نکند، برای همین امنیت شغلی پرستار را به هم زده و آنها را به شرکتها واگذار کرده اند."

خانه پرستار مشهد خواستار تبدیل وضعیت قراردادی پرستاران شد

خانه پرستار خراسان رضوی در نامه ای به ریاست دانشگاه علوم پزشکی مشهد خواستار تبدیل وضعیت قراردادی پرستاران و کادر درمانی شرکتی شد.

در بخشی از این بیانیه آمده است: "از دانشگاه علوم پزشکی مشهد خواستار هستیم که نسبت به صدور مجوز عقد قرارداد استخدام شرکتی برای نیروهای داوطلب شده و نیز تبدیل وضعیت پرستاران مشمول قرارداد کار معین از قراردادی به پیمانی و نیروهای پیمانی به رسمی دستور مقتضی را صادر بفرمایید."



معوقات کارانه و اضافه کاری پرستاران

ارومیه پرداخت نشده است

عضو هیات مدیره نظام پرستاری ارومیه - سلماس از پرداخت نشدن معوقات کارانه و اضافه کار پرستاران خبر داد.

به گفته مسعود مجرد؛ پرستاران بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی ارومیه پیش از آغاز سال جدید مطالبات کارانه و اضافه کار داشتند اما تاکنون اقدامی برای پرداخت از سوی دانشگاه

صورت نگرفته است.

این فعال صنفی پرستاری می گوید: "پرستاران ۱۲ ماه کارانه از سال ۹۸ طلب دارند و همچنین ۴ ماه اضافه کاری از ماه های آذر، دی، بهمن و اسفند ۹۸ باقی مانده که هنوز پرداخت نشده است." او می افزاید: "دانشگاه علوم پزشکی ارومیه بعد از عید هنوز مبلغی بابت مطالبات معوق پرستاران پرداخت نکرده است." پرستاران همچنین خواستار سرویسهای رفت و آمد یا پرداخت کمک هزینه آن در این روزها هستند.

اخراج گسترده پرستاران در میانه بحران کرونا



بحران کرونا معضل کمبود امکانات و کادر درمانی به ویژه پرستاران را برجسته تر کرده است. اما بیمارستانهای خصوصی که بیماران مبتلا به کرونا را پذیرش نمی کنند، در حال اخراج گسترده پرستاران باسابقه هستند. در فروردین ماه و در میانه ی بحران کرونا، صدها پرستار بیمارستانهای خصوصی بیکار شده اند. تنها در یک بیمارستان خصوصی مشهد حدود ۳۰ پرستار شغل خود را از دست داده اند. بهانه اخراج، "پایان قرارداد"، "خالی شدن بیمارستانها از بیماران" و یا حتی "ضد عفونی کردن محیط" اعلام شده است.

مسوولان یک بیمارستان خصوصی مشهد روز هفتم فروردین به یک پرستار با ۲۰ سال سابقه کار که چهار سال آخر به صورت قراردادی در بخش آی سی یو همین بیمارستان شاغل بوده، اطلاع داده اند که "فعلا مرخص است، تا وقتی دوباره خبرش کنند." حدود ۳۰ پرستار دیگر این بیمارستان همزمان پیام مشابهی دریافت کرده اند. در رویدادی دیگر، دکتر خلیل علیزاده مدیر عامل بیمارستان آتیه با انتشار ویدئویی از اخراج ۶۰۰ نفر از کارکنان (۵۰ درصد) این مرکز درمانی خبر داد. وی علت اخراج را عدم توانایی در پرداخت حقوق کارکنان عنوان کرد. همزمان محمد میرزابیگی، رییس کل سازمان نظام پرستاری، در نامه ای به وزیر بهداشت از اخراج گسترده پرستاران در بیمارستانهای خصوصی خبر داد که بدون درآمد به حال خود رها می شوند و قادر به تامین معیشت خود نیستند. ایرج حریرچی، معاون وزارت بهداشت، پیرامون اخراج پرستاران از این وزارتخانه سلب مسوولیت کرده و می گوید: "بخش خصوصی در تمام دنیا تابع ملاحظات اقتصادی خاص خودش است. همچنین در کل دنیا، بخشهای خصوصی زیادی نیروهای خود تعدیل کردند. متولی وزارت رفاه است و قانون کار در این رابطه حاکم است، ما در این رابطه کار ویژه ای نداریم و تنها می توانیم به بیمارستانهای خصوصی توصیه کنیم در دوره مشکلات با همدیگر مدارا کنید." به نظر می رسد اولویتهای انسانی حتی در زمان بحران نیز نتوانسته بر تفکر "سود محور" حاکم بر نظام درمانی ایران غالب شود. شرایط ناشی از شیوع ویروس کرونا در بیمارستانها، کاهش تعداد مراجعات و جراحیهای گرانقیمت، درآمد برخی از بیمارستانهای بخش خصوصی را کاهش داده و این بیمارستانها سعی دارند کاهش سود را با اخراج پرستاران جبران کنند.

تست داروی کرونا روی بیماران بدون اطلاع آنها و با حمایت مافیای دارو

رییس انجمن علمی حقوق پزشکی ایران می گوید برخی شرکتهای داروسازی با اعمال نفوذ و فساد، داروهای خود را بدون اجازه از بیمار و مسوولان بیمارستانها روی بیماران تست می کنند. او معتقد است به جز شرکتهای دارویی نهادهای دیگری هم هستند که بدون اجازه بیمار و وزارت بهداشت، تاثیر "گیاهان" را روی بیماران آزمایش می کنند که این کار هم خلاف اخلاق و هم خلاف قانون است.

روز ۶ فروردین خبر کشف داروی کرونا در خبرگزاریهای کشور منتشر شد. سارا مبارک، مسوول گروه تحقیقاتی عفونی



علوم پزشکی آبادان، تایید کرد که داروی کشف شده توسط تیم تحقیقاتی این دانشکده روی ۶۰ بیمار تست شده است. این خبر روی پرتال دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی آبادان هم قرار گرفت، اما فردای آن روز تکذیب شد و خبر از روی پرتال دانشگاه حذف شد.

ساعاتی بعد از انتشار تکذیبیه در روز ۷ فروردین، حسن کایید، مدیر روابط عمومی دانشکده علوم پزشکی آبادان، آزمایش بدون مجوز دارو روی بیماران را تایید و از آن دفاع کرد: "این تجربه

موفق حاصل یک کارآزمایی بالینی مبتنی بر روشهای کاملا علمی و با رعایت اصول اخلاقی زیر نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و اخذ مجوزهای لازم بوده و نتایج به دست آمده کاملا علمی و موثق است."

اما نکته اساسی اینجاست که این دانشگاه با چه مجوزی این داروها را روی بیماران تست کرده. آیا از آنها برای این تست اجازه گرفته است؟ آیا این داروها پیش از تست روی انسان، روی حیوانات تست شده اند؟ آیا این داروها مجوزهای لازم جهت پژوهش روی بیمار را دارند یا خیر؟

اعتراض پرستاران به توهینی به نام حق الزحمه کرونا

جمعی از پرستاران به پایین بودن مبالغ پرداخت شده بابت "حق الزحمه کرونا" اعتراض کردند.

به گفته این کاروان سلامت، بعد از دو ماه تلاش برای مبارزه با بحران کرونا و فشار کاری بالا که ناشی از کمبود کادر درمانی در بیمارستانها نیز هست، حق الزحمه ای بابت کرونا به حساب آنها واریز شد که بسیار اندک است.

شماری از پرستاران فیش حقوقی خود را منتشر کرده اند که در آن دیده می شود به عنوان پاداش برای دو ماه کار سخت بر بالین بیماران مبتلا به کووید ۱۹، فقط ۱۹ هزار تومان (معادل ۱ یورو) به پرستاران پرداخت شده است.

پرستاران می گویند: "همیشه از پرداختهای ناعادلانه در نظام درمانی گلایه داشته ایم، اما این نوع رفتارها بیش از هر چیز توهین به پرستاران و زحمات آنان نیز هست."

سید کامل تقوی نژاد، معاون منابع وزارت بهداشت و مسوول پرداخت "پاداش"، با گرفتن ژست بی اطلاعی گفت: "شاید بی سلیقگیهای در برخی تشویقیها بوده باشد. قطعا تشویق هزار تومانی و ۲۰ هزار تومانی در شان پرستاران نیست و حتما رسیدگی می شود."

تجمع پرستاران بیمارستان امام رضا در مشهد

روز شنبه ۱۶ فروردین، پرستاران بیمارستان امام رضا در مشهد برای اعتراض به نبود ماسک و تجهیزات استاندارد برای مقابله با کرونا تجمع کردند.

معترضان گفتند باوجود گسترش ویروس کرونا کارگزاران رژیم از تأمین این تجهیزات خودداری می کنند. آمار پرستاران و کادر پزشکی مبتلا به کرونا در مشهد به علت نداشتن این تجهیزات روبه افزایش است.

(منابع: ایلنا، خانه پرستار، رادیو زمانه، انصاف نیوز، روزنامه شرق، خانه ملت، ایسنا، مهر، سلامت نیوز)

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

زنان در مسیر رهایی (فروردین ۹۸)

اسد طاهری

قرنطینه؛ تدبیر حمایتی فرانسه برای زنان قربانی خشونت خانگی



فرانسه که از ۱۷ مارس (۲۷ اسفند ۹۸) به دلیل همه گیری کرونا در قرنطینه عمومی به سر می برد این روزها با افزایش قابل توجه میزان خشونت‌های خانگی، سیستم هشدار داروخانه ای را برای زنان قربانی راه اندازی کرده است.

وزیر کشور فرانسه، "کریستف کاستانر" از ایجاد سیستم هشدار برای زنان قربانی خشونت توسط همسران شان خبر داده و گفته زنانی که مورد خشونت خانگی قرار می گیرند می

توانند برای هشدار به پلیس به داروخانه ها پناه ببرند. برای راه اندازی این سیستم به طور مشترک دولت و نظم ملی داروسازان تصمیم گیری کرده اند.

کاستانر گفته در شرایطی که زن قربانی خشونت به همراه همسر خود به داروخانه می رود، می تواند از یک کلمه کد به عنوان نمونه "ماسک ۱۹" برای هشدار استفاده کند. این کد در زمان حاضر در اسپانیا وجود دارد.

کاستانر از افزایش بیش از ۳۰ درصدی میزان خشونت‌های خانگی در این کشور از زمان آغاز قرنطینه عمومی خبر داده است.

عذر خواهی دولت مالزی به دلیل "توصیه های قرنطینه ای"

انتقادهای شدید به توصیه هایی که سازمان امور زنان مالزی برای گذراندن روزهای قرنطینه منتشر کرده بود، موجب شد تا دولت این کشور به طور رسمی مجبور به عذر خواهی شود.

این سازمان به زنان توصیه کرده بود در روزهای خانه نشینی همچنان برای همسران شان لباس خوب پوشیده، آرایش کرده و "از غر زدن بپرهیزند".

منتقدان دولت را متهم به بی اعتنایی به نگرانیها نسبت به افزایش خشونت خانگی در دوران قرنطینه کرده و این توصیه ها را "زن ستیزانه" خوانده اند.



تصویر اولین پزشک زن تونس روی اسکناس

دولت تونس تصویر "توحیده بن الشیخ"، اولین زن پزشک این کشور و آفریقایی شمالی را روی اسکناس ۱۰ دیناری چاپ کرده است.

"عبدالعزیز بن سعید"، رئیس بانک مرکزی تونس، گفته است این اقدام برای بزرگداشت مقام زنان دانشمند و علمی کشور انجام شده است.

خانم بن الشیخ در سال ۱۹۰۹ متولد شد و رشته پزشکی را در فرانسه تحصیل کرد. وی در سال ۱۹۳۶ مطب خصوصی خود را در تونس باز کرد و همچنین در این کشور شروع به انتشار اولین مجله زنان به زبان عربی و فرانسوی با نام "لیلا" نمود. تونس در آن زمان جزو مستعمرات فرانسه بود.

این اقدام همچنین می تواند احترام به پزشکان و پرستاران زن در دوران شیوع ویروس کرونا باشد. بر اساس آخرین گزارشها، تاکنون ۵۴۷ نفر در این کشور به کرونا مبتلا شده و ۲۲ نفر جان خود را از دست داده اند. ثبت چهره خانم بن الشیخ روی اسکناس ۱۰ دیناری از سوی نهادهای مختلف مورد استقبال قرار گرفته و اقدامی مثبت ارزیابی شده است.

گزارش صدها زن عربستانی در شبکه های اجتماعی از آزار جنسی مردان

شمار زیادی از زنان و حتی برخی از مردان سعودی با هشتگ #Why I didn't report it (چرا من گزارش نکردم) در شبکه های اجتماعی از آزارهای جنسی علنی و غیرعلنی سخن گفته اند و تاکید کرده اند که آنها یا از روی شرم و یا از سر ترس تجربیات تلخ خود را با نهادهای دولتی در میان نگذاشته اند. یک کاربر توییتر به نام "بلا" نوشته است: "دوستان من وقتی آزار جنسی را گزارش کردند، مجازات شدند و بیشتر آسیب دیدند و من سکوت را ترجیح دادم."

بر اساس قوانین عربستان، زنی که از قیم یا شوهر خود اطاعت نکند، می تواند بازداشت و مجازات شود. زن دیگری توییت کرده است، پدرش پس از آنکه او را مورد ضرب و شتم قرار داد و از خانه بیرون کرد، به پلیس اطلاع داد که دخترش نافرمان است و در پی آن او را بازداشت کردند. یک اداره دولتی عربستان که وظیفه اش مبارزه با خشونت های خانگی است، با استفاده از همین هشتگ از زنانی که مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته اند خواسته است به طور خصوصی با این اداره تماس حاصل کنند. یک کاربر توییتر به نام "کاتالونیا" نوشته: "من اطلاع دادم و پلیس من را قانع کرد از شکایت خود صرف نظر کنم و این در حالی بود که عامل آزار کنار پلیس نشسته بود." به گزارش دیده بان حقوق بشر، زنان عربستان اجازه ندارند بدون حضور قیم مرد خود به خدمات اجتماعی دسترسی داشته باشند و زنانی که به خانه های حمایت از زنان پناه برده اند، هنوز برای خروج از آن به اجازه خویشان مرد نیاز دارند.



زیانهای اقتصادی کرونا بر زنان بیشتر است

"شریل سندبرگ"، مدیر حوزه فناوری، کنشگر، نویسنده آمریکایی و مدیر ارشد عملیات فیس بوک می گوید: "از آنجا که زنان لطافت بسیاری از آسیبهای اقتصادی ناشی از کرونا می بینند، بحران کنونی بهداشت جهانی را باید زنگ خطری برای تشدید نابرابریهای جنسیتی دانست." سندبرگ در گفتگو با "نیوزویک" نقش کرونا بر روی

جامعه زنان را ویرانگر خواند و تاکید کرد: "ما نباید حتی لحظه ای را برای رفع مشکلات ساختاری زنان هدر دهیم." براساس آخرین نظرسنجی منتشر شده، به دلیل گسترش ویروس کرونا بیش از یک سوم زنان از کار بیکار شده، به مرخصی اجباری رفته یا با کاهش حقوق مواجه شده اند. وضعیت برای زنان رنگین پوست حتی بدتر بوده و در زنان سیاه پوست دو برابر بیشتر از مردان سفیدپوست چنین مشکلات مالی و کاری گزارش شده است. سندبرگ افزود: "چنین چیزی هرگز بدان معنا نیست که نابرابری اقتصادی مدتها پیش از گسترش کرونا شایع نبوده است. داده ها نشان می دهد که زنان در حال حاضر به طور میانگین و به ازای هر دلار درآمد در مقایسه با مردان، ۲۰ سنت کمتر دریافت می کنند. این تفاوت برای زنان رنگین پوست بیشتر بوده و زنان سیاهپوست ۶۲ سنت کمتر و زنان لاتین

تبار ۵۴ سنت درآمدشان در مقایسه با مردان کمتر است. از این رو برای یک شغل با سابقه ۴۰ سال، زنان به دلیل شکاف کنونی دستمزد، بیش از ۴۰۰ هزار دلار زیان می بینند."

یک نظرسنجی به سرپرستی سندبرگ که از ۱ تا ۳ آوریل از میان دو هزار و ۹۹۷ بزرگسال بالای ۱۸ سال انجام شده، همین یافته ها را تکرار کرده: نزدیک به دو سوم زنان شاغل گفته اند که اگر درآمد شخصی خود را از دست بدهند، بیش از ۳ ماه قادر به پرداخت نیازهای اساسی نخواهند بود. این در حالی است که در مورد مردان، کمتر از نیمی از مردان شاغل چنین چیزی را یادآور شده اند.

این در حالی است که ماه گذشته، کنگره آمریکا بسته حمایتی ۲ تریلیون دلاری به منظور مقابله با کرونا اختصاص داد. این مصوبه چندین قانون برای کمک به خانواده ها و کارگران دارد، اما هیچ کاری برای کاهش نابرابری جنسیتی در حقوق و دستمزد نمی کند.

آسیب جدی کرونا به زنان شاغل در مشاغل غیررسمی

در سالهای اخیر افزایش نیاز زنان به کار منجر به فعالیت بیشتر آنها ولو در اقتصاد غیررسمی شده است. در شرایطی که شیوع گسترده کرونا اقتصاد را با چالشهای جدی مواجه کرده، بیم آن می رود که زنان بیشتری جذب بازارهای غیررسمی شوند.

مهناز قدیرزاده، فعال حقوق زنان و کارشناس روابط کار، می گوید: "فعالان حقوق زنان مدتهاست بر این واقعیت تاکید می کنند که شرایط ناعادلانه بازار کار منجر به اشتغال زنان در مشاغل غیررسمی شده است. این نوع اشتغال هم در حین کار و هم در آینده بر وضعیت معیشتی زنان تاثیر می گذارد. اکنون که شیوع بیماری کرونا باعث شده بازار کار بیش از پیش بهم بریزد، بخشی از زیانهای فردایی اشتغال ناقص را به عینه می بینیم."

او با اشاره به وعده پرداخت بیمه بیکاری به شاغلانی که بر اثر کرونا شغل شان را از دست داده اند، می گوید: "نه تنها زنان دستفروشی که هر روز آنها را در مترو یا پیاده روهای شهر می دیدیم، بلکه بخش قابل توجهی از زنان کارمند و کارگر هم بیکار می شوند و نمی توانند بیمه بیکاری بگیرند. می دانیم که زنان زیادی هستند که به صورت توافقی مشغول به کار هستند. منشیهای پزشکان، کارگران خدماتی، کارمندان دفاتر خصوصی و ... در بسیاری موارد زیر یک میلیون تومان حقوق می گرفته و بیمه هم نبوده اند."

این کارشناس روابط کار می گوید: "در شرایط عادی که کرونایی هم در کار نیست، وقتی یک منشی پزشک اعتراض کند به راحتی اخراج شده و نیرویی جایگزین او می شود. در شرایطی که زنان نیاز مبرمی به کار دارند، لازم است با اندیشیدن تمهیداتی آنها را از بازار غیررسمی کار نجات دهیم. این بهانه که در صورت پرداخت حداقلها کارفرمایان نمی توانند روی پا بایستند و ورشکست می شوند، غیر واقعی است؛ کمتر از ۱۰ درصد هزینه تولید مربوط به حقوق نیروی کار است. برای حمایت از کارفرمایان باید هزینه های دیگر را کاهش داد."

ویروس کرونا؛ فشاری مضاعف بر زنان

محدودیتهای اجتماعی که به دلیل شیوع ویروس کرونا اعمال شده، فشار بر زنان را بیشتر کرده است. نه تنها خشونت خانگی، بلکه انتظار مردها از زنان نیز مشکل ساز است. به ویژه زنان آسیایی از این بابت رنج می برند.

براساس تحقیقات سازمان بین المللی کار (ILO) در سال ۲۰۱۸، زنان بسیار بیشتر از مردان در زندگی مشترک، کارهای رایگان و بدون امتیاز مانند پرورش طاقت فرسای فرزندان و نگهداری از اعضای سالمند و بیمار خانواده را انجام می دهند.

به گفته این سازمان، تقسیم نابرابر کار در خانواده در آسیا به مراتب بیشتر از سایر نقاط جهان است. در بسیاری از این

کشورها هنوز از زنان این انتظار می رود که هم تامین کننده نیازهای روحی و عاطفی مردان و فرزندان شان باشند و هم روحیه تعاون و ایثار را در خانواده تقویت کنند.

در این جوامع به طور معمول اگر تنشی در خانواده به وجود بیاید، زن مقصر شمرده می شود. یک ضرب المثل ویتنامی این وضعیت را به روشنی بیان می کند: "مرد ساختمان خانه را می سازد، زن آن را اداره می کند."



در اندونزی پس از اعمال سیاست "فاصله گیری

اجتماعی" که از ۱۶ مارس (۲۶ اسفند) آغاز شد، مدارس و کودکانها تعطیل هستند و مسوولیت تدریس فرزندان در بسیاری از خانواده ها اکنون به دوش زنان افتاده است، زیرا به جز جاکارتا، پایتخت این کشور، که از اینترنت پرسرعت برخوردار است، در روستاها و شهرستانهای اندونزی امکانات مجهز دیجیتالی محدود است. آن دسته از زنان اندونزی که امکان کار از خانه را دارند، اکنون باید در کنار کار رسمی خود، مسوولیتهای سنتی یک زن خانه دار را نیز انجام دهند. البته همه زنها یک گونه عمل نمی کنند. "بهوانا"، زن ۳۴ ساله هندی، که همراه با همسر و پسر شش ساله اش در دهلی نو زندگی می کند و مسوولیت یک پرتال اینترنتی فروش املاک را به عهده دارد، ضمن تاکید بر اینکه دستکم در دوران خانه نشینی اجباری تمامی اعضای خانواده باید در کارهای خانگی سهیم باشند می گوید، به خواست او، همسر و پسرش مسوولیت شست و شو و نظافت خانه را به دوش گرفته اند و مادر شوهرش آشپزی می کند.

بهوانا می گوید: "زمان آن فرا رسیده که درک کنیم، زنان ابرقهرمان نیستند و نیرو و توانایی محدودی دارند."

نامه فعالان حقوق زن در هرات به زنان عضو هیات مذاکره کننده صلح



نهاد برابری اجتماعی زنان و فعالان حقوق زن در حوزه غرب افغانستان در یک نامه به زنان عضو هیات مذاکره کننده صلح با گروه طالبان، خواستار حمایت از حقوق زنان و دستاوردهای دو دهه افغانستان و جامعه جهانی در این باره شدند.

آنها می گویند زنان واقعیت انکار ناپذیر و بخش بزرگ این جامعه اند و با اینکه در برافروختن منازعات هیچ نقشی نداشته اند، اما آسیبهای جبران ناپذیر از جنگها دیده اند و حق خود می دانند که در تصمیم گیری برای صلح نقشی پررنگ داشته باشند.

این زنان از بانوان عضو هیات مذاکره کننده می خواهند تا اعضای مرد هیات را جهت حفظ دستاوردهای هیجده ساله، به ویژه حقوق زنان و کودکان با خود همراه سازند.

آنها همچنین خواستار آن هستند که اعضای هیات، زنانی را که در حاشیه این مذاکرات هستند، از آنچه که در مذاکرات می گذرد مطلع سازند.

عزیزه خیراندیش، مسوول نهاد برابری اجتماعی زنان، از زنان عضو هیات می خواهد تا بیشترین تمرکز آنها بر مسائل زنان باشد. آنان باید از حقوق زنان بی هیچ کم و کاستی دفاع کنند.

مرجان علی پور، عضو نهاد برابری اجتماعی زنان در هرات، نیز می گوید، قانون اساسی و به ویژه بخش دوم آن که روی برابری حقوق زنان و مردان تاکید دارد، به هیچ وجه قابل تغییر و یا تعدیل نیست.

به باور این زنان معامله و یا هر نوع ناهماهنگی میان پنج زن عضو هیات می تواند آینده و دستاوردهای زنان را با چالش مواجه سازد و این برای زنان کشور قابل قبول نیست.

شهردار زنی که سان فرانسیسکو را از بحران کرونا نجات داد



سانفرانسیسکو تا پیش از اعلام وضعیت اضطراری از سوی "لاندن برید"، شهردار ۴۵ ساله شهر، در اواخر فوریه (اوایل اسفند)، هنوز موردی از ابتلا به کرونا ویروس را تایید نکرده بود. دو هفته بعد، تصمیم برید برای ممنوعیت تجمع بیش از هزار نفر، باعث لغو یک سری از برنامه ها شد. تصمیم او به همراه اولین مورد مثبت کرونا ویروس در لیگ بسکتبال "ان بی ای"، باعث شد که به تدریج همه لیگهای مهم ورزشی کشور تعطیل شود. در آن زمان، برید به دلیل اعمال این

محدودیتها با انتقادات بسیاری از سوی مردم و مسوولان رو به رو شد.

اما نزدیک به یک ماه بعد، از سانفرانسیسکو و منطقه بزرگ خلیج به عنوان یک الگوی ملی در مبارزه با کرونا نام برده می شود، همه با مثال زدن این شهر از این می گویند که چگونه اقدامات زودهنگام و تهاجمی می تواند از افزایش انفجاری موارد ابتلا به بیماری جلوگیری کند. تعداد مبتلایان در سانفرانسیسکو تا تاریخ ۱۰ آوریل (۲۲ فروردین) ۸۵۷ مورد با فقط ۱۳ مورد مرگ و میر ناشی از آن بوده که این رقم بسیار کمتر از کلانشهرهای دیگر مانند نیویورک، نیواورلئان، دیترویت، بوستون و واشنگتن دی سی است. اکنون منحنی بیماری در این شهر کاملاً در حال صاف شدن است و در مراجعات به اورژانس نیز کاهش چشمگیری دیده می شود.

"امیلی گورلی"، اپیدمیولوژیک دانشگاه جان هاپکینز، می گوید: "همه شواهد نشان می دهد که آنها بسیار بهتر عمل کردند و ساده ترین توضیح برای آن این است که آنها اقدامات فاصله گذاری اجتماعی را بسیار جدی گرفتند، ضمن اینکه خیلی هم به سرعت آن را اجرایی کردند."

برید از ۱۷ مارس (۲۷ اسفند) دستور تعطیلی مشاغل در محلهایی که بیش از ۵۰ مورد ابتلا داشتند را صادر کرد. در آن تاریخ، شهر نیویورک بیش از دو هزار مورد مثبت داشت، اما "اندرو کوومو"، فرماندار نیویورک، و "بیل دو بلاسیو"، شهردار نیویورک، همچنان مایل به تعطیل کردن مدارس و ارائه دستورالعمل ماندن در خانه برای بزرگترین شهر کشور نبودند. تا تعطیل شدن کامل نیویورک در تاریخ ۲۲ مارس (۳ فروردین)، بیش از ۱۰ هزار مورد ابتلا پرونده در پنج بخش آن گزارش شد.

سیاست تهاجمی برید در ابتدا چندان طرفداری نداشت. سناتور "کملا هریس" می گوید: "رید با انتقادات بسیاری مواجه شد، اما بر اساس آرای کارشناسی شجاعت این را داشت که در راستای حفظ سلامت مردم چنین تصمیمی بگیرد."

مقامات بهداشت عمومی در سان فرانسیسکو نظارت بر شیوع کرونا ویروس را در تعطیلات ماه دسامبر آغاز کردند. در اواخر ژانویه، برید مرکز عملیات اضطراری سانفرانسیسکو را برای آماده سازی جهت شیوع احتمالی بیماری فعال کرده بود، این اولین اقدام از این دست در یکی از شهرهای اصلی کشور بود. از آن زمان، شهردار پست فرماندهی را به مرکز "ماسکون" منتقل کرده، مجتمع گسترده ای که در آن مقامات ارشد شهر می توانند ضمن فاصله گیری اجتماعی، به صورت حضوری کار کنند."

برای برید، این دو سال گذشته آسان نبوده است. او پس از مرگ غیرمنتظره شهردار "اد لی" در اثر سکته قلبی، در دسامبر سال ۲۰۱۷ به طور خودکار شهردار شد. در آن زمان، برید تنها زن آمریکایی آفریقایی تبار بود که یک شهر بزرگ آمریکا را مدیریت می کرد. اما شش هفته بعد هیات نظارت او را برکنار کرد و یک قانونگذار دیگر، یک مرد سفید پوست، را به جای او نصب کرد. با این حال برید در سال ۲۰۱۹ در انتخابات پیروز شد.

رهبران زن موفق در کنترل کرونا



تایوان، با اقدامات اولیه، همه گیری ویروس کرونا را با موفقیت کنترل کرده است. اکنون این کشور برای کمک به اتحادیه اروپا و دیگران، میلیونها ماسک صادر می کند.

آلمان با نظارت بر بزرگ ترین برنامه آزمایش ویروس کرونا در اروپا، هر هفته ۳۵۰ هزار آزمایش انجام داده و با تشخیص زودهنگام

ویروس، در جداسازی و درمان موثر بیماران بسیار موفق عمل کرده است.

نخست وزیر نیوزیلند، توریسم را تعطیل اعلام کرده، یک ماه کل کشور را تعطیل کرده و اقداماتی زودهنگام انجام داده. در نتیجه تلفات ویروس کرونا را تنها به ۹ مورد مرگ محدود کرده است.

هر سه کشور به دلیل برخورد چشمگیر خود با همه گیری ویروس کرونا تحسین شده اند. این کشورها در سراسر جهان پراکنده اند: یکی در قلب اروپاست، یکی در آسیا و دیگری در اقیانوس آرام جنوبی، اما هر سه آنها یک نکته مشترک دارند: همه آنها توسط زنان هدایت می شوند.

موفقیت این کشورها و سایر دولتهای تحت رهبری زنان در برخورد با همه گیری جهانی از آنجا قابل توجه است که زنان کمتر از هفت درصد از رهبران جهان را تشکیل می دهند.

این کشورها - همه دموکراسیهای چند حزبی با اعتماد عمومی بالا به دولتها - از طریق مداخله زودهنگام علمی، همه گیری کرونا را کنترل کرده اند. آنها با آزمایشات گسترده، دسترسی آسان به درمان پزشکی با کیفیت، ردگیری تماسهای خطرناک و محدودیتهای سخت اجتماعی این کار را انجام داده اند.

به جز سه کشور نامبرده، چهار کشور از پنج کشور شمال اروپا تحت رهبری زنان است. این کشورها هر کدام در مقایسه میزان مرگ و میر کمتری به نسبت سایر کشورهای اروپایی دارند.

نخست وزیر فنلاند، "سانا مارین"، جوان ترین رهبر جهان است (۳۴ ساله). او در زمینه آمادگی برای مقابله با این بیماری، تایید ۸۵ درصدی فنلاندیها را دارد و در این کشور تنها ۵۹ نفر در میان ۵.۵ میلیون نفر جمعیت فوت کردند.

نخست وزیر ایسلند، "کاترین جاکوبزدوتر"، رهبر کشور کوچک و جزیره ای با تنها ۳۶۰ هزار نفر جمعیت است. اما این کشور با آزمایش گسترده و تصادفی ویروس کرونا می تواند تاثیر گسترده ای بر سایر نقاط جهان داشته باشد، زیرا دریافته است که تقریباً نیمی از کسانی که آزمایش شان مثبت می شود، علامت ندارند. ایسلند همچنین در اوایل همه گیری، با

ردیابی تماس افراد و قرنطینه کردن موارد مشکوک به کرونا، برای کنترل آن مداخله کرد. روش کنترل دانمارک و نروژ هم مورد توجه قرار گرفته است.

سایر روسای زن جهان نیز به دلیل واکنشهای شدید و سریع خود توجه ها را جلب کرده اند. "سیلوریا جیکوبز"، نخست وزیر سنت مارتین، جزیره ای که تنها ۴۱ هزار نفر جمعیت دارد، با انتشار فیلمی که در آن به شهروندان می گوید به مدت دو هفته در خانه بمانند، در سراسر جهان مشهور شده است. او در این فیلم می گوید: "اگر نان مورد علاقه خود را در خانه ندارید، کراکر بخورید. اگر نان ندارید، غلات بخورید. جو دوسر بخورید." رهبران زنی که تاکنون موفق به کنترل این بیماری همه گیر شده اند، نشان می دهند که برابری جنسیتی برای سلامت عمومی جهانی و امنیت بین المللی بسیار مهم است.

شیوع ویروس کرونا و پیامدهای آن برای زنان سرپرست خانوار

بر اساس آمارهای رسمی در حال حاضر حدود ۳ میلیون زن سرپرست خانوار در سراسر ایران وجود دارد. آمار نشان می دهد که در طول ۱۰ سال گذشته تعداد خانواده های دارای سرپرست زن نسبت به خانواده هایی که سرپرست شان مرد است، ۵۸ درصد افزایش یافته است؛ آماري که با شیوع ویروس کرونا و خانه نشینی قشر بالایی از جامعه ایرانی، نگرانیها و واکنشهای فعالان زنان بسیاری را به همراه داشته است.



گیتی پورفاضل، وکیل دادگستری و فعال حقوق زنان، در این باره می گوید: "زنان سرپرست خانواده که پیش از شیوع این ویروس درآمد ناچیزی را با فروش کارهای دستی و یا کار به صورت روزمزد در کارخانه ها و کارگاهها داشتند و با آن امرار معاش می کردند، با آغاز قرنطینه و خانه نشین شدن با مشکلات زیادی از جمله تهیه نیازمندیهای روزانه خود و خانواده روبرو شده اند."

به گفته او کرونا تنها زندگی زنان سرپرست خانواده را تحت تاثیر قرار نداده؛ بلکه بیشتر گریبان افرادی را گرفته که به دلیل فقر از تغذیه مناسب برخوردار نیستند و این افراد به دلیل بالا نبودن ایمنی بدن در صورت ابتلا به این ویروس جان خود را از دست می دهند.

پیش از این مدیرعامل "جمعیت امامعلی" در گزارشی میانگین سنی زنان سرپرست خانوار در ایران را ۱۸ تا ۶۰ سال اعلام کرده بود؛ آماري که در بعضی از استانهای ایران که در آنها کودک همسری شایع است، متفاوت است. در این استانها زنان با سن ۱۴ تا ۱۵ سال هم سرپرستی خانواده را به دوش می کشند.

(منابع: ایرنا، دویچه وله، بهارنیوز، ایلنا، آونا، رادیو زمانه، صدای آمریکا، انتخاب)

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق **PayPal** به آدرس **bedostan@gmail.com**

چالش‌های معلمان (فروردین ۹۹)

فرنگیس بایقره

وزیر آموزش و پرورش تکذیب کرد: نگفتم ۳۰ درصد دانش آموزان به اینترنت دسترسی ندارند

وزیر آموزش و پرورش سخنان خود را در این باره که ۳۰ درصد دانش آموزان به امکان آموزش مجازی دسترسی ندارد، پس گرفت.



محسن حاجی میرزایی روز یکشنبه ۱۰ فروردین گفته بود: "براساس برآوردهای ما ۷۰ درصد دانش آموزان دسترسی به اینترنت، تلفن همراه، تبلت و وسیله ای که ارتباط را برقرار کنند دارند و ۳۰ درصد مناطق آموزشی و مدارس دسترسی ارتباطی برای برقراری آموزشهای مجازی را ندارند، لذا می‌خواهیم از آن ظرفیت ۷۰ درصد برای دسترسی ارتباطی ۳۰ درصد مناطق و مدارس استفاده کنیم."

وی دو روز بعد این سخنان را پس گرفت و گفت: "متأسفانه در خبری نادرست از قول من نقل شده ۳۰ درصد دانش آموزان دسترسی به اینترنت ندارند که از اساس کذب است."

وزیر آموزش و پرورش در صفحه شخصی خود در توییتر همچنین مدعی شد: "تنها ۸۶۹ هزار و ۴۰۰ نفر، معادل ۶.۹ درصد دانش آموزان، به اینترنت دسترسی ندارند. غالب این دانش آموزان در کلاسهای چند پایه تحصیل می‌کنند و برای آنان نیز برنامه داریم."

وی این ادعا را در حالی مطرح کرد که طبق لایحه بودجه ۹۸ دولت، ۱۱ میلیون و ۱۳۸ هزار و ۲۴۳ دانش آموز در گروه "محروم"ها و در ذیل طرح جامع حمایت و ارتقا پوشش تحصیلی مناطق محروم قرار گرفته‌اند.

از این تعداد، ۶۶۱ هزار دانش آموز به قدری فقیر و محرومند که حتی در این طرح، ردیف بودجه ای برای کمک‌به بهبود تغذیه دانش آموزان مناطق محروم اختصاص یافته است.

معلمان حق‌التدریس خواهان پرداخت کامل حقوق فروردین هستند

"فعلاً" مدارس تعطیل است؛ این تعطیلی که به دلیل پیشگیری از گسترش کرونا ویروس در دستور کار قرار گرفته، برای



کسانی که حقوق ثابت ماهانه دارند نگران کننده نیست، اما معلمان حق‌التدریس نگران معیشت و آینده شغلی خود هستند و این سوال را مطرح می‌کنند که تکلیف حقوق فروردین ماه آنها چه می‌شود؟

دولت می‌گوید تمهیداتی برای فصلی کاران و کسب و کارهای آسیب دیده از کرونا در نظر گرفته است و معلمان حق‌التدریس که به صورت ساعتی در مدارس دولتی سراسر کشور مشغول به تدریس هستند، می‌گویند: "با تعطیلی مدارس، اشتغال ما نیز در معرض خطر قرار گرفته است. این در

حالیست که زندگی همچنان هزینه دارد و حتی هزینه‌های آن افزایش نیز داشته است."

انتظار معلمان این است که لااقل تا زمان بازگشایی مدارس، دستمزد و حق بیمه آنها کامل پرداخت شود تا بتوانند از امنیت روانی برخوردار باشند.

"دستمزد کامل" برای معلم حق التدریس به معنای حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار است. این معلمان که دستمزد ساعتی وزارت کار را می‌گیرند و بیمه تامین اجتماعی هستند، در شرایط عادی برحسب تعداد ساعات کار، حقوق و حق بیمه دریافت می‌کنند و معمولاً از آنجا که تعداد ساعات تدریس آنها محدود است، دریافتی شان در پایان ماه از حداقل حقوق کارگری نیز کمتر می‌شود.

معلمان حق التدریس می‌گویند: "لااقل در این بحران کرونا، حقوق ما را کامل بپردازید تا بتوانیم قدری آسوده باشیم."

۳۰ تشکل صنفی فرهنگیان خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند

کانونهای صنفی معلمان در سراسر کشور در نامه سرگشاده‌ای که روز آدینه ۳۳ فروردین منتشر شد، خطاب به رییس قوه قضاییه، خواستار آزادی یا حداقل اعطای مرخصی به محمد حبیبی، از اعضای هیات مدیره و مسوول تشکیلات کانون صنفی معلمان ایران، و دیگر زندانیان سیاسی شدند.

تشکلهای مزبور به شیوع ویروس کرونا در کشور اشاره کرده و خطری که از جانب آن جان زندانیان را تهدید می‌کند را یادآور شده‌اند.

آنها می‌نویسند: "هنوز بسیاری از زندانیان سیاسی و عقیدتی از اقشار مختلف اجتماعی، مانند معلمان، وکلا، فعالان حقوق بشر، نویسندگان، کارگران و حتی زندانیان عادی، مالی و ... کماکان در زندان و در معرض خطر ابتلا به این ویروس خطرناک می‌باشند که در کنار سایر مسائل، نگرانیها و فشار زیادی را برای افراد زندانی و خانواده‌آنها به همراه داشته است."

فرهنگیان در ادامه نامه خود به وضعیت سلامتی معلم زندانی، محمد حبیبی، اشاره کرده و هشدار می‌دهند که او که با وجود وضعیت نامساعد جسمی و ابتلا به بیماری ریوی همچنان در زندان و در معرض خطر قرار دارد.

آنها به همین دلیل ابراهیم رئیسی را فراخوانده‌اند: "افرادی نظیر حبیبی با دستور صریح شما هر چه سریع‌تر آزاد و یا حداقل به مرخصی اعزام شوند نسبت به آزادی و یا حداقل مرخصی سایر زندانیان سیاسی و حتی عادی که حضورشان در جامعه خطری برای امنیت مردم ایجاد نمی‌کند، اقداماتی (فوری) انجام شود."

"تجربه به ما آموخت که حق گرفتنی است"



اسماعیل عبدی، معلم زندانی و عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان، در نوشته‌ای بر اهمیت مبارزه مستقل معلمان تأکید کرده و علیه توهّمات اصلاح طلبانه که مطالبات معلمان را به بیراهه می‌برد و تلاش آنها را ناکار می‌کند، موضع گرفته است. این فعال معلمان تجربه عینی را پایه قرار داده و می‌نویسد:

"پس از استقرار دولت روحانی برخی کارشناسان مسائل آموزش و پرورش برای رسیدن به مطالبات، راهکار مناسب را اعتماد به

دولت و وزارتخانه، نزدیکی به جریانات و تشکلهای اصلاح طلب و رایزنی و چانه زدن از طریق افراد سیاسی دانسته و هرگونه کنش اعتراضی را به دلیل نتایج اعتراضات سال ۸۸ ناکارآمد و اشتباه فاحش محاسباتی می‌نامیدند! آنان کنش آن روز معلمان و تشکلهای را واپسگرایانه و تحت تاثیر جریانات اصولگرایی مخالف دولت و یا ناشی از ورود تحلیلهای طبقاتی و نفوذ جریان چپ دانسته و کنش اجتماعی معلمان را ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی اصولگرایانه و یا خدمت به مبارزه تمام عیار علیه سرمایه داری نئولیبرال ارزیابی نموده و لذا تشکیل کمپین حمایت از معلمان زندانی را کار غیر صنفی تصور می‌کردند.

"پیش از آن در زمان استقرار دولتهای اصولگرا هم برخی منتقدین وابسته به دولت، هر نوع اعتراضی را محکوم کرده و گردهمایی معلمان معترض را مربوط به نفوذ خط اصلاح طلبی بین معلمان و کانون می دانستند!

"در شرایط نرمال کانون صنفی معلمان به شکل تدریجی راه هایی نظیر: دیدار با مسوولین و رایزنی، ارسال نامه، جمع آوری طومار، انتشار بیانیه و تذکر به دولت و نمایندگان مجلس را انجام دادند؛ اما با بی توجهی مسوولین تصمیم به اعتراض گرفتند و اتفاقا دستاوردهای مهم صنفی فرهنگیان مانند تصویب و اجرای قانون نظام هماهنگ، طرح رتبه بندی و اجرای برخی از مصوبات هیات وزیران و بند ۵ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری همه از راه اعتراض، شکایت در دیوان و ایستادگی به دست آمد.

"آری! تجربه به ما آموخت که "حق گرفتنی است. فراموش نکنیم زمانی که معلمان آزاد به امید استخدام با حقوق ۳۰۰ هزار تومان در ماه بدون بیمه مشغول کار بودند، معلمان حق التدریس ماه ها حقوق دریافت نکرده بودند و مریبان پیش دبستانی در صف استخدام بودند، رایزنیها به نتیجه نرسید ووزرای آموزش و پرورش از جمله آقایان فانی و بطحایی نتوانستند به وعده هایشان عمل کنند و در نهایت معلمان و تشکلهای مستقل صنفی آستین همت بالا زدند و حق شان را گرفتند و یادمان باشد افرادی که به خودشان اجازه دادند تا از سرمایه معلمان برای خود توشه بردارند و یکی از بزرگترین اختلاسهای تاریخ ایران را در صندوق ذخیره فرهنگیان رقم بزنند، با پیگیری و ایستادگی همین معلمان معترض رسوا شدند."

سندیکای شرکت واحد خواستار آزادی فوری فعالان صنفی معلمان و

کارگران شد



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با صدور اطلاعیه ای خواهان آزادی فعالان صنفی معلمان و کارگران زندانی شدند و مسوولان جمهوری اسلامی را مسوول پیامدهای حبس آنها در شرایط شیوع کرونا دانستند.

کارگران روشن ساختند: "هر چند فعالان صنفی معلمان و کارگران از سوی محاکم قضایی به زندان محکوم شده اند، اما واقعیت این است که آنان جرمی مرتکب نشده اند و تنها به دلیل دفاع از حقوق حقه طبقه زحمتکشان، برایشان پرونده سازی و حکم زندان صادر شده است."

آنها تاکید کردند: "آزادی هزاران زندانی از سوی قوه قضاییه به دلیل شیوع بیماری کرونا نشان دهنده جدی بودن خطر این بیماری می باشد که در دستور کار قوه قضاییه قرار گرفته است. عدم آزادی امثال محمد حبیبی ها که در دفاع از حقوق معلمان به ناحق زندانی شده اند و هیچ خطری برای شهروندان محسوب نمی شوند، نوعی سووقصد به جان شان می باشد. تصمیم سازان در دفاع از منافع سرمایه داران، اختلاس گران (دزدان) خودی، آنان را با وجود خطر جدی کرونا همچنان در زندان نگه داشته اند."

سندیکای واحد فشار، تهدید و زندان علیه فعالین صنفی معلمان، کارگران، دانشجویان و فعالین سیاسی و عقیدتی را محکوم کرده و خواهان آن شده است که: "با توجه به شیوع ویروس کرونا در زندانها و عدم توانایی دستگاه قضایی در کنترل ویروس در زندان، تمامی این افراد آزاد شده و یا دستکم با مرخصی آنان موافقت شود."

بازداشت ناهید فتحعلیان فعال صنفی معلمان در تهران

فعالان صنفی معلمان از بازداشت ناهید فتحعلیان، فعال صنفی و معلم بازنشسته در تهران خبر دادند.

به گفته آنها، این معلم بازنشسته روز سه شنبه ۲۶ فروردین ماه جاری در خارج از منزل خود توسط نیروهای امنیتی لباس شخصی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. تا لحظه تنظیم این خبر (۳۷ فروردین) از علت بازداشت و محل نگهداری وی اطلاعی در دست نیست.

اطلاعیه پیرامون جلسه "تشکلهای فرهنگیان" با نوبخت



پیرامون نشست نمایشی رییس سازمان برنامه و بودجه و وزیر آموزش و پرورش با آنچه که "تشکلهای فرهنگیان" خوانده شده، کانون صنفی معلمان ایران (تهران) اطلاعی ای به شرح زیر صادر کرد:

"پیرو نامه ارسال شده مشاور وزیر آموزش و پرورش در امور تشکلهای که بعد از ظهر روز گذشته به این شکل صنفی معلمان ابلاغ شد و با توجه به دعوت نشدن هیچیک از تشکلهای صنفی

استانها و پذیرفتن دستکم یک نماینده دیگر از کانون تهران که می توانست به نمایندگی از طرف مجموعه تشکلهای استانها (شورای هماهنگی) در جلسه شرکت کند، همچنین با توجه به تهدیدات و احضارهای فعالان صنفی فرهنگی و نیز دیر هنگام بودن این دعوت که پس از صدور احکام معلمان صورت گرفته و به نظر می رسد بیشتر برای توضیح و توجیه صدور احکام صادره همانند گذشته تزییع حقوق معلمان را بدنبال داشته باشد؛ کانون صنفی معلمان تهران حضور در این جلسه را غیر ضروری و فاقد هرگونه دستاورد ارزیابی نموده و از شرکت در جلسه مذکور خودداری می کند." کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

دانش آموزان در مناطق محروم امکان تحصیل از طریق فضای مجازی را ندارند

نماینده مجلس از فریدن و فریدون شهر با اشاره به راه اندازی شبکه آموزش موسوم به "شاد" به دلیل شیوع ویروس کرونا و تعطیلی مدارس در فضای مجازی برای آموزش دانش آموزان گفت: "در بسیاری از مناطق محروم مانند حوزه انتخابیه اینجانب (چادگان، فریدن، فریدون شهر و بویین و میاندشت) با پراکندگی روستاها

جدول شماره ۱ - مصارف دستگاه های اجرایی ملی بر حسب برنامه و فعالیت ۱۳۹۸

۱۸۰۲۰۰۳۰۰۰	برنامه آموزش دوره دوم متوسطه کاروباداش	هتراآموز در گروه سنی دبیریت	۳۵۷,۷۵۶۰,۰۰۰
۱۸۰۲۰۰۴۰۰۰	تأمین سرانه دانش آموزی	دانش آموز	۳۱۰,۰۴۲۰,۰۰۰
۱۳۷۵۱۰	وزارت آموزش و پرورش - طرح جامع حمایت و ارتقاء پوشش تحصیلی مناطق محروم	دانش آموز در گروه سنی دبیریت	۶,۶۷۷,۳۸۵۰,۰۰۰
۱۸۰۱۰۰۱۰۰۰	برنامه آموزش ابتدایی	دانش آموز	۳۱۴,۴۴۲۰,۰۰۰
۱۸۰۱۰۰۱۰۲۸	کمک به بهبود ندرت دانش آموزان مناطق محروم	دانش آموز	۳۱۴,۴۴۲۰,۰۰۰

که حتی راه مناسب هم ندارند چه برسد به گوشی همراه پیشرفته و اینترنت، آموزش محصلین از طریق فضای مجازی، باعث نگرانی فراوان در میان دانش آموزان و والدین آنها در چنین مناطقی، شده است."

حسین محمد صالحی افزود: "بسیاری از روستاها متاسفانه از شبکه دیجیتال صدا و سیما و آموزش مختلف شبکه ها نیز محروم هستند، لذا وزارت آموزش و پرورش باید هر چه زودتر تدابیری بیندیشد تا محرومان، از تحصیل هم محروم نشوند."

وی گفت: "آموزش و پرورش یا به نوعی دسترسی همگانی را برای همه دانش آموزان مهیا کند یا هر چه سریع تر این شیوه ناعادلانه را متوقف کند، پیش از آنکه اندوه و افسردگی محرومیت از تحصیل مزید بر علت شود."

(منابع: ایسنا، کانال معلمان عدالتخواه، صدای معلم، اتحاد آزاد کارگران ایران، کانال اخبار فرهنگیان، تسنیم، ایلنا، کانون صنفی معلمان)

دانشگاه در ماهی که گذشت (فروردین ۹۹)

کامران عالمی نژاد

تلاش بسیج برای منفعل کردن شوراهای صنفی



معید مهدیان، دبیر سابق شورای صنفی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران، از تجربه خود پیرامون ترند حاکمیت برای منفعل کردن شوراهای صنفی دانشجویان و جلوگیری از طرح مطالبات آنها می گوید: "مدتهاست که فعالیت سیاسی در دانشگاهها دچار افول شده و با توجه به مشکلات معیشتی دانشجویان، لزوم وجود فعالیت صنفی بیش از پیش احساس می شود. در این بین کم و بیش در دانشگاههای کشور مشاهده کرده ام که دانشجویان متصل به جریان

بسیج تلاش می کنند وارد فعالیت صنفی شده و در پس فعالیت، اهداف خود را اجرایی کنند."

این فعال صنفی می افزاید: "پس از حدود دو سال و نیم فعالیت صنفی و بر اساس تجربیات خود، باید اشاره کنم در این مدت مشاهده کردم که افرادی متصل به نهاد بسیج، پس از کسب رای، شروع به سنگ اندازی در مسیر شورای صنفی کرده و با اتصال و ایجاد نوعی لابی با نهادهای مختلف از جمله نهاد نمایندگی رهبری، ریاست دانشگاه و معاونت دانشجویی، سعی می کنند استقلال شورای صنفی را خدشه دار کرده و شورا را منفعل کنند."

مهدیان انگیزه حاکمیت در کاشتن بسیجیان در شوراهای صنفی را اینگونه برمی شمارد:

۱- بازیابی اقبال از دست رفته نهاد بسیج

۲- تشکیل شوراهایی منفعل با حضور افراد نزدیک به بسیج دانشجویی تا در مقابل ایرادات و مشکلات سیستم سکوت کرده و از ایجاد دردسر برای مسوولان دانشگاه جلوگیری گردد .

او سپس نتیجه می گیرد: "دانشجویان باید در انتخاب نمایندگان دانشجویی خود نهایت دقت را به کار ببرند تا ضمن شناخت کاندیداهای کارآمد، از مستقل بودن آنها مطمئن شوند. باز هم باید اشاره کنم که وجود شورای صنفی فعال و مستقل از مسوولان، از مهم ترین نیازها برای ادامه زیست دانشجویی است."

گلایه دانشجویان دانشگاه تبریز از بی نظمی و اشکالات خط اینترنتی



در پی تشکیل کلاسهای دانشگاه تبریز به صورت اینترنتی، دانشجویان با مشکلات زیادی از قبیل وارد نشدن به سایت و نامشخص بودن صدای استاد روبرو شده اند.

لازم به ذکر است که سایت دانشگاههای مختلفی از جمله واحدهای دانشگاه آزاد، دانشگاه های شیراز، علوم پزشکی ایلام، علوم پزشکی اراک، شاهد، چمران اهواز، بین المللی قزوین و ... هم با همین مشکل روبرو بوده اند.

نظرات تعدادی از دانشجویان در زیر می خوانید:

- ساعت ۲ کلاس داشتم؛ هر کاری کردم نتونستم به کلاس وصل شم!

همش این صفحه برام میومد:

- هیچ کدوم از دانشجویها نتونستن از صبح وارد کلاس بشن
- ساعت ۱۶ اطلاعیه دادن کلاسهای امروز تبریز تعطیله
- این چه وضعیه آخه! روز اول آموزش مجازی این باشه، وای بحال روز آخرش
- ۸۰ درصد دانشجویها موافق حذف ترم هستن، چون با این شرایط نه تنها چیزی یاد نمیگیرن، بلکه اعصابشون هم خرد میشه
- خواهشا اگه نمیتونین یه سایت رو درست مدیریت کنین، ترم اختیاری رو بذارید بریم حذف کنیم
- اسمشو گذاشتن تدریس مجازی، استاد میاد چند تا اسلاید رو روخوانی میکنه و میره، اونم تازه نصف اوقات یا صدش
- نمیاد کلا یا از سایت میندازه بیرون. نمی تونیم استفاده کنیم
- چرا وقتی اسم شهریه میاد همشون آماده باش هستن واسه دریافت شهریه. دو قران بدهکار باشی صدتا اس ام اس میدن، ولی امروز ما از ۸.۳۰ صبح با سامانه ور رفتیم و علاف شدیم، ساعت ۴ بعدازظهر اعلام میکنن که کلاسای مجازی تبریز تعطیله
- بعضی استادها هم ببخشیدا ولی هیچی بلد نیستن. بلد نیستن حتی چجوری آنلاین تدریس کنن. از ما دانشجویها دیگه چه انتظار دارن؟
- با وویس سیگنال سیستم، اصول مخابرات تدریس میکنن تو گروه تلگرام! و کلا بیخیال سایت شدن

محکومیت فعال دانشجویی دانشگاه تهران به شش سال زندان

ابوالفضل نژادفتح، فعال صنفی دانشجویی و دانشجوی انسان شناسی دانشگاه تهران، در دادگاه انقلاب به ۶ سال حبس محکوم شد.



ابوالفضل نژادفتح که سال گذشته به دنبال اعتراضات گسترده به گرانی بنزین به همراه چند تن دیگر از دانشجویان بازداشت و به قید وثیقه به صورت موقت آزاد شده بود، در دادگاه انقلاب با اتهام "اجتماع و تبانی" و "تبلیغ علیه نظام" محکوم شده است. پنج سال از شش سال محکومیت قضایی صادر شده برای این فعال دانشجویی قابل اجرا خواهد بود.

دانشگاه آزاد: کلاسهای مجازی هیچ مشکلی ندارد/ شهریه را برنمی گردانیم

سخنگوی دانشگاه آزاد اسلامی می گوید کلاسهای آموزشی دانشگاه آزاد به صورت مجازی و بدون هیچ مشکلی در حال برگزاری است. احمدی حیدری مدعی شد: "کلاسهای آموزشی مجازی دانشگاه آزاد با تدابیری که اندیشیده شده و با همکاری اساتید و دانشجویان به صورت منظم در حال برگزاری است." وی افزود: "زمانی که کلاسهای آموزشی برگزار می شود، نیاز به حذف درس و یا حذف ترم نیست و این امکان در دانشگاه آزاد وجود ندارد." این مقام دانشگاه آزاد تاکید کرد: "علاوه بر این، امکان عودت شهریه به دانشجویان وجود ندارد چرا که دانشگاه آزاد یک نهاد خصوصی است و باید حقوق اساتید و کارکنان را از محل همین شهریه ها تامین کند."

اعتراض دانشجویان سوره به سیاستهای آموزشی دانشگاه در دوران کرونا



در پی ادامه تعطیلی دانشگاهها بر اثر شیوع کرونا و ویروس، جمعی از دانشجویان دانشگاه سوره مجاز شدن حذف ترم بدون احتساب سنوات و ذخیره شدن شهریه ترم جاری برای نیمسال آینده را خواستار شدند.

با توجه به شرایط به وجود آمده برای ادامه تحصیل در نیم سال دوم تحصیل ۹۸-۹۹، دانشجویان دانشگاه سوره در نامه ای که رونوشت آن به دکتر خاکی صدیق، معاون

آموزشی وزیر علوم، نیز ارسال شده، خطاب به رییس دانشگاه سوره نسبت به اجبار آنها برای حضور در کلاسهای مجازی، عدم اجازه دانشگاه برای حذف ترم جاری و تعویق کلاسهای عملی اعتراض کردند.

این دانشجویان در نامه خود نوشتند: "ما از مسوولان دانشگاه تدوین سیاستهای عادلانه و تبیین سیاستهای جدید در خصوص آموزش مجازی ترم تحصیلی جاری را خواستار هستیم، به گونه ای که حقوق مادی و معنوی ما تضییع نشود." دانشجویان مطالبات خود از مسوولین دانشگاه را اینگونه برشمردند:

- حذف ترم بدون احتساب سنوات و حذف شهریه برای آن دسته از دانشجویانی که به هر دلیلی امکان ادامه ترم در شرایط حاضر را ندارند

- تعیین تکلیف شهریه کلاسهای مجازی و تعدیل مابه التفاوت شهریه کلاسهای حضوری و مجازی و مشخص کردن آن برای آن دسته از دانشجویانی که قصد شرکت در این کلاسها را دارند

- عقب افتادن دروس عملی از تابستان به ترم بعد و ارائه این دروس به صورت هم نیاز برای آن دسته از دانشجویانی که شرایط حضور در کلاسهای تابستان را ندارند

- ارائه تمامی واحدهای این ترم در ترم آینده برای آن دسته از دانشجویانی که در این ترم حذف ترم کامل می کنند

تحریم سراسری آموزش مجازی با امضای بیش از ۴۶ هزار دانشجو از سراسر کشور

فعالان دانشجویی با انتشار بیانیه و راه انداختن کمپینی از دانشجویان خواستند در تحریم سراسری آموزش مجازی شرکت کنند. در این بیانیه گفته شده بسیاری از دانشجویان به امکانات لازم جهت مشارکت در این طرح دسترسی ندارند. این بیانیه تاکنون به امضای بیش از ۴۶ هزار دانشجو از سراسر کشور رسیده است.

دانشجویان می نویسند: "در شرایط فعلی و بحران زده کشور که نفسهایمان را تنگ و کام مان را تلخ کرده است، به حال خود رها شده ایم. شاهد آن بودیم که دولت با گذاشتن راه حل آموزش مجازی پیش روی ما، از خود رفع تکلیف و مسوولیت نمود و نابرخورداران را مطابق روال گذشته بیشتر و بیشتر به حاشیه راند."

بیانیه توضیح می دهد، دانشجویان ادامه ترم تحصیلی با تحمیل آموزش مجازی به دانشجویان را در راستای اهداف آموزش عالی نمی دانند، به ویژه از آن رو که برنامه آموزشی مزبور "بی کیفیت، فاقد برنامه و افق مشخص و مهم تر از همه نابرابر است."

دانشجویان می گویند: "تحقق عدالت آموزشی تنها به واسطه مشارکت همه دانشجویان از تمام طبقات اجتماعی در این طرح ممکن می شود. بسیاری از دانشجویان به امکانات لازم جهت مشارکت در این طرح دسترسی ندارند و از توانایی مالی جهت تامین هزینه اینترنت و تهیه کامپیوتر و تلفنهای هوشمند و ... برخوردار نیستند. حق آموزش عالی رایگان نیز که

سالهاست آماج پولی سازی و کالایی سازی واقع شده، در روند فعلی بیشتر به محاق می رود. گویا دولت از هیچ فرصتی برای باز کردن مسیر پیشروی خصوصی سازی در حوزه خدمات عمومی نمی گذرد." دانشجویان تاکید می کنند: "اجازه نخواهیم داد دولت از بحران به هزینه ما عبور کند، به هزینه به محاق بردن عدالت. بدینوسیله ما به همه دانشجویان اعلام می کنیم که آموزش مجازی را نمی پذیریم و آن را فاقد اعتبار می دانیم. ما برای احقاق حقوق مان متحد می شویم و تا زمانی که تمام مطالبات به حق مان را باز پس نگیریم، از تحریم کامل سیستم آموزش مجازی دست بر نخواهیم داشت. لذا تمام همصنفان خود را به این تحریم دعوت می نماییم."

رییس دانشگاه آزاد: شهریه دانشجویان باید پرداخت شود/ بودجه ای برای کمک به دانشجویان نداریم

رییس دانشگاه آزاد امکان حذف ترم یا تخفیف در شهریه دانشجویان را در دوران تعطیلی کرونا رد کرد.



محمد مهدی طهرانچی توجیه کرد: "نکته این است که دانشجو برای یک دوره آموزش به ما شهریه می دهد نه صرفا برای یک ترم. بر فرض ما ترم را کنسل کنیم، به هر حال دانشجو باید شهریه آن را در ترم بعد بپردازد."

وی در پاسخ به این سوال که این انتظار از دانشگاه می رود که در عمل به مسوولیت اجتماعی خود دستکم تخفیفی در شهریه ها اعمال کند و یا تسهیلاتی را در اختیار دانشجویان بگذارد، به بیراهه زد و گفت: "دانشگاه آزاد در عمل به مسوولیت

اجتماعی خود در شرایط کنونی، در حوزه پزشکی و خدمت به بیماران کرونایی بسیار فعال بوده به طوری که ۳ بیمارستان دانشگاه به بیماران کرونایی اختصاص یافته است؛ بنابراین ما بار اضافی را به دوش گرفتیم که در خدمت مردم باشیم." طهرانچی با تاکید بر اینکه شهریه دانشجویان باید پرداخت شود، گفت: "دانشگاه بودجه ای برای کمک به دانشجویان ندارد. در این زمینه صندوقهای رفاهی دانشگاه باید به کمک بیاید. پیشنهاد ما این است که صندوقهای رفاه از محل تغذیه دانشجویان، اعتباراتی برای کمک به دانشجویان در نظر بگیرد."

(منابع: شوراهای صنفی دانشجویان کشور، تلگرام دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز، خبرگزاری دانشجویان ایران)

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

رویدادهای هنری ماه (فروردین ۹۹)

فتح الله کیائیهها

این یک رویداد هنری نیست؛ یک تراژدی است، یک فاجعه است. هنرمندی که ترانه هایش را زندگی کرد و در لابلای نتهایش جان سپرد. معترض بود و معترض ماند و با صدای رسای اعتراض فریاد کرد و گفت: "در صفحات سپید تاریخ بنویسید مبارزه درمان دردهاست."



"هلین بولک"، یکی از خوانندگان گروه "یوروم"، پس از ۲۸۸ روز اعتصاب غذا در اعتراض به سرکوب این گروه موسیقی توسط حکومت ترکیه، در سن ۲۸ سالگی درگذشت. این گروه موسیقی چپ در تمام سالهای فعالیت از سوی دستگاه امنیتی دولت رجب طیب اردوغان تحت فشار بود، تا اینکه در سال ۲۰۱۶، گروه و کنسرتهايش ممنوع اعلام شد. پس از آن چندین نفر از اعضایش بازداشت شدند.

دولت ترکیه این گروه را متهم به ارتباط با "جبهه آزادیبخش انقلابی خلق" - از گروههای مخالف حکومت - می کند و اعضای آن را به اتهام "تروریسم" بازداشت کرده است. اما گروه یوروم تنها موسیقی اعتراض تولید می کرده و این اتهام را قبول ندارد.

بولک و "ابراهیم کوگچک" - یک عضو دیگر این گروه موسیقی - اعتصاب غذای خود را سال گذشته در زندان و در اعتراض به بازداشت و زندانی شدن شش نفر از اعضای یوروم آغاز کردند. اعتصاب غذای آنها که از زندان آغاز شد، در نهایت منجر به آزادی هلین بولک و ابراهیم کوگچک در ماه نوامبر ۲۰۱۹ گردید. اما بولک و کوگچک حاضر نشدند پس از آزادی از زندان لب به غذا بزنند و به اعتصاب غذای خود برای احقاق مطالبات شان ادامه دادند تا همه اعضای گروه از زندان آزاد شوند، اتهام تروریسم علیه آنها لغو شود و گروه اجازه برگزاری کنسرت داشته باشد.

بالاخره در ۱۴ فروردین ماه سال جاری او به جهان نشان داد که هنرمند چیزی ورای هنرش نیست و اثبات کرد که "یکی برای همه و همه برای یکی" راز جاودانگی خلق است.

تئاتر

جشنواره ای برای کارگران و فرودستان



"استفانی کرپ"، دبیر جشنواره تئاتر سه سالانه "روهر" آلمان است؛ جشنواره ای که دوره جدید آن با دبیری کرپ از ۱۴ آگوست (۲۴ مرداد ۱۳۹۹) تا ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۰ (۳۰ شهریور ۱۳۹۹) در محل کارخانجات قدیمی و از رده خارج شده فولاد، زغال سنگ و ... مناطقی از آلمان برپا می شود. جشنواره روهر در سال ۱۹۹۹ توسط "جرارد مورتیر" به عنوان مدیر و موسس جشنواره و همچنین در راستای احیای

حس غرور و هویت کارگران و مردم شاغل و ساکن این کارخانه ها و مناطق صنعتی راه اندازی شد و هر ساله بودجه ای قابل توجه از سوی ایالت در اختیار آن قرار داده می شود که بخش عمده این بودجه صرف توسعه زیرساختها، یعنی همان کارخانه های قدیمی می شود.

خانم کرپ که از سال ۲۰۱۸ دبیر این جشنواره شده، هنرمندی است اهل هامبورگ آلمان که در دانشگاه آزاد برلین ادبیات مدرن آلمانی، فلسفه و درام یونانی مدرن را فرا گرفت و در سال ۱۹۸۵ دکترای خود را از "الکساندر کلوز" با پایان نامه "نثر و نظریه اجتماعی" گرفت و یکبار نیز همراه چند هنرمند دیگر آلمانی، عنوان دراماتورژ برتر دهه را از آن خود کرد.

او در باره جشنواره می گوید: "این جشنواره برای کارگران و فرودستان است، چرا که بعد از اینکه معادن و کارخانجات صنعتی مناطقی از آلمان تعطیل شدند، کارگران و خانواده های شان که در این کارخانه ها مشغول بودند، با فقر روبرو شدند و در نتیجه حس غرور طبقه کارگر لطمه خورد. سپس این بخش از جامعه دچار بحران هویت و گم گشتگی گردید، چون بسیاری از آنها به آنچه که در گذشته این منطقه صنعتی وجود داشت، احساس وابستگی و نوستالژی داشتند که این مساله برای ما ساکنان سایر نقاط آلمان قابل درک نبود. پس از آن پژوهشهای زیادی توسط دولت، سیاستمداران، دانشگاهها و مراکز پژوهشی انجام شد تا دنبال راهی برای بازشناسی روحیه و هویت مردمان و به ویژه کارگران این کارخانجات و معادن بیابند. یکی از نتایج این پژوهشها، منجر به راه اندازی جشنواره تئاتر سه سالانه منطقه صنعتی روهر به عنوان جشنواره هنری غیر متمرکز و پروژه محور شد؛ برنامه ای که موضوع آینده مکانهای صنعتی تاریخی را مدنظر داشت تا آن را به شکلی پایدار ادامه دهد."

استفانی کرپ ادامه می دهد: "ما در این جشنواره از سالنهایی استفاده می کنیم که دور افتاده و متروکه هستند، یعنی همین کارخانه های قدیمی که تبدیل به محل اجرا شده اند و نمایشهای ما در شهرها و محوطه های صنعتی به اجرا در می آید. به همین دلیل بلیت نمایشها ارزان تر از دیگر جشنواره هاست، چون هدف اصلی ما ایجاد فضایی نمایشی برای اقشار مختلف جامعه است."

موسیقی

"جنت"، ترانه ای علیه تبعیض جنسیتی

جنت یا بهشت نام ترانه ایست از هنرمند افغان، مژگان عظیمی، ساکن آلمان که پس از انتشارش واکنشهایی را به همراه داشت. این اثر در حقیقت یک اعتراض موسیقایی جسورانه و نامتعارف علیه تبعیض جنسیتی در مورد زنان افغان و سایر کشورهای جهان است.

مژگان عظیمی در باره این آهنگ که با استفاده از ترانه و موسیقی شهرام فرشید تولید شده و نماهنگ آن را علی دفاعی و محمد وطنی کارگردانی کرده اند، می گوید: بدون شک دهه اخیر افغانستان، فصل بیداری مجدد زنان در عرصه های



اجتماعی بوده است. اما نمی توان با حضور سمبولیک تعداد انگشت شماری در این عرصه، میلیونها زن دیگری که در گوشه کنار قربانی تعاریف و تابوهای سنتی و عقیدتی می شوند را نادیده گرفت. تظاهر به جایگاه یکسان زن و مرد، بدترین روش برای ادامه این تبعیضها است."

او که قبل از مهاجرت به آلمان مدتی را در ایران سرکرده، از آغاز فعالیتهای هنری خود توجه خاصی به موضوعاتی مانند بنیادگرایی مذهبی، ناهنجاریهای اجتماعی، تابوهای فرهنگی و تبعیضهای جنسیتی داشته و در آثارش به سراغ سوژه هایی چون کودک همسری، حجاب اجباری و آزادی بیان و عقیده یا سوواستفاده حاکمان از مقدسات و باورهای مردم رفته است. "ترانه های "آیه"، "بیست و پنج سال" و "حاکمان" از جمله آثار محبوب این هنرمند است که با استقبال زیادی در تلویزیونهای ماهواره ای و سایتهای اینترنتی همراه شده است.



"بوچلی" قلب تپنده زمین زخمی را در آغوش گرفت

"موسیقی برای امید"، نام کنسرتی است که "آندریئا بوچلی"، خواننده سرشناس اپرای ایتالیا، در کلیسای جامع میلان برگزار کرد و به طور زنده از شبکه یوتیوب پخش شد.

بوچلی غروب یکشنبه ۲۴ فروردین (۱۲ آوریل) به دعوت مقامهای محلی میلان وارد ساختمان باشکوه "دوئومو"، کلیسای گوتیک

میلان، شد و با همراهی یک نوازنده ارگ چهار آواز خواند. او در این اجرای تک نفره که به امید رهایی جهانی از شر ویروس کرونا برنامه ریزی شده بود، به مناسبت عید پاک مسیحیان ترانه مذهبی "برکت شگفت انگیز" را نیز اجرا کرد. او که یک خواننده کم بیناست، در پیام کوتاهی که پیش از اجرای کنسرتش پخش شد گفت: "اکنون به لطف موسیقی با پخش زنده، ما میلیونها انسان در همه جای جهان دست در دست هم داده ایم تا قلب تپنده این زمین زخمی را در آغوش بگیریم."



هنرمندان آمریکایی در مبارزه با کرونا

کنسرت خانگی بزرگی به منظور مبارزه با ویروس کرونا و کمک به کادر درمانی بیمارستانهای آمریکا برگزار می شود. این برنامه "یک جهان، با هم در خانه" نام دارد و توسط "لیدی گاگا"، خواننده مشهور آمریکایی و سازمانهای "بهداشت جهانی" و "گلوبال سیتیزن" ترتیب یافته است. در این کنسرت خانگی که هجدهم آوریل برگزار خواهد شد، افزوده بر لیدی گاگا، ستاره هایی

چون "بیلی آیلیش"، "لیزو"، "التون جان"، "پال مک کارتنی"، "آندریئا بوچلی"، "جان لچند"، "بیلی جو آرمسترانگ"،

"جی بالوین" و "کیت اربن" در خانه های خود هنرنمایی خواهند کرد. هنرمندان و چهره های مشهور دیگری مانند "کری واشنگتن"، "لنگ"، "پیرانکا چوپرا" و "دیوید بکهام" نیز به عنوان مهمان در بخشهایی از این برنامه حضور خواهند داشت. این کنسرت خانگی به صورت همزمان از شبکه های تلویزیونی سی بی اس، ان بی سی، و ای بی سی، سایتهای اینترنتی آمازون و اپل و شبکه های اجتماعی فیسبوک، اینستاگرام و یوتیوب پخش می شود. به گفته برگزار کنندگان، هدف اصلی این برنامه سرگرمی و انتقال امید و انرژی مثبت به میلیونها آمریکایی است که در قرنطینه خانگی هستند. تمامی درآمد حاصل از این کنسرت به سازمان بهداشت جهانی اهدا می شود تا صرف مبارزه با ویروس کرونا، تجهیز کادر درمانی و کمک به بیماران و نیازمندان شود.

سینما

درخواست ۸ سینماگر سرشناس برای آزادی زندانیان سیاسی



هشت فیلمساز شناخته شده سینمای ایران با صدور بیانیه ای خواستار آزادی تمام زندانیان سیاسی از جمله فعالان محیط زیست زندانی شدند. در این بیانیه که روز دوشنبه ۲۵ فروردین منتشر شد، این هشت فیلمساز با هشدار نسبت به تامین بهداشت و سلامت زندانیان عقیدتی، سیاسی و فعالان محیط زیست، تاکید کرده اند که ادامه در زندان نگه داشتن این افراد می تواند عواقب جبران ناپذیری به همراه داشته باشد.

این فیلمسازان با اشاره به پیش بینی موج دوم شیوع ویروس کرونا از سوی پزشکان، خواستار اعطای هرچه سریع تر مرخصی به زندانیان عقیدتی، سیاسی و فعالان محیط زیست شده اند. داریوش مهرجویی، جعفر پناهی، محمد رسول اف، کیومرث پوراحمد، رضا درمیشیان، علیرضا داود نژاد، محسن امیریوسفی و مجتبی میرطهماسب هشت فیلمسازی هستند که این بیانیه را امضا کرده اند.

کاسه لیبی جلاد در پوشش عدالت خواهی



تمجید دست اندرکاران سینما از ابراهیم رئیسی و تقاضای آنها برای آزادی محمد امامی موجی از انتقادات را برانگیخته است. منیژه حکمت این نامه را "کاسه لیبی" و "دریوزگی" در لوای "انسان دوستی" و "عدالت خواهی" خوانده است.

۴۶ دست اندرکار سینما و تلویزیون در نامه خود به ابراهیم رئیسی ضمن تاکید بر اینکه رسیدگی به اتهامهای امامی وظیفه قوه قضاییه است، گفته اند او نیز مانند دیگر زندانیان

این حق را دارد که برای مصون ماندن از خطر ابتلا به ویروس کرونا به طور موقت آزاد شود. نامه آنها در شروع اینگونه آغاز می شود: "از میزان حساسیت حضرتعالی به تحقق عدالت، قانون گرایی، اصلاح امور، مقابله با اجحاف و دفاع از حقوق شهروندان آگاهیم، همچنین از میزان حساسیت و توجه حضرتعالی به حوزه فرهنگ و هنر ...؟!"

بیشتر امضا کنندگان نامه درخواست آزادی محمد امامی، سابقه همکاری با او و شرکتهای وابسته به او از جمله "تصویر گستر پاسارگاد" در تولید محصولات نمایشی داشته اند و این سرمایه گذار زمینه تولید برخی آثار آنها را فراهم کرده یا

قرار بوده فراهم کند. گروهی با اشاره به این موضوع می گویند بخشی از دلایل امضا کردن این نامه فراهم شدن امکان تولید همان آثار پس از آزادی احتمالی آقای امامی بوده است.

محمد امامی همراه شریک آن زمانش هادی رضوی با تولید سریال "شهرزاد" و صرف هزینه قابل توجه و پرداخت دستمزدهای کم سابقه باعث شد تا ورود سرمایه های مشکوک و پولشویی به سینما به مهم ترین اتفاق سالهای اخیر هنرهای نمایشی تبدیل شود.

تا روز شنبه ۲۳ فروردین چند تن از امضاکنندگان به دلایل گوناگون، از جمله اینکه متن نامه ای که امضا کرده اند با متن نامه منتشر شده متفاوت است، امضای خود را پس گرفته اند یا گفته اند که نامشان بدون موافقت با آنها زیر نامه درج شده است.

جشنواره ونیز ... دیجیتالی؟ هرگز

جشنواره فیلم ونیز احتمال برگزاری هفتاد و هفتمین دوره این رویداد بزرگ سینمایی به صورت مجازی را رد کرد. پیشتر سخنگوی این جشنواره در گفتگو با نشریه هنری "ورایتی" با اشاره به امکان استفاده از فناوری در برخی از قسمتها، تصمیم گیری درباره جزییات برگزاری این جشنواره را به آینده موکول کرده بود.

اما "آلبرتو باربارا"، مدیر هنری جشنواره ونیز، در گفتگو با یکی از خبرگزاریهای ایتالیا یادآور شده که آنها تصمیمی برای برگزاری مجازی این جشنواره و پخش اینترنتی فیلمها ندارند.

شیوع ویروس کرونا در جهان باعث لغو یا تعویق تعدادی از جشنواره های سینمایی شده است. برخی از جشنواره ها، از جمله جشنواره تورنتو در کانادا نیز در ماه سپتامبر هم به صورت مجازی و هم حضوری برگزار می شود. آلبرتو باربارا می گوید جشنواره تورنتو از نظر ساختاری با جشنواره هایی چون کن یا ونیز متفاوت است.

"آواز خدا"، مستندی از تاریخچه تنبور در ایران



عارف محمدی، هنرمند ایرانی ساکن تورنتو در کانادا، پس از اکران موفقیت آمیز فیلم "آواز خدا" در جشنواره های سینمایی و شهرهای مختلف، این فیلم مستند را در فضای مجازی منتشر کرد.

او برای تهیه این اثر به کرمانشاه سفر کرد تا ضمن آشنایی با پیروان آیین کهنی که همگی از کودک و پیر تنبور می نوازند، راز و رمز تقدس تنبور را دریابد.

تنبور، سازی با قدمت چند هزار ساله، متعلق به ایران باستان و تنبور نوازان که در پی آن هستند تا پیام صلح خود را به مردم جهان برسانند.

عارف محمدی می گوید: "ساخت این مستند ابتدا در سال ۲۰۱۴ بر پایه معرفی سید قدمیار از طرف دوست هنرمندم مهدی فراهانی شکل گرفت. یک سال بعد از طریق دوست موسیقیدان و پژوهشگر موسیقی اقوام دکتر بهمن کاظمی با اندیشه های یارسان و تنبور نوازان کرد اهل حق آشنا شدم که به واسطه تحقیق گسترده و آرشو غنی ایشان منجر به انگیزه آفرینش فیلم شد. او در این فیلم به عنوان محقق و کارشناس اصلی حضور دارد. در نهایت با همراهی سید سلمان حسینی، یکی از هفت نوه تنبور نواز قدمیار و گروه تولید، فیلم طی ۳ سال به سرانجام رسید."

سید قدمیار، کهنسال ترین تنبور نواز ایران، در سن ۱۲۰ سالگی در روستای کوچک بکتر در غرب ایران درگذشت. او مرشد معنوی یکی از آیینهای عرفانی کهن ایران "یارسان" است. او که همسرش را در ۴۰ سالگی و تنها پسرش را در میانسالی از دست داد، دیگر هیچگاه تن به ازدواج نداد و با عشق به موسیقی و آرامشی همیشگی زندگی کرد.

ادبیات

درخشش زنان در بین نامزدهای نهایی جایزه ادبی بین المللی بوکر



شش رمان از زبانهای مختلف به قلم پنج نویسنده زن و یک مرد به فهرست نهایی نامزدهای جایزه بین المللی بوکر سال ۲۰۲۰ راه یافته اند. نام برنده نهایی جایزه قرار است ۱۹ مه (سی ام اردیبهشت) اعلام شود. در پی همه گیر شدن ویروس کرونا در جهان، جایزه بین المللی بوکر امسال به شیوه دیجیتالی نامزدهای نهایی خود را معرفی کرد.

بر این اساس، رمان "روشنگری درخت گوجه سبز" به قلم شکوفه آذر، نویسنده ایرانی مقیم استرالیا، با ترجمه فردی ناشناس (به دلایل امنیتی)، "ماجراجوییهای آهن

چینی" نوشته نویسنده آرژانتینی "گابریلا کابزون" با ترجمه ای از "آیونا مکینتایر" و "فیونا مکینتاش" از زبان اسپانیایی، رمان "تیل" نوشته "دانیل کلمان" ترجمه شده توسط "راس بنجامین" از زبان آلمانی، رمان "فصل طوفان" نوشته "فرناندا ملچور" با ترجمه "سوفی هیوز" از زبان اسپانیایی، رمان "پلیس حافظه" نوشته نویسنده ژاپنی "یوکو اوگوا" ترجمه شده توسط "استفان سیندراز" زبان ژاپنی و رمان "دردسرای غروب" نوشته «ماریکه لوکاس راینفلد» با ترجمه "میشل هاچیسون" از زبان هلندی، به عنوان نامزدهای نهایی انتخاب شدند.

جایزه "آسترید لیندگرن" در دستان هنرمندی از کره جنوبی



"هی نا بک"، زن تصویرگر صاحب نام کره جنوبی، جایزه "آسترید لیندگرن" سال ۲۰۲۰ را از آن خود کرد. این جایزه که با ارزش ترین جایزه در حوزه ادبیات کودک جهان به شمار می رود، معادل جایزه نوبل در این حوزه ارزیابی شده است.

خانم هی نا بک که برای مطبوعات اروپایی چهره ای ناشناخته است، در کشورش کره جنوبی از معروف ترین

هنرمندان در عرصه تصویرگری کتاب به شمار می رود. او علاوه بر این به دلیل سبکی ویژه در ساخت مجسمه های مینیاتوری دست ساز و عکاسی از آنها برای کار تصویرگری محبوب است.

ارزش نقدی جایزه "آسترید لیندگرن"، که گران ترین جایزه در حوزه ادبیات کودک جهان به شمار می رود، حدود ۴۵۰ هزار یورو است.

این هنرمند اهل کره جنوبی همچنین در تهیه فیلمهای انیمیشن فعالیت داشته و تاکنون ۱۳ کتاب مصور منتشر کرده است که در آسیا طرفداران زیادی پیدا کرده است. یکی از معروف ترین کتابهای او "نان ابری" نام دارد که در سال ۲۰۱۱ به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شده است.

شعر ماه

در سوگ حسن ییلدیز، سخنگوی سندیکای کارگران استانبول

ما جنازه ی تو را تحویل نگرفتیم

نه از بیمارستان

نه از غسلخانه

و نه از قبرستان...

تو را ندیدیم و خاک صورت تو را پوشاند.

با ماسکهای سیاه نانو بر صورت

قبرستان را ترک کردیم

و تو را بی شاخه گلی از زندگی

تنها گذاشتیم...

من به دنیای مدرن فکر می کنم

به پیکر لاغر تو که زیر کفن

استخوان به استخوان خوابیده است

کارگر ساختمانی بودی

با تمام روزهای تعطیل بر داربست

هتلی هفت ستاره قد می کشید

بر تاول دستانت و

خم می شدی زیر سنگینی کار

و مرگی چنین تنها

در سکوت قرنطینه

س. ق



(منابع: جنگ خبر، رادیو زمانه، ایلنا، صدای آمریکا، یورو نیوز، دویچه وله، رادیو فردا)

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

جنبش رنگین کمان بیشماران (فروردین ۹۹)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

سال جدید را با اندوه از دست دادن تعداد زیادی از مردم به علت مبتلا شدن به ویروس کرونا آغاز کردیم. در فروردین ماه و شروع بهار و با ادامه همه گیری کرونا خسارهای بسیار به نیروهای کار وارد شد. در همین رابطه جمعی از کارگران قطعه ساز سراسر کشور در نامه ای به روحانی، خواستار دو هفته تعطیلی بعد از پانزدهم فروردین شدند.

علاوه بر ویروس کرونا با جاری شدن سیل در ۱۰ استان، دستکم ۱۱ تن جانباختند. سخنگوی اورژانس استانهای سیل زده را هرمزگان، بوشهر، فارس، سیستان و بلوچستان، قم، گیلان، خراسان جنوبی، مازندران، سمنان و کرمان اعلام کرد.

با وجود شرایط فاجعه بار کشور، در ماه فروردین ۷۰ حرکت اعتراضی از جانب کارگران و مزدبگیران صورت گرفت. علاوه بر آن جنبش اعتراضی معلمان، دانشجویان و پرستاران هم جریان داشت که اخبار آن به طور جداگانه در ماهنامه نبردخلق منتشر می شود.

فشرده اخبار مربوط به کارورزان را در زیر می خوانید.

*روز دوشنبه ۴ فروردین، کارگران معدن گل گهر در سیرجان برای اعتراض به نبود شرایط لازم جهت جلوگیری از شیوع کووید ۱۹ دست به تجمع مقابل فرمانداری زدند. به گزارش ایلنا، در این مجموعه بیش از ۱۹ هزار کارگر اشتغال دارند که به علت تعداد بالای کارگران و مراوده روزانه، بابت شیوع کرونا در این کارخانه نگرانیهایی در بین کارگران وجود دارد.

*روز شنبه ۱۶ فروردین، جمعی از کارگران کارخانه کنتورسازی ایران در قزوین برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل اداره کار الوند تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، یکی از کارگران کارخانه کنتورسازی ایران گفت: در اولین روز کاری سال کارگران با درهای بسته کارخانه مواجه شدند و به همین دلیل مقابل اداره کار الوند تجمع کردند. وی افزود: طبق قراردادی که کارگران با شرکت دارند تا آخر فروردین ماه می توانند در کارخانه مشغول به کار باشند، اما متأسفانه مدیرعامل شرکت این کارخانه را تعطیل کرده است.

*روز شنبه ۱۶ فروردین، کارگران حمل زباله شهرداری دزفول برای اعتراض به سطح پایین حقوق و عدم پرداخت به موقع مطالبات مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: بیشتر کارگران حمل زباله دزفول بالای ۱۵ سال سابقه کار دارند ولی دریافتی آنها بین ۱۲ تا ۱۶ میلیون ریال است که کفاف مخارج زندگی آنها را نمی دهد. کارگران همچنین خواستار حذف شرکت پیمانکاری و قرارداد مستقیم با شهرداری شدند.

*روز شنبه ۱۶ فروردین، کارگران کارخانه روناک دارو واقع در شهرک صنعتی کاوه برای اعتراض به اخراج از کار مقابل فرمانداری ساوه تجمع کردند. به گزارش سندیکای فلزکار مکانیک، اولین روز مشغول به کار شدن کارگران در شرکت دارو سازی روناک واقع در شهر صنعتی ساوه، ۶۰ تا ۷۰ نفر از کارگران که سابقه ۵ سال کار دارند را به دلیل نامعلوم اخراج شدند.

*روز یکشنبه ۱۷ فروردین، کارگران کارخانه کنتورسازی ایران برای دومین روز متوالی برای بلا تکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع مقابل استانداری قزوین زدند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: در اولین روز کاری در سال جدید کارگران با درهای بسته شرکت مواجه شدند.

*روز یکشنبه ۱۷ فروردین، کارخانه تهران بتن واحد شاد آباد واقع در جنوب غربی تهران برای اعتراض به انتقال محل کارشان به واحد آبیک، دست به تجمع مقابل کارخانه زدند. به گزارش ایلنا، کارگران تجمع کننده گفتند: در اعتراض به تصمیم مدیران شرکت مبنی به انتقال محل کارشان، مقابل کارخانه و مقابل «شرکت سیمان فارس و خوزستان» تجمع کردیم. کارگران معترض با بیان اینکه این شرکت از زیر مجموعه های سیمان فارس و خوزستان است، افزودند: این شرکت هم از زیرمجموعه های هلدینگ سیمان تامین متعلق به «شرکت سرمایه گذاری سازمان تامین اجتماعی» (شستا) است. از آنجا که «شرکت سیمان آبیک» واقع در استان قزوین هم از زیرمجموعه های شرکت سیمان فارس و خوزستان است، مدیران سیمان بتن با این استدلال که فعالیت های شرکت سودآوری لازم را ندارد، قصد دارند، محل کار ما را تعطیل کنند و کارگران را برای ادامه کار به سیمان آبیک بفرستند.

*روز یکشنبه ۱۷ فروردین، جمعی از اهالی بوانات در استان فارس برای اعتراض به خطر ابتلا به کووید ۱۹ مقابل فرمانداری این شهرستان اجتماع کردند. به گزارش شیرازه، تجمع کنندگان پلاکارد «۱۱ مورد مبتلا به کرونا در یک روز/سلامتی مردم شهرستان بوانات در این وضعیت فعلی مهم تر از کار معادن می باشد» حمل می کردند.



*روز دوشنبه ۱۸ فروردین، کارگران اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان قزوین برای اعتراض به اخراج از کار مقابل استانداری و اداره کل راه و شهرسازی قزوین تجمع کردند. به گزارش صبح قزوین، تجمع کنندگان گفتند: از تاریخ ۲۸ اسفند ۹۷ که طرح الکترونیکی شدن عوارض آغاز شد، ما حدود سه ماه در سازمان راهداری بلا تکلیف بودیم. تا اینکه بعد از آن به ما اعلام کردند نیروها تقسیم شده و تعدادی به سازمان راهداری و حمل و

نقل جاده ای می روند، تعدادی دیگر از نیروها نیز با پیمانکار طرح یعنی شرکت سپندار همراهی کنند. متأسفانه تقسیم نیروها عادلانه نبود و برخورد سلیقه ای وجود داشت، برخی دوستان با رابطه هایی که داشتند به سازمان راهداری رفتند و اکنون نیز آنجا مشغول کارند، تعدادی دیگر از دوستان را نیز برای مصاحبه به شرکت پیمانکار یعنی شرکت سپندار ارجاع دادند.

*روز چهارشنبه ۲۰ فروردین، جمعی از رانندگان اتوبوس شهر کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود، مقابل شهرداری و استانداری این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش هفته نامه عصر باختر، رانندگان اتوبوس شهر

کرمانشاه، خواستار پرداخت یارانه سال ۹۸ خود شدند. این رانندگان همچنین حق بیمه بیکاری خود، از بابت دو ماه تعطیلی در ایام شیوع ویروس کرونا، را خواستارند.

*روز شنبه ۲۳ فروردین، برای هشتمین روز متوالی کارگران کنسورسازی ایران برای اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی و بی تفاوتی مسئولان طراز اول استان و کارفرما مقابل کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دور جدید اعتراضات کارگران کنسورسازی ایران به دنبال تعطیلی کارخانه به بهانه بیماری کووید ۱۹ از روز شنبه ۱۶ فروردین با تجمع مقابل اداره کار آغاز و با تجمع روز یکشنبه ۱۷ فروردین مقابل استانداری قزوین ادامه یافت. این تجمع همه روزه مقابل کارخانه ادامه پیدا کرد.

*روز شنبه ۲۳ فروردین، کارگران نی بُر بازنشسته مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل دفتر مدیریت شرکت زدند. به گزارش ایلنا، کارگران بازنشسته این شرکت از ۲۵ اسفند سال ۹۸ تحت قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور بازنشسته شدند.

*روز شنبه ۲۳ فروردین برای دومین ماه پیاپی، کارگران اخراجی شرکت پخش فرآورده های نفتی ماهشهر به تجمع مقابل انبار نفتی شرکت ادامه دادند. به گزارش ایران کارگر، تجمع کارگران اخراج شده این شرکت از روز شنبه ۲۶ بهمن ۹۸ آغاز شد. تجمع کنندگان گفتند؛ از کار خود اخراج شده اند تا افراد سفارش شده به جای آنها استخدام شوند. انبار نفتی نوری بخش ماهشهر سوخت مورد نیاز نیروگاه های سنندج، کرمانشاه، BOT شیراز، حافظ شیراز، سیکل ترکیبی کازرون، افق ماهشهر، گناوه و عسلویه را تامین می کند.

*به گزارش فارس، روز شنبه ۲۳ فروردین، جمعی از پذیرفته شدگان آزمون سردفتری سال ۹۷ در ادامه اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی دست به تجمع مقابل قوه قضاییه و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور زدند.

*بامداد روز شنبه ۲۳ فروردین، جمعی از کسبه کلانشهر اراک برای اعتراض به عدم اجرای دقیق مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان زدند. به گزارش ایسنا، مسئول اجرایی هیات امنای بازار تاریخی اراک در این خصوص گفت: این تجمع که با حضور کسبه بازار و تعدادی از کسبه مجتمعها و مراکز تجاری اراک برگزار شد، به جهت دریافت پاسخ برای برخی سئوالات بود.

*روز دوشنبه ۲۵ فروردین، جمعی از دستفروشان تهران برای اعتراض به بلا تکلیفی معیشتی مقابل شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایرنا، در این رابطه، رئیس مرکز ارتباطات و امور بین الملل شهرداری تهران در خصوص این تجمع گفت: خواسته دستفروشان به حق است ولی مرجع پاسخگویی به خواسته ها این تجمع کنندگان شهرداری تهران نیست. وی ادامه داد: دستفروشی جزو مشاغل فصلی است و وضعیت این شغل در کل کشور دچار مشکل شده اما باید در نظر داشت که در این خصوص باید وزارت خانه های کشور، کار و سازمان تامین اجتماعی مسئولیت دارند و باید راهکاری در این خصوص پیش بینی کنند.

*روز دوشنبه ۲۵ فروردین، جمعی از کارگران شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس شعبه تهران، مقابل ساختمان فرمانداری اسلامشهر تجمع کردند. به گزارش هرانا، این کارگران طی سالهای گذشته نیز بارها به وضعیت شغلی شان

اعتراض کرده و با مراجعه به نهادهای دواتی متعدد خواستار رسیدگی به مطالبات خود شده بودند. اعتراض این کارگران از سال ۹۵ که مدیریت شرکت حمل و نقل بین‌المللی خلیج فارس به بخش خصوصی واگذار شد، شکل گرفت و با تغییر کارفرما در مرداد سال گذشته شدت یافت. به گفته کارگران معترض، کارفرمای جدید قراردادهای کاری کارگران را لغو و آنها را مجبور کرد که با یک شرکت پیمانکاری مشغول به کار شوند.

*روز دوشنبه ۲۵ فروردین، جمعی از رانندگان و صاحبان اتوبوسهای بین شهری تهران برای اعتراض به بلا تکلیفی معیشتی مقابل سازمان پایانه های مسافربری تجمع کردند. به گزارش خبر فوری، تجمع کنندگان با برافراشتن پلاکارد، ایراد سخنانی و سردادن شعارهایی با اعلام اینکه قریب ۲ ماه است که به دلیل خوابیدن اتوبوسها رانندگان و صاحبان اتوبوسها درآمدی ندارند، نسبت بی تفاوتی دولت اعتراض کردند.



*روز دوشنبه ۲۵ فروردین، جمعی از نانوایان استان کهگیلویه و بویراحمد با تجمع مقابل استانداری خواهان بازنگری نسبت به نرخ نان شدند. به گزارش عصر زاگرس، تجمع کنندگان پلاکاردی خطاب به استاندار با مضمون «با توجه به بالا رفتن هزینه های تولید نان از قبیل آب، برق، بیمه، اجاره بهای مغازه و... ما دیگر با این قیمت توان تولید نان را نداریم» حمل می کردند.

*روز سه شنبه ۲۶ فروردین، صدها کارگر متقاضی بیمه بیکاری استان تهران در اعتراض به ثبت نشدن تقاضای شان از طریق آنلاین مقابل اداره کار این استان تجمع کردند. به گزارش برترینها، طبق اعلام دولت، بیکاران ناشی از بیماری کرونا که مشمول قانون کار و تامین اجتماعی می شوند، می توانند در سامانه بیمه بیکاری ثبت نام کنند. اما مشکلات ثبت نام در سامانه اعلام شده گلایه افراد متقاضی را در پی داشته است.

*روز سه شنبه ۲۶ فروردین، جمعی از کسبه بازار عراقی آمل در اعتراض به بلا تکلیفی معیشتی به دنبال پلمب محل کارشان و عدم حمایت دولت مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش مازند اصناف؛ رئیس سازمان مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری آمل در حاشیه تجمع کسبه بازار عراقی گفت: از شروع بیماری کرونا، کمیته مقابله با این ویروس، مصوبه ای مبنی بر بستن بازارهای هفتگی و بازار روزها تصویب کرد که از این رو بازارهای هفتگی، شب بازار پل سوم، بنفشه، بازار خیابان نور و جانبازان و دیگر بازارها بسته شد و در برخی بازارها فعالیت کمی صورت می گرفت.

*روز چهارشنبه ۲۷ فروردین، کارگران اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان قزوین در ادامه اعتراض به اخراج از کار راهی تهران شدند و برای دومین روز مقابل سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای تجمع کردند. به گزارش صبح قزوین، روز دوشنبه ۱۸ فروردین، کارگران اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان قزوین برای اعتراض به اخراج از کار مقابل استانداری و اداره کل راه و شهرسازی قزوین تجمع کردند.

*روز چهارشنبه ۲۷ فروردین، جمعی از بازاریان و کسبه پاساژهای پلمب شده جیرفت توسط بهداشت محیط و اماکن برای اعتراض به بلا تکلیفی معیشتی مقابل اتاق اصناف تجمع کردند. به گزارش ایسنا، رئیس اتاق اصناف جیرفت در حاشیه این

تجمع گفت: متأسفانه تصمیماتی که در خصوص بازار گرفته می شود کارشناسی نیستند و لازم است در این تصمیم گیریها از کارشناسان بازار و یا روسای اتحادیه های مختلف صنفی استفاده شود.

*روز شنبه ۳۰ فروردین، کارگران ایران مرینوس قم برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل درب اصلی کارخانه واقع در میدان ارتش محل تلاقی بلوارهای امین و غدیر شهر قم تجمع کردند. به گزارش ایرنا، تجمع گفتند: برای بار چندم از زمان شیوع کرونا تاکنون، مسئولان کارخانه زمان بازگشایی را به تعویق می اندازند و دلیل این تصمیم خود را مشکلات مالی، سلامتی کارگران با رعایت فاصله گذاری اجتماعی و همچنین نبود مواد اولیه عنوان می کنند، امری که مورد پذیرش کارگران نیست.

*روز شنبه ۳۰ فروردین، کارگران شهرداری مسجد سلیمان در ادامه اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق، حق بیمه و عیدی دست به تجمع مقابل محل کارشان زدند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: شهرداری مسجد سلیمان حدود ۷۰۰ کارگر و کارمند دارد که در حال حاضر نیمی از این تعداد مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند.

*بامداد روز شنبه ۳۰ فروردین، کسبه مجتمعهای تجاری و پاساژهای قروه در استان کردستان پس از بارها تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان برای اعتراض به بلاتکلیفی معیشتی در پی بیش از یک ماه تعطیلی و عدم حمایت دولت، مقابل دفتر امام جمعه این شهر اجتماع کردند. به گزارش کُردتودی، یکی از معترضان گفت: متأسفانه دولت هیچ نوع ساز و کار عملی برای حمایت از مشاغل آسیب دیده از تعطیلی بازار پیش بینی نکرده است و تمام مواردی که مطرح می شود برای بازاریان بیگانه است چرا که نه بسته های معیشتی و نه یارانه ای که برای مشاغل آسیب دیده در نظر گرفته شده بود به دست ما نرسیده است .

*روز یکشنبه ۳۱ فروردین، رانندگان ناوگان مسافر بری مرز مهران برای اعتراض به بلاتکلیفی معیشتی دست به تجمع مقابل اداره کل حمل و نقل و پایانه استان ایلام زدند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: دو ماه است که حقوق و حق بیمه شان پرداخت نشده است و در این شرایط سخت اقتصادی و تورم کمر شکن بدون دریافت حقوق و مطالبات زندگی خود را سپری می کنند.

*روز یکشنبه ۳۱ فروردین، نانوهای بوشهر در اعتراض به افزایش پلمب نانوایان توسط مرکز بهداشت دست به اعتصاب زدند و از پخت و پز خودداری کردند. به گزارش خلیج فارس، از ابتدای شیوع کرونا و در راستای افزایش نظارت‌های بهداشتی، ۳۵ نانوایی شهر بوشهر از سوی مرکز بهداشت پلمب شده یا اخطار پلمب گرفته که تقریباً نصف نانواییهای این شهر است.

*بامداد روز یکشنبه ۳۱ فروردین، جمعی از مالباختگان روستای سید آباد شهرستان دماوند برای اعتراض به تصمیم دادستانی مبنی بر تخریب ساختمانها و جمع آوری انشعابات در برخی مناطق مختلف شهرستان به ویژه در روستای سیدآباد، مقابل بیدادگستری دماوند تجمع کردند. به گزارش ایرنا، بیدادستان عمومی و انقلاب شهرستان دماوند در این خصوص گفت: تعدادی مال باخته در روستاهای دماوند به ویژه روستای سیدآباد که توسط مشاوران املاک اطلاع رسانی دقیق نشده بودند نسبت به اجرای قانون معترض بودند.

اخبار کوتاه بر اساس گزارشهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی

پنجشنبه ۷ فروردین: اعتصاب ۲ روزه کارگران مجتمع مس سونگون در اعتراض به عدم تعطیلی معدن به دلیل شیوع کرونا.

چهارشنبه ۲۰ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران اخراجی کارخانه سیمان دورود مقابل اداره کار این شهر.

دوشنبه ۲۵ فروردین: تجمع کشاورزان صحرای کوشک ضیاءآباد، در منطقه خان ارخی تاکستان، از شهرستانهای استان قزوین. کشاورزان اقدام به باز کردن مسیر مسدود شده آبراه که برای زمینهای کشاورزی آنان آب را هدایت می کرد و توسط زمین خواران و سرمایه داران بسته شده بود، کردند.

سه شنبه ۲۶ فروردین: کشاورزان چندین روستای شهرستان محلات در استان مرکزی در اعتراض به ندادن حبابه رودخانه قمرود تجمع کردند. تجمع کنندگان تراکتهایی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: حق آب کشاورز را بدهید. آب نداریم. / تجمع جمعی از مردم در ایزد و باغملک در استان خوزستان مقابل فرمانداری. آنها به ساخت محل جدیدی برای دفع زبالهها اعتراض کردند. معترضان گفتند با توجه به شیوع کرونا این اقدام جان مردم را به خطر می اندازد. شنبه ۳۰ فروردین: تجمع جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه مقابل شهرداری تهران.

شنبه ۳۰ فروردین: اعتصاب و تجمع کارگران راه آهن رباط کریم در اعتراض به عدم پرداخت حقوق. کارگران شرکت خدمات مهندسی خط و ابنیه فنی راه آهن (تراورس) شامل شاهرود، دامغان، هرمزگان، خراسان، تهران، اسلامشهر، رباط کریم، لرستان، اندیمشک و کارخانجات مترو و تراورس بتونی و چوبی است. یکشنبه ۳۱ فروردین: اعتصاب صاحبان کامیونهای حمل و نقل شن و ماسه مراغه به دنبال تعطیلی تعدادی از کارگاهها.



کیسه گشاد خامنه ای برای دریافت دلار آمریکایی

مهدی سامع

از روزی که رژیم ولایت فقیه از سر ناچاری به وجود ویروس کرونا اعتراف کرد تا امروز، خامنه ای با گزافه گوییهای بسیار چند موضوع مهم را دور زده تا مسئولیت خودش به عنوان شخص اول نظام را در لابلای مشتت اراجیف پنهان کند. امروز بر همه روشن شده که نظام حاکم بر ایران پیرامون همه گیری کرونا، پنهان کاری کرده، دروغ گفته و با حقه بازی پیرامون تحریمها حاضر به اختصاص بودجه مکفی برای مهار یا غلبه بر این ویروس نیست.

خامنه ای در سخنرانی خود به مناسبت سال نو که در روز یکشنبه ۳ فروردین ۱۳۹۹ از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش شد، آمریکا را «خبیث ترین و قبیح دشمن، دروغگو، طماع، ظالم، بی رحم، تروریست، شارلاتان، پشت سرهم انداز» معرفی کرد و پیش نهاد کمک این دولت را رد کرد. خامنه ای در این سخنرانی گفت: «آمریکاییها چند بار گفته اند حاضرند کمک دارویی به ایران کنند و گفته اند فقط شما از ما بخواهید. این از حرفهای عجیب است. اول خودتان دچار کمبود هستید. اگر دستتان باز است خودتان استفاده کنید. ... شما متهم هستید، این ویروس را ایجاد کرده اید. من نمی دانم این اتهام چقدر واقعی است. اما ممکن است دارویی وارد کشور کنید که این ویروس را ماندگار کند. شاید کسی را وارد ایران کنید تا اطلاعات خود را از میزان اثرگذاری این ویروس تکمیل کند.» وی در ادامه گفت: «کشور ظرفیت مقابله با چالشها در هر سطحی را داراست.»

در این حرف ولی فقیه حقیقتی نهفته است که به شرط صداقت، که در وجود خامنه ای نیست، فاجعه ویروس به نقطه فعلی صعود نمی کرد. واقعیت این است که اگر سود خالص شرکتها و نهادهای تحت کنترل ولی فقیه در سال گذشته و

بودجه امسال نهاد مذهبی که وظیفه ای جز سرکوب فرهنگی و ترویج خرافات ندارند، برای مقابله با ویروس کرونا با یک مدیریت مردمی اختصاص داده می شد، امروز با فاجعه جانباختن چند ده هزار زن و مرد ایرانی به شمول دهها تن از پزشکان، پرستاران، بهیاران و دیگر پرسنل درمانی روبرو نبودیم. خامنه ای حتی حاضر نیست برای بحران کرونا مقدار لازم از صندوق ذخیره ارزی برداشت شود و پس از مدتی نه چندان کوتاه با درخواست روحانی برای برداشت یک میلیارد موافقت کرد.

خامنه ای از وجود «ظرفیت» صحبت می کند ولی آدرس دقیق آن را که جایی جز جیب گشاد خودش نیست را پنهان می کند. اما مساله آن چنان روشن است که برخی پرده را به میزانی بالا می زنند.



غلامرضا حیدری، از مجلس نشینان رژیم روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۹ به خبرگزاری حکومتی کار گفت: «معتقدم تنها راهی که می توان انجام داد این است که یک سری از نهادها که منابع مالی خوبی دارند به کمک دولت بیایند، چرا که داراییهای این نهادها متعلق به ملت و مملکت است. بنیاد مستضعفان متعلق به مردم بوده و با این توجیه دست به برخی کارها زد، بنابراین جا دارد بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام و آستانهای مختلف که منابع درآمدی دارند صادقانه و داوطلبانه بدون این که سر مردم منت بگذارند و فکر کنند صدقه می دهند داراییهای شان را در اختیار مردم قرار دهند.»

برخلاف نظر این کارگزار نظام، خامنه ای به سرکرده کل سپاه ماموریت می دهد که با «منت» گذاشتن سر مردم، ارگان صدقه دادن و گدا پروری موسوم به «قرارگاه امام حسن مجتبی» را برای «کمک مومنان» راه اندازی کند. تازه این نهاد که ظاهراً از صدقه های شرکتهای تحت کنترل ولی فقیه بهره مند می شود، برای فربه کردن سلطانهای «دارو»، «ماسک» و ... دست گدایی به سوی «مردم و خیران» دراز کرده است. (تلویزیون شبکه خبر، سه شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۹)

مسیح مهاجری مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۹، در این روزنامه نوشت: «برای حل قطعی مشکلات باید قدرتهای مالی بزرگی به صحنه بیایند که از تمکن بسیار بالائی برخوردارند و اموال آنها متعلق به مردم است. این قدرتها عبارتند از ستاد اجرائی فرمان امام، بنیاد مستضعفان و آستان قدس رضوی. امکانات و منابع مالی

گسترده ای که در اختیار این مراکز وجود دارند اگر به عرصه کمک به اقشار آسیب دیده از کرونا آورده شوند، مشکلات این اقشار در کوتاه ترین زمان و به صورت کامل برطرف خواهد شد. آنها اگر پولهایی را که در اختیار دارند برای نجات مردم مستضعف خرج نکنند، فلسفه وجودی شان را چگونه می‌خواهند توجیه کنند؟».

این حرف که منابع مالی نهادهای تحت کنترل خامنه ای قادرند «در کوتاه ترین زمان و به صورت کامل» مشکلات اقشار آسیب پذیر را حل کنند از قلم کسی جاری می‌شود که طی چهل و یک سال گذشته از کارگزاران مورد اعتماد نظام بوده است. این همان واقعیتی است که ما بر آن تاکید می‌کنیم و بارها گفته و می‌گوییم که رژیم منابع مالی برای غلبه بر این ویروس و بسیاری بحرانهای دیگر در اختیار دارد و نباید پول نقد در اختیار آن گذاشته شود. چرا که پول نقدی که رژیم از فروش نفت به دست می‌آورد، صرف اموری می‌شود که به زندگی اکثریت قاطع مردم ربطی ندارد. یک نمونه از مصرف دلارهای نفتی را می‌توان از گزارش «دیوان محاسبات» در باره «تفریغ بودجه سال ۱۳۹۷» که از اختلاس ۴.۸ میلیارد دلار رونمایی می‌کند دریافت. نمونه دیگر، صحبت‌های پرویز فتح، رئیس بنیاد مستضعفان است. او در یک برنامه تلویزیونی گفته است: «من در بنیاد تعاون سپاه بودم، حاج قاسم آمده بود به من گفت که حقوق فاطمیهون انیروهای افغان که برای جمهوری اسلامی در سوریه می‌جنگند را ندارم بدهم، ... اینها برادران افغان ما هستند و دست نیاز به امثال ما دراز می‌کرد...». نکته مضحک در این باره نقد روزنامه به اصطلاح اصلاح طلب شرق است که در شماره روز یکشنبه ۱۷ فروردین، این سخنان را «بسیار عجیب» دانست و نوشت: «به نظر می‌رسد رئیس بنیاد مستضعفان از هوشمندی لازم برای حضور در یک برنامه تلویزیونی برخوردار نیست.» لابد نویسنده ظاهراً اصلاح طلب این روزنامه انتظار داشته تا رئیس بنیاد مستضعفان هم از ماله کیش اعظم، دروغگوی کبیر، شارلاتان کم نظیر، جواد ظریف پیروی کند.

روز دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۹۹، تلویزیون بی بی سی مصاحبه ای با دکتر حاتم قادری استاد پیشین دانشگاه تربیت مدرس انجام داد. حاتم قادری در این برنامه گفت: «ما برای کمک به مردم نیازمند یک رویکرد سوسیالیستی در پایه اقتصاد هستیم. باید میزان اقتصاد در بیت آشکار بشود، پولهایی که در آستان و بنیادها هست به مردم بازگردانده شود. در این میان سیاستهای دولت و رفتار رئیس جمهور هم اعتماد آور نیست چون صداقت در آن دیده نمی‌شود. دولت گفته کاش پول بیشتری داشتیم، خب خرج کردن در سوریه و عراق را متوقف و پولش را به مردم برگردانید، بودجه های بیت رهبر و نهادهای متعدد حکومتی را شفاف و از پولهای آستان قدس به مردم بدهید. وزرای کشور، بهداشت و خارجه باید استعفا دهند. ... زندگی مردم ارزشی ندارد؛ مرگشان هم به رسمیت شناخته نمی‌شود.»

آری چنین است که مرگ مردم هم به رسمیت شناخته نمی‌شود و نه نام جانباختگان از ویروس کرونا اعلام می‌شود و نه تعداد واقعی آن. خامنه ای با هزاران نیرنگ و ظلم مسئول اول همه خسرانهایی است که طی سالهای ولایت اش، به ویژه در سال ۱۳۹۸، بر مردم و کشور وارد شده است. برای همین است که مردم بارها تلاش کرده و بازهم تلاش خواهند کرد تا این نظام ضد مردمی را براندازند.

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

سرمایه داری و آنفلوآنزای اسپانیایی ۱۹۱۸ - ۱۹۱۹

ویرانگری جهانی ناشی از آنفلوآنزای اسپانیایی تاثیر عمیقی بر آگاهی کارورزان در سرتاسر جهان گذاشت. این اپیدمی نشان داد که سلامت جامعه یک مساله جمعی است و نه فردی! اپیدمی، ایدئولوژی حاکم را زیر سوال برد که می گفت "اوباش چرک آلوده (آنگونه که طبقه کارگر و فقرا به طور تحقیرآمیز از سوی طبقه حاکم خوانده می شدند) فقط باید خود را مقصر بیماری شان بدانند"، زیرا ابعاد وسیع بحران، دامن ثروتمندان و کاست افسران را نیز گرفت.

کیشیا تیلر/ حزب سوسیالیست ایرلند

برگردان: بابک

آنفلوآنزای اسپانیایی ۱۹۱۸ - ۱۹۱۹ موجب هلاکت ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر شد؛ رقمی بیش از مجموع قربانیان دو جنگ جهانی اول و دوم. به گفته یک کارشناس، "لاورا اسپینی" (Laura Spinney)، آنفلوآنزای اسپانیایی "جمعیت انسانی را ریشه ای تر از مرگ سیاه (طاعون) تغییر داد.



طاعون جنگ

اپیدمی آنفلوآنزا از بهار سال ۱۹۱۸ آغاز شد و به دلیل نقل و انتقال نیروهای نظامی درگیر در جنگ جهانی اول، به سرعت در سراسر اروپا گسترش یافت. با رسیدن موج اپیدمی به سربازان گرسنه ای که در سنگرهای پوسیده و اردوگاههای ارتش روی هم ریخته شده بودند، نزدیک به نیمی از انگلیسیها و سه چهارم سربازان فرانسوی مبتلا شدند. زمانی که ویروس جهش یافت، علائم تکان دهنده جدیدی بروز کرد، از جمله بین افرادی که به دلیل کمبود اکسیژن و خونریزی شدید، پوست شان آبی شد. میزان مرگ و میر به ویژه در میان جوانان بالغ در اوج شکوفایی سنی و نیز سربازان

به اوج رسید. اکنون اعتقاد بر این است که این امر ناشی از تحریک بیش از حد سیستم ایمنی بدن، توفان سیتوکین [یا توفان ایمنی] و عفونتهای ثانویه مانند ذات الریه است. اما پزشکان آن دوره غافلگیر شدند. در حالی که منشا ویروس هنوز بحث برانگیز است، مسلم آن است که این بیماری همه گیر بدون نقل و انتقال نیروهای نظامی، تغییر مسیر اختصاص منابع و آسیب به سلامتی سربازان و غیرنظامیان در نتیجه جنگ جهانی اول، رخ نمی داد.

"خونسرد باش و ادامه بده"

در حالی که ویران کننده ترین پاندمی تاریخ گسترش می یافت، دستگاههای تبلیغاتی کشورهای امپریالیستی در درجه اول مشغول انکار بحران و کوچک نشان دادن آن بودند تا روحیه و شوق میهن پرستانه برای جنگ حفظ شده و آب به آسیاب "دشمن" ریخته نشود. فقط مطبوعات در اسپانیای بی طرف از شیوع اپیدمی خبر دادند و به این ترتیب بیماری همه گیر نام "آنفلوآنزای اسپانیایی" یافت.

تلاش برای سرپوش گذاشتن بر واقعیت در باره ابعاد اپیدمی کنونی نیز در هفته های اخیر به ویژه از جانب ترامپ در ایالات متحده و محافظه کاران در انگلیس صورت گرفته است، اگرچه به دلیل امکانات اطلاع رسانی و قابلیت های ارتباطی عصر مدرن بسیار کمتر موفق بوده است.

در سال ۱۹۱۸، مقامهای بهداشت و درمان در فیلادلفیا مجوز برگزاری "جشن آزادی" را صادر کردند که ۲۰۰ هزار نفر در آن شرکت کردند و یک هفته بعد موجب جان باختن ۷۵۹ نفر شد. زمانی که برای گورهای دسته جمعی خاکبرداری شد، مدارس بسته و اجتماعات عمومی ممنوع شد، یک روزنامه اعلام کرد: "اینها تدبیرهایی برای بهداشت عمومی نیست، نیازی به نگرانی وجود ندارد." رئیس جمهور وقت ایالات متحده، "وودرو ویلسون" (Woodrow Wilson)، هیچگاه درباره این بیماری همه گیر اطلاعی ای صادر نکرد.

"آرتور نیوشولم" (Arthur Newsholme)، افسر ارشد پزشکی بریتانیا، تصمیم گرفت که "ضرورت فوری پیشبرد جنگ، مخاطره ابتلا به عفونت را توجیه می کند" و از مردم خواست که "با آرامش پیش بروند". این شعار بعدها توسط دستگاه تبلیغات جنگ جهانی دوم رایج شد. برای دولتهای سرمایه داری در هر دو سو، پیروزی در جنگ امپریالیستی مهمترین موضوع بود، بدون توجه به هزینه انسانی که در بر داشت. آنها حتی به فکر خود راه نمی دادند که منابع را به سوی تامین سلامت مردم هدایت کنند.

تأثیر اپیدمی

فقط وقتی تعداد سربازانی که در اثر آنفلوآنزا درگذشتند از کشته های جبهه جنگ بیشتر شد، دولتها به موضوع توجه



کردند و نخستین محدودیتهای تماس برقرار شد؛ زمانی که برای ادامه کار مدارس و کارخانه ها، دیگر به اندازه کافی معلم و کارگر سالم وجود نداشت! طبقه کارگر به تبلیغات دولتی بی اعتماد بود و به دلیل نبود اطلاع رسانی کافی، مردم به طور غریزی از یکدیگر فاصله می گرفتند تا به این بیماری مبتلا نشوند.

جنگ، طبقه کارگر را به جبهه و در

خانه به دامن سخته‌های وحشتناک و تراژدی پرتاب کرد. اما انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ الهام بخش کارگران در سراسر جهان در نبرد برای آینده ای بهتر بود. در این تاریخ خیزشهایی در سرتاسر جهان رخ داد که معروف ترین آن انقلاب آلمان از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹ است. ایرلند که آنفولانزا جان ۱۵۰۰۰ نفر از شهروندانش را گرفته بود، شاهد یک اعتصاب عمومی علیه خدمت سربازی در سال ۱۹۱۸، اعتصاب مهندسين بلفاست در سال ۱۹۱۹ و ایجاد خودگردانی شوراهای در شهر "لیمریک" (Limerick) در سال ۱۹۱۹ گردید.

هم جنگ و هم پاسخهای ناکافی به این اپیدمی، پرده از جهتگیری دولتها و کل سیستم علیه منافع طبقه کارگر برداشت. برای مثال استثمار مردم و زمین در هند و ناتوانی استعمارگران انگلیس در ایجاد سیستم بهداشتی منجر به کشته شدن ۱۷ میلیون نفر (۵درصد از جمعیت هند) شد که این امر دامنه وسیعتری به مبارزه ضد استعماری داد.

بهداشت عمومی

ویرانگری جهانی ناشی از آنفولانزای اسپانیایی تاثیر عمیقی بر آگاهی کارورزان در سرتاسر جهان گذاشت. این اپیدمی نشان داد که سلامت جامعه یک مساله جمعی است و نه فردی. اپیدمی، ایدیولوژی حاکم را زیر سوال برد که می گفت "اوباش چرک آلوده (آنگونه که طبقه کارگر و فقرا به طور تحقیرآمیز از سوی طبقه حاکم خوانده می شدند) فقط باید خود را مقصر بیماری خود بدانند"، زیرا ابعاد وسیع بحران، دامن ثروتمندان و کاست افسران را نیز گرفت.

در سالهای بعد، ایده یک سیستم بهداشتی و در دسترس برای همگان شروع به جا افتادن کرد. اتحاد جماهیر شوروی اولین کشوری بود که خدمات بهداشت عمومی متمرکز را بنیان نهاد و در پی آن دیگران در اروپا در این جهت به حرکت درآمدند. یک سیستم جامع سلامت، "سرویس ملی بهداشت (NHS - National Health Service)"، پس از جنگ جهانی دوم در بریتانیا راه اندازی شد. در سال ۱۹۲۴، دولت اتحاد جماهیر شوروی - دوباره بسیار جلوتر از کشورهای سرمایه داری - این ایده را مطرح کرد که شرایط اجتماعی، زندگی و کار باید به عنوان اصلی ترین نیروی محرک بهداشت شناخته شود.

مراقبتهای بهداشتی عمومی یک گام عظیم به جلو برای کارگران و افراد عادی بود که خود نمی توانستند هزینه مراجعه به پزشک را بپردازند، وابسته به کمک نهادهای مذهبی بودند یا اینکه مجبور بودند به طور کلی از بهداشت و درمان چشم پوشی کنند. اما در نقاطی که این دستاوردها توانست به دست بیاید، در دهه های اخیر به طور عمده توسط حذفهای نولیبرال و خصوصی سازیها تا اندازه زیادی تضعیف شده است. نتیجه روند مزبور این است که ما به هیچ وجه برای اپیدمی کنونی آماده نیستیم.

تمام پیشرفتهای پزشکی در صد سال گذشته نتوانسته به کمبود دیرینه سرمایه گذاری و نیروی انسانی در سیستم بهداشت عمومی پایان دهد. ایدیولوژی سرمایه داری و احزاب عمده سرمایه داری در هر کشور به طور پایه ای مخالف ایده مراقبت بهداشتی رایگان برای همه هستند و هرگز چنین خدماتی را ارائه نخواهند داد. فقط یک سیستم بهداشتی به واقع اجتماعی شده که در دست بخش عمومی قرار دارد و توسط کادر درمان و بیماران برنامه ریزی و به صورت دموکراتیک کنترل می شود، می تواند در آینده آنگونه خدمات درمانی پایه ای را ارائه دهد که توانایی رویارویی با چنین بحرانی را داشته باشد.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalah

https://telegram.me/nabard_khalah

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق PayPal
به آدرس bedostan@gmail.com

برخی از بیانیه های «کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر» (فروردین ۹۹)

منبع: توئیتر و فیس بوک ثوره تشرین (انقلاب اکتبر)



تحصنها ادامه دارد و انقلاب متوقف نخواهد شد!

شماره: ۲۲۰ - پنجشنبه ۷ فروردین ۱۳۹۹ - ۲۶ مارس ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم - احزاب فاسد و نفرات (عدنان) الزرفی با اقدامات مالی، دنبال پخش شایعاتی از این دست هستند که متحصنان صلح جو در بغداد و استانهای بپاخاسته میدانهای تحسن را ترک کرده اند. این تلاشی برای فریب افکار عمومی و

مردم عراق، برای پذیرش (عدنان) الزرفی فاسد و مامور به تشکیل دولت جدید و القاء این موضوع است که دیگر به این تحصنها نیازی نیست. کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر به مردم انقلابی عراق اعلام می کند: آنچه مبنی بر ترک تحصنها و میدانهای انقلاب گفته می شود، دروغ و تلاشی برای قلب واقعیتها است و این موضوع جدیدی در رابطه با این باند فاسد نیست. بنابراین تحصنهای مسالمت آمیز ادامه دارد و قیام کنندگان روی اصول خود ثابت قدم هستند. ولی راهپیماییهای بزرگ و فشرده انقلابیون بنا بر رهنمودهای کادرهای پزشکی، متوقف شده است که این امر نیز بیانگر تلاش دلسوزانه برای سلامتی تظاهر کنندگان، به دلیل شیوع اپیدمی کرونا است. کماکان متحصنان در چادرهای شان در میدانهای تظاهرات و به طور سازمانیافته حضور دارند تا به محض پایان یافتن این بحران گذرا، تظاهرات را با آهنگی وسیع تر و با عزم و اراده همیشگی ادامه دهند و خواسته های مردم عراق در پایان دادن به رژیم سهمیه ای فرقه گرای شکست خورده را محقق نمایند و کانون فساد که پارلمان احزاب فرقه گرا و شبه نظامیان مزدور آن در آن لانه کرده اند را ریشه کن کنند.

در انتها چنانچه شبه نظامیان و ارگانهای سرکوبگر دولتی تلاش کردند که تحسن را پراکنده و یا با زور به میدانها حمله کنند، کمیته سازمانده به مردم عراق و افرادی که به خانه های شان برگشته اند، فراخوان خواهد داد که به میدانها برگردند.

تشکر و سپاس

شماره: ۲۲۲ - پنجشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۹۹ - ۲ آوریل ۲۰۲۰

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر مراتب تشکر و سپاس خود را از تمامی کسانی که با اعضای این کمیته تماس گرفته و حمله مجرمانه به خانم أم علی و بقیه اعضای کمیته خدمات را محکوم کردند، ابراز می دارد. این حمله روز دوشنبه ۱۱ فروردین (۳۰ مارس ۲۰۲۰) از سوی باند بیگانگان، شبه نظامیان کلاه آبی صورت گرفت. جنایتکاران در تلاش مذبوحانه برای ضربه زدن به کمیته خدمات و متحصنان صلح جو بودند. فعالان سیاسی و شخصیتهای ملی و رسانه ای و مردمی در تماسهای شان، جویای وضعیت برادرانی شدند که با سلاح سرد و باج خواهی و فشار برای گرفتن اعترافات بی پایه و اساس مورد تهدید قرار گرفته بودند.

برای اطمینان خاطر آنها: کمیته سازمانده مجدداً به مردم عراق عزیز تاکید می کند که متحصنان صلح جو این مسیر را با عزم و اراده و ثبات قدم که از ابتدای اکتبر ۲۰۱۹ شروع شد، ادامه می دهند. این کمیته در هماهنگی با بقیه متحصنان در استانهای بپاخاسته، شتابان، این مسیر را برای تحقق خواسته های مردم عراق بی وقفه ادامه می دهد. این خواسته ها شامل به زیر کشیدن رژیم سهمیه ای فرقه گرا و باندهای فاسد و تحقق پیروزی با بازپسگیری حاکمیت سلب شده عراق است.

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر

دکتر احمد عبدالهادی الحبوبی، الشیخ جمال الضاری، القاضی رحیم العکیلی استاد، محمد الدائینی هنرمند، دکتر مکی عواد، خانم دکتر اسماء الحیدری روزنامه نگار، جلال الندای روزنامه نگار، اسماعیل الجنابی شاعر، اسعد العزیری، خانم دکتر آلاء المصطفی، سرلشگر بازنشسته، مازن الدلیمی شاعر، محمد ناصیف شاعر، حامد الدلیمی.

ترور فعال مدنی «انوار جاسم مهوس» و دو نفر از تظاهرکنندگان در ناصریه



شماره: ۲۲۷ - دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۹ - ۶ آوریل ۲۰۲۰

نظامیان مسلح مرتبط با یکی از فراکسیونهای سیاسی که قبلاً اهالی ناصریه را به ارتکاب جرمی بزرگ یعنی عدم شرکت در تشییع جنازه قاسم سلیمانی و جمال جعفر ملقب به ابومهدی المهندس و چند [مزدور] ایرانی دیگر که در بغداد کشته شدند، متهم کرده بودند، برای اهالی ناصریه خط و نشان می کشیدند که تاوان آن کار را خواهند پرداخت. ابتدا این شبه نظامیان تلاش کردند که به میدان حبوبی حمله کنند، اما تظاهرکنندگان با فعالیتهای مسالمت آمیزشان به مقابله با آنها پرداختند و آنها را مجبور به عقب نشینی و شکست کردند. در ادامه آنها مرتکب جنایت فجیعی شدند و دو نفر از تظاهرکنندگان صلح جو را به قتل رساندند و ۱۰ نفر دیگر را مجروح نمودند. آنها این جنایت شان را با متهم کردن تظاهرکنندگان به نقض منع تردد

توجیه کردند، درحالیکه ناصریه و تظاهرکنندگان، بیش از شهرهای دیگر به منع تردد ملتزم بودند، ضمن اینکه کدام قانون به شبه نظامیان جنایتکار چنین اجازه ای می دهد که بر جانهای مردم حکمروایی کرده و نقش قاضی و متهم را بازی کنند. این موضوع به همین جا ختم نشد، بلکه این شبه نظامیان جنایتکار به خانه فعال مدنی «انوار جاسم مهوس» معروف به «أم عباس» یورش برده و او را ترور و فرزندان او را با تمامی دناات و رذالت مجروح کردند. حمله به منزل او صبح روز یکشنبه ۱۷ فروردین (۵ آوریل ۲۰۲۰) و در شهر ناصریه و در زمان منع تردد و استقرار انبوه نیروهای دولتی در تمامی خیابانهای ناصریه، صورت گرفت.

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر ضمن محکوم کردن این جنایت زبوانه، تاکید می کند که این جنایت در همدستی ارگانهای امنیتی با شبه نظامیان وفادار به رژیم ایران انجام گرفته است. نیروهای دولتی و استاندار ذی قار مسئولیت کامل این جنایات را به عهده دارند. آنها به شبه نظامیان و باندها در زمان تردد ممنوع، اجازه تردد دادند تا این جنایات را در حق تظاهرکنندگان صلح جو از اهالی ذی قار که باعث ترس و وحشت رژیم ایران و اهرمهای آن در عراق شده اند انجام دهند. همچنین کمیته سازمانده از اهالی غیرتمند ذی قار می خواهد که جنایتکاران را تعقیب و دنبال کنند. آنها کرامت عراقیان را با حمله به خانه این زن آزاده عراقی و کشتن او با خونسردی تمام مخدوش نموده اند، زیرا این خانم آزاده خواهان بازپس گیری میهن از فاسدان و جنایتکاران بود. او کسی بود که صدایش در عشق به عراق و مردم آن همواره بلند و رسا بود. خداوند شهید ما را مورد رحمت و مغفرت خود قرار داده و او را چراغی برای روشن کردن مسیر انقلابیون قرار دهد و ننگ و عار بر قاتلان بزدل او. شکوه و جاودانگی از آن شهدای انقلاب اکتبر و بهبودی عاجل برای مجروحان مان و آزادی ناپدید شدگان اجباری از زندانهای شبه نظامیان.

مصطفی کاظمی، کاندیدای مامور شده را مردود می شماریم

شماره: ۲۳۰ - پنجشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۹۹ - ۱۰ آوریل ۲۰۲۰

احزاب سهمیه بندی فرقه گرا و شبه نظامیان جنایتکار، عامدانه با بازی سفت کن، شل کن، خواسته های متحصنان صلح جو در کاندیداتوری منصب نخست وزیری را در نظر نگرفته و افکار عراقیان را مورد توهین قرار می دهند. آنها این بازی را

از چهارماه قبل تا کنون ادامه داده اند که طی آن نه تنها به خواسته های مردم عراق توجهی نمی کنند بلکه آشکارا آن را تحقیر می نمایند. هدف از تمامی این اعمال ادامه حکومت دزد، عادل عبدالمهدی است که به اهداف آنها در چپاول سرمایه ها و فقیرتر شدن مردم عراق پاسخ مثبت می دهد و به شبه نظامیان جنایتکار این امکان را می دهد که بر سرنوشت امنیتی کشور و کنترل ارتش و نیروهای امنیتی، مسلط گردند. توده های عراق که تظاهرات سراسری و مردمی خود را از ابتدای اکتبر ۲۰۱۹ شروع کردند، بر این زنجیره معیوب، کاندیداتوری شبه نظامیان چیره خواهند شد. آنها مصمم به تغییر دولت منطقه سبز با تمامی نهادهای مقننه و مجریه (به همراه رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس پارلمان) هستند. آنها استمرار دولت دزد عادل عبدالمهدی را نخواهند پذیرفت. همچنین آنها قاطعانه مصطفی کاظمی کاندیدای شبه نظامیان احزاب جنایتکار را نمی پذیرند. برهم صالح نیز با تمسخر و ریشخند به همگی، عامدانه و با منظورهایی خاص و منافع گروهی که برای کوچک و بزرگ شناخته شده است، از خط مشی حفظ وضعیت موجود پیروی می کند. کمیته سازمانده درمناسبتهای متعددی تاکید کرده که کاندیدای نخست وزیری باید یک شخصیت ملی مستقل و خارج از دولت فرقه گرای منطقه سبز باشد و ماموریت او تشکیل دولت موقت از افراد مستقل توانمند باشد که هدف اول آنها، بلوکه کردن قانون اساسی و انحلال پارلمان فاسد و اجرای انتخابات آزاد و سالم تحت نظارت بین المللی، مطابق با قانون انتخابات جدید و عادلانه باشد.

آتش زدن چادرها، عملی زبوانه است

شماره: ۲۳۲ - سه شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۹ - ۱۴ آوریل ۲۰۲۰

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب پرپرکت اکتبر به آتش کشیدن چادرها در «حدیقه الأمه»/ میدان تحریر، توسط گروهی به



ظاهر عراقی از شبه نظامیان جنایتکار وابسته به احزاب سهمیه ای فرقه گرای فاسد را محکوم می کند. این حمله در کادر بسیج حملات ردیلانه و شکست خورده برای تحریک متحصنان در میدان تحریر است. عمل زبوانه فوق بیانگر پیروزی قاطع متحصنان صلح جو در رساندن پیام شرافتمندانه شان به تمامی مردم عراق و آزادگان جهان است که منجر به گردآمدن تمامی جوانان خیر

مردم غیور عراق حول انقلاب اکتبر شده است. انقلابی که هدف آن ریشه کنی حاکمیت منطقه سبز متبلور در ریاستهای سه قوه آن است، که تماماً در خدمت رژیم شرور ایران و منافع گروهی و ذاتی خودشان است.

کمیته سازمانده تاکید می کند که با پشتیبانی تمامی متحصنان صلح جو این مسیر را ادامه می دهد و در تدارک افزایش فعالیتهای مسالمت آمیز بعد از پایان قرنطینه (کرونا) است. این کمیته با راه اندازی حرکات میلیونی سراسری با مشارکت تمامی مردم عراق، به مثابه بازوان شورشی، در پی ریشه کن کردن رژیم خونریز و تروریستی حاکم است که بیش از ۱۷ سال بر گرده مردم عراق سوار شده است.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

شبیخون کرونا بر ساختار ویروس حکومتی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... یکشنبه ۱۰ فروردین

به نظر می رسد شبیخون کرونا، هوش و حواس را از اهالی بیت ولی فقیه و دلواپسان نظام حسابی ربوده است. زدن سازه‌های ناهمگون از طرف کارگزاران حکومت، دادن آمارهای متفاوت، پنهانکاری، دروغ بافی، طرح تئوری توطئه و... واکنشی مجرمانه در برابر ویروس هوشمندی است که ساختار فاسد و ویروسی حکومت را نشانه گرفته است. ویروس کرونا تمامی راهکارها و ساز و کارهای حکومت فاسد و دروغپرداز را در کوچه و بازار، در کارخانه و مزرعه و در بیمارستانها و گورهای جمعی به چالش کشید و بی آبرویی پایوران نظام را در همه جا آشکار کرده است.

حسن روحانی، قهرمان پوشاندن واقعیتها با دروغهای بزرگ، به پرت و پلاگویی دچار شده است. داده های آماری، گزارشها، نوشته ها و مستندات تهیه شده از زندگی مردم ایران، پولی کردن بهداشت و... بر حرفهای این آخوند شیاد مهر باطل می زند. حرکت‌های اعتراضی پرستاران طی چند سال گذشته دلیل دیگری برای بی پایه بودن حرفهای روحانی است.

حسن روحانی ضمن شکرگزاری از این همه «نعمت»، ار وفور اجناس در فروشگاههای ایران و وارونه نشان دادن قفسه های فروشگاههای کشورهای اروپایی به ویژه بخش دستمال توالت گزافه گویی می کند. او در مورد تخته‌های اضافی برای پذیرش بیماران و پرداخت هزینه ۹۰ درصد بیماران، پایین آمدن فوتیها در ایران دروغ بافی می کند. روحانی بیماران روی زمین خوابیده در بیمارستانهای کشورهای دیگر و وجود همه امکانات بهداشتی برای کادرهای درمان در ایران و رضایت آنها را به دروغ مطرح می کند.

روحانی روز شنبه ۹ فروردین اوج شیادی خود را نشان داد. وی با بزک کردن ویرانیها و پنهان کردن فجایع مدال افتخار بر سینه خودش زد. اما حسن روحانی نگفت که چرا در ایران پزشکان، پرستاران و کادرهای درمانی نسبت به کشورهای دیگر بیش تر قربانی بی تدبیری نظام شده اند؟ چرا سازمان جهانی بهداشت به داده های آماری رژیم اعتماد ندارد و آن را غیر واقعی دانسته است؟ چرا تناسبی میان آمار مبتلایان و جانباختگان وجود ندارد؟ چرا قرار شده آمار مشخص داده نشود و سرانجام چرا باید برای ۳۱۶ نفر پرونده قضایی به جرم افشاگری در رابطه با همه گیری ویروس کرونا تشکیل شود و...؟

روحانی با یک حساب ساده می تواند بفهمد که علت خالی شدن فروشگاههای کشورهای مورد نظرش به دلیل قدرت خرید مردم و توانایی آنها در مورد تهیه وسایل بهداشت است. روحانی به پایین بودن قدرت خرید مردم، روزمرد بودن قشر عظیمی از نیروهای کار که در رویارویی با کرونا سفره های شان تهی شده اشاره نکرد. وی به توزیع اجناس در فروشگاهها اشاره کرد اما به جیب خالی کارگران و شکمهای خالی کودکان کار و ... اشاره نکرد. روحانی استاد جعل ویرانیها به آبادیها است و البته در دنیای کنونی و با انبوه اطلاعات و ارتباطات دروغهای او خریداری ندارد.

در مورد حرفهای مسعود پزشکیان، نایب رئیس مجلس ارتجاع که می گوید: «اعتماد عمومی کاهش پیدا کرده است»، این سوال مطرح می شود که روحانی برای چه کسانی این حرفهای دروغ و بی خریدار را می زند و چرا می زند؟

چرا نام ویروس کرونا در ایران به «بیماریهای تنفسی» تبدیل شده است؟ مجلس نشین مشهد می گوید: «یک بیماری شیوع پیدا کرده که اسم خارجی اش "کرونا ویروس" است و در داخل نامش "بیماری حاد تنفسی" می شود. ... مثلا در خراسان ۴۰۰ نفر بر اثر بیماری حاد تنفسی و ۵۰ نفر بر اثر کرونا فوت کرده اند».

سخنگوی وزارت بهداشت رژیم روز شنبه ۹ فروردین اعلام کرد که: «قرار است سازمان پزشکان بدون مرز در مناطق مرزی ایران یک بیمارستان برای دادن خدمات به «اتباع خارجی» دایر کند». این اقدام رژیم گفته های مردم مبنی بر این که رژیم کمکهای نهادهای بین المللی برای مبارزه با کرونا در ایران را صرف جاهای دیگر می کند را تقویت می کند.

پرده برداری از مناسبات ج.ا و چین با یک "شوخی" نابجا

منصور امان

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۱ فروردین

حرکت غیردیپلماتیک سفر چین در ایران و واکنش سراسیمه و عجزآلود دستگاه حاکم بدان، نور تازه ای از یک زاویه دیگر بر واقعیت سیاست خارجی رژیم ولایت فقیه افکند. گردانندگان ج.ا در همان حال که سیاستهای ماجراجویانه و تنش آفرینی خارجی خویش را با علاقه به "استقلال" و "عزت" توجیه می کنند، در برابر چین و روسیه، دو شریک تجاری خود، از اصولی جز تسلیم و گرنش پیروی نمی کنند.

سُخنگوی وزارت بهداشت با انتقاد از آمار گروناپی چین، به گونه ناخواسته موجب شفافیت بیشتر از نوع تنظیم رابطه "نظام" با نادر حامیان خارجی اش گردید. وی داده های آماری پکن و ادعای آن پیرامون مهار اپیدمی را "شوخی تلخ" خواند تا خشم "چانگ هوا"، سفیر این کشور، را برانگیزد و او را وادار سازد تا به میدان آمده و این "آقای عزیز" را سر جای خود بنشانند.

چنین می نماید که آقای کیانوش جهانپور، سُخنگوی یاد شده، به کمی بالاتر از هدف شلیک کرده است. او با ابراز تردید نسبت به اطلاعات رسمی از چین، در حقیقت قصد اثبات دُرستی سیاست رسمی ج.ا مبنی بر خودداری از قرنطینه مردم را داشت. آقای جهانپور یک ماه پیش به شیوه دیگری از رویکرد اربابانش دفاع کرده بود. او که بنا به کارکرد مقام سُخنگوی ج.ا، وظیفه اصلی اش تکذیب، دُروغگویی و فعالیت ضد اطلاعاتی است، در آن تاریخ گفت "نتایج قرنطینه ووهان رضایتبخش نیست" و این ادعا را به دُروغ به "خود چین" نسبت داد. وی اما شهرت خود را بیشتر مدیون آن است که همانجا مدعی شد "قرنطینه در پروتکلهای بین المللی جایی ندارد" و فراتر از آن، در استدلال برای اینکه "هیچ شهر تعطیل نخواهد شد"، کوشید سر مخاطبانانش را اینگونه گُلاه بگذارد: "چنین چیزی در مدیریت و کنترل بیماریها در دُنیا مطرح نیست."

برخورد تند و غیرمُتعارف سفیر چین به گفته های یک کارمند درجه دو ج.ا که بنا به وظیفه شغلی اش حرافی می کند، بازتاب مُشاجره ای است که در سطحی بالاتر بین چین و آمریکا ابتدا بر سر منشاء ویروس و اینک پیرامون اطلاعات و داده های آماری پکن جریان دارد. ناگفته پیداست که این درگیری خود در چارچوب رقابت جهانی آمریکا و چین پیش می رود، از همین رو پکن به سختی می تواند اجازه دهد در کشورهایی که در حوزة نفوذش قرار دارند، جبهه ای با این مضمون علیه آن گشوده شود.

بسیج دستپاچه پایوران و نهادهای ج.ا برای عذرخواهی و جُبران مافات نشان می دهد که دستگاه حاکم نه فقط بر جایگاه فرودست خود در مناسبات با چین صحنه می گذارد، بلکه آماده است متناسب با ریتم حساسیتهای آن به گردش و چرخش درآید. در همین راستا سُخنگوی وزارت خارجه مُلاها چاپلوسانه "شُجاعت، تعهد، پیشتازی و حرفه ای گری" پکن در "مُقابله با ویروس گرونا" را ستود و سُخنگوی بخت برگشته وزارت بهداشت نیز مراتب پشیمانی خود را با "قدردانی از حمایتهای فراموش نشدنی چین" به اطلاع سفارتخانه رساند. این اما مانع نشد که سپاه پاسداران برای دوقبضه کردن پوزش و خاکساری "نظام" به میدان بیاید و خواستار "بررسی ابعاد پُشت پرده" سُخنان آقای جهانپور بگردد. بازوی نظامی حاکمیت بدین وسیله به چینیهها پیام می داد که تردید افکنی در آمار دولت فخریه توطئه دشمنان بوده و ساحت "نظام" از چنین جسارتی بدور است.

اما این هنوز انتهای فرمانبرداری نیست. هرکس که مایل است بداند رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه در حراج منافع مردم ایران چه مرزهایی را پشت سر می گذارد، می تواند رُسوابی واردات ویروس کرونا توسط شرکت هواپیمایی سپاه پاسداران (ماهان) و ادامه بدون مانع رفت و آمد و سفرهای توریستی به چین و درخواست صریح سفارتخانه آن در این زمینه را مرور کند.

قتل عام زندانیان به بهانه کرونا

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... یکشنبه ۱۷ فروردین

فرار و شورش از زندانهای جمهوری اسلامی که از زندان پارسیلون خرم آباد در ۲۹ اسفند آغاز و به زندانهای دیگر در شهرهای تهران، شیراز، همدان، الیگودرز، همدان و دو زندان سپیدار و شیبان اهواز کشیده شد، شورش مشروع برای زنده ماندن در برابر شیوع گسترده ویروس کرونا است.



شورش زندانیان بعد از عفو تعدادی از زندانیان توسط خلیفه ارتجاع آغاز شد. عفو تبعیض آمیز زندانیان تبدیل به موجی از تنفر در میان زندانیان و تصمیم آنان به شورش شد.

خبر همه گیری گسترده ویروس کوید ۱۹، پنهانکاری و بی کفایتی رژیم در مدیریت بحران ناشی از این بیماری،

زندانیان را در دو راهی فرار یا مرگ قرار داده است. به ویژه این که وضعیت غیر بهداشتی در زندانها، فقدان امکانات بهداشتی و پزشکی، عدم شرایط در جلوگیری از نفوذ ویروس، کمبود جا و شمار بالای جمعیت در مکانهایی بسته و بی اهمیت بودن جان یک زندانی برای رژیم از عواملی است که یک زندانی با تمامی خطرات احتمالی را با تصمیم فرار روبرو می کند.

سرکوب و کشتار زندانیان در هنگام فرار، دستگیری و کشتن زیر شکنجه زندانیان محکوم است. کشتار زندانیان توسط رژیم زخم خورده همچنان ادامه دارد. تعدادی از زندانیان در زندانهای سپیدار و شیبان در اهواز، از جمله محرومترین زندانیان توسط شلیک مستقیم مزدوران رژیم جانشان را از دست دادند. کشتن زندانیان بی دفاع با شلیک مستقیم یعنی قتل عمد زندانی. در سرکوب شورش زندانیان، تا کنون ۱۲ نفر زخمی و ۷ زندانی به قتل رسیده و یک نوجوان زندانی به نام دانیال زین العابدینی زیر شکنجه به قتل رسیده است.

خودداری رژیم از آزاد کردن زندانیان سیاسی، یا حداقل دادن مرخصی، با توجه به شیوع گسترده ویروس کوید ۱۹، تبدیل زندان به قتلگاه زندانیان بی دفاع است. وضعیت غیر بهداشتی و عدم دسترسی به پزشک و دارو یکی از مشکلات زندانیان سیاسی قبل از ویروس مرگبار کرونا همواره بوده است. رژیم زندانیان سیاسی بیمار را از دسترسی به پزشک و درمان تحریم کرده است. بارها زندانیان در اعتراض به این تحریم دست به اعتصاب غذا زده اند. مخلوط کردن زندانیان سیاسی با زندانیان عادی، به عنوان شکنجه زندانی سیاسی محسوب شده و جان زندانی را در برابر خطر مرگ قرار می دهند. در شرایط قبل از کرونا، حذف یک زندانی سیاسی با اعتصاب، خودکشی کردن، کشتن زیر شکنجه، اعدام و... برای رژیم امری عادی و فرصت بود. حال می توان حدس زد که کرونا می تواند بهانه ای برای کشتار زندانیان باشد. اما این کرونا نیست که مسئول مرگ زندانیان است بلکه این قتل عمد و سازمانیافته از طرف رژیم در زندانها است.

عبدالله طباطبایی بیدادستان کل استان اردبیل در دیدار از زندان اردبیل خطاب به زندانی سیاسی گفت: «نفس کشیدن زندانیان امنیتی و سیاسی نیز حرام است چه برسد به مرخصی آنها». حرف این جنایتکار تاییدی بر قصد رژیم برای کشتن زندانیان سیاسی به بهانه کرونا است.

نیمه شعبان؛ شبیخون شکست خورده ها

منصور امان

فراسوی خبر... شنبه ۲۳ فروردین

جُبران یا کاهش خسارتهای سنگین جانی و مالی مردم ایران شاید دلمشغولی حاکمان ج.ا نباشد، جُبران خسارتهایی که دستگاه تحت اداره آنها در اثر ویروس کرونا مُتحمّل گردیده، اما در فهرست وظایف فوری شان قرار دارد. این ارزش گذاری را به ویژه کارناوالهای نیمه شعبان چُر تکه انداخت. در ده ها شهر بزرگ و کوچک کشور، دسته های اوباش پاسدار و بسیجی به بهانه تولّد امام دوازدهم شیعیان هلهله زن و دُهل کوبان در خیابانها به جولان درآمدند و در برابر چشمان خیره مردم سوگوار و رنجور به گونه نمایشی به جشن و شادمانی پرداختند. تهران و شهرکهای پیرامون، اصفهان، تبریز، زاهدان، مشهد، زنجان، جهرم، شیراز و قزوین فقط شماری از نقاطی است که این معرکه در فضای بُحرانی آنها برپا گردید.

بیجایی و دافعه اجتماعی ابتکار مزبور آنچنان آشکار است که آمرانش پیشاپیش تلاش کردند از آن فاصله گرفته و رد پای خود را پاک کنند. سازمان تبلیغات اسلامی، یک ارگان سازماندهنده و تدارکچی تظاهرات، مراسم و مجلسهای حکومتی و نیز "ستاد مبارزه با کرونا" که مسوول و مجری "طرح فاصله گیری اجتماعی" است، اعلام کرده بودند که برگزاری مراسم نیمه شعبان را ممنوع می کنند. ژست مزبور وظیفه داشت خطی صوری بین حاکمیت و آنچه که در پی انجامش بود ترسیم کند و به این ترتیب بدون آنکه در تیررس جامعه خشمگین قرار گیرد، بر گرده "اتش به اختیاریها" و افسار پاره کرده ها طرح خود را به دست اجرا بگذارد.

حاکمیت به این ترتیب قصد واکنش به فضای مُعینی در جامعه را داشت که "نظام" و ویروس کرونا را یکی و همان می بیند؛ دید و نظری که ریشه در رفتار غیرانسانی و مردم ستیز حاکمیت در برخورد به کرونا دارد. مُهمترین دستور کار حاکمان کشور پس از شیوع ویروس، حفاظت از دُگمهای ایدئولوژیک و خُرافات مذهبی بود که پایه فرمانروایی و تسلط انحصاری آنها بر منابع قدرت و ثروت را بتون ریزی می کند؛ پنهان کردن شیوع ویروس در پایتخت مذهبی مَلاها، قُم، خودداری از قرنطینه آن و سر باز زدن از تعطیلی مراکز زیارتی که آشکارا سلامت و جان شهروندان را به توپ بازی قدرت بدل می کرد، بخشی مُهمی از اقدامات آن را تشکیل داد.

آثار دهشت انگیز این برخورد و گستره فاجعه باری که یافت، نه فقط صف بندی موجود در جامعه علیه ایدئولوژی حاکم و باورها، آیینها و تحمیلات آن را تقویت کرد، بلکه بخشهایی را نیز که به دلیل وابستگیهای ذهنی در دایره نُفوذ مذهبی رژیم ولایت فقیه قرار داشتند، به فاصله گرفتن از آن کشاند. کرونا پوسته نازک قداست را از بُرج و باروهای ارتجاع مذهبی کنار زد و همه آنچه حوزه ها، آخوندها، مراجع و منبرها در جهدی چند صد ساله به آسمان بر کشیده بودند را روی زمین آورد تا اسطوره های دست نیافتنی شان را به خاک بکشد و به میدان توده بیاندازد.

خسارتی که بر سرمایه ایدئولوژیک "نظام" وارد آمده، فقط یک زیان سنگین در پهنه عقیده و باور نیست، بلکه فراتر از آن ضربه ای سهمگین به پایه های ثبات استبداد مذهبی است. کارناوال نیمه شعبان شبیخون حاکمیت به قلمرو از دست داده اش توسط لشکرکشی و عربده کشی خیابانی است و تلاش آن برای قُدرت نمایی و اعلام حُضور بر پُشت یک نماد مذهبی را جلوه گر شده است. از همین رو می توان گفت که رژه مزبور آخرین کوشش دستگاه حاکم برای پس گرفتن زمین نخواهد ماند و در این جهت به گونه مُتمرکزی حرکت خواهد کرد که دو پایه اصلی آن را تشدید تبلیغات و تلقینهای مذهب و فرهنگ ارتجاعی و خرج کلان در این راه از یکسو و راه اندازی دور تازه ای از سرکوب به ویژه علیه زنان و جوانان و فشار پلیسی برای تحمیل اجبارت خود ساخته اش در سوی دیگر تشکیل می دهد.

اجبار رژیم ولایت فقیه به ایجاد کانونهای اشاعه و ابتلا زیر نام نیمه شعبان و در اوج قصابی ویروس کرونا، میزان شدت و تاثیر ضربه ای که ارتجاع مذهبی خورده را آشکار می سازد. فقط ترس از یک بیزاری بزرگتر می توانست "نظام" را به تن دادن به خطر تحریک بیزاری جامعه از کارناوال اوباشش قانع کند.

قلم

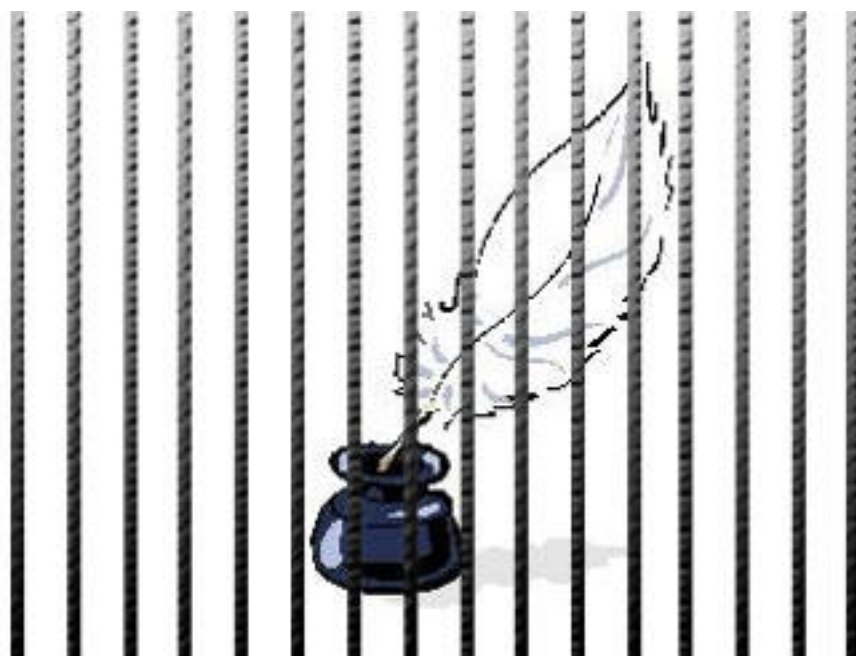
مرجان

قلم ای یار یگانه
 مرهم درد نهفته
 محرم حرف نگفته
 قلم ای عقده گشای سالها
 دیدن تنهایی انسان
 قرنهای مهر سکوت و تازیانه
 قلم ای دوست ترین همدم زندانی دربند
 به تو سوگند

که جز حق ننویسم
 و دهم جان که تو آزاد بمانی

چه خونها که روان شد
 که تو آزاد بمانی
 قلم ای اسلحه من
 در جدال بین اهریمن و انسان
 قلم ای تیز ترین خنجر بر سینه دشمن
 به تو سوگند
 که جز راه شهیدان نسپارم
 راه آن شیر دلانی
 که شکستند طلسم وحشت جوخه اعدام

تا غم نان نبرد کینه من را
 زیر خاکستر خاموش گذشته
 زنده دارم آتش رزم دلیران
 بستیزم با هر آنکس که به پاکی ننویسد
 تا دم مرگ بمانم سر پیمان
 قلم ای یار یگانه
 به تو سوگند



سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

یادواره شهیدان فدایی

گرامی باد یاد و نام رفیق مسعود دانیالی

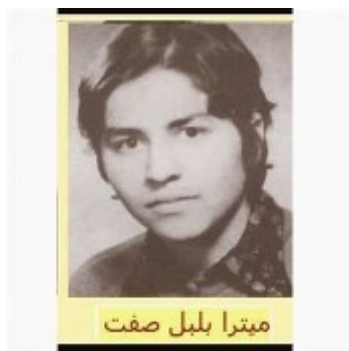
گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی



رفیق مسعود دانیالی در سال ۱۳۳۵ در ده حوض از روستاهای اطراف ایذه متولد شد. قبل از انقلاب خدمت سربازی را در زنجان به عنوان سپاه دانش می گذارند. در همان زمان او محل خدمت را ترک و به صفوف جنبش پیوست و با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ارتباط برقرار کرده و فعالیت گسترده ای را سازماندهی کرد. رفیق مسعود در جنبش دانشجویی و کارگری (در صنعت فولاد) فعال بود. براساس توانایی و اعتماد مردم به این رفیق و وجهه اجتماعی وی اعتراضات دیپلمه های بیکار نقش مهمی داشت. با شروع حمله به دانشگاهها و راه انداختن ارتجاع فرهنگی تحت نام انقلاب فرهنگی تعداد زیادی از فعالان منطقه از جمله رفیق مسعود دستگیر و بعد از محاکمه چند دقیقه ای تیرباران شدند.

یک نفر از جان به در بردگان آن زمان در سالهای اخیر طی مصاحبه ای گوشه هایی از جنایت رژیم در سالن سرپوشیده شهرداری اهواز را افشا کرده که در آنجا پاسداران به طرف بازداشتیها شلیک کرده و تعداد زیادی را کشته و افراد باقیمانده را در روزهای بعد تیرباران کرده اند. براساس گفته های این شاهد عینی رفیق مسعود روز ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۵۹ به دست پاسداران جهل و جنایت همراه تنی چند از مبارزان جنبش دانشجویی تیرباران شده است. یاد و خاطره آنان را گرامی باد.

شهدای فدایی در اردیبهشت ماه



رفقای فدایی: محمد کاظم سعادت، خلیل سلمانی نژاد، علی اکبر (فریدون) جعفری، مرضیه احمدی اسکویی، حبیب الله مومنی، محمود نمازی، منصور فرشیدی، هادی فرجاد، لادن آل آقا، مهوش حاتمی، شیرین معاضد (فضیلت کلام)، محمدرضا و احمدرضا قنبرپور، فرزاد دادگر، عزت غروی، ارژنگ و ناصر شایگان شام اسبی، فرهاد صدیقی پاشاکی، تورج اشتری (تلخستانی)، قربانعلی رزگار، جهانگیر باقرپور، بهروز ارمغانی، اسماعیل عابدی، زهره مدیرشانه چی، حسین فاطمی، محمود خرم آبادی، حبیب الله خسروشاهی برادران، مصطفی حسن پور اصیل شیرجو پُشت، فریده غروی، میترا بلبل صفت، عبدالله پنجه شاهی، علیرضا باصری، نسرین پنجه شاهی، هوشنگ اعظمی

لرستانی، منوچهر حامدی، کمال کیانفر، امان الله ایمانی دارستانی، غلام عباس باقری، جهانگیر باقری پور، علی رضا (ناصر) بامری، زینب (طاهره) حیاتی، مسعود دانیالی، محسن رفعتی، احسان الله ایمانی، غلامحسین خاکباز، هیبت الله بهرامی سامانی، محسن بهکیش، ناصر بهرامی، رویا علی پناه فرد، کوروش پیروزی، ابوالقاسم تاجعلی، کریم تیمور زاده، منصور جابری، نبی جدیدی، وجیه الله چشم فروز، مقصود بیرام زاده، موسی مکاری، محمد علی حسنی، هوشنگ حنیفی، علی کرم داودی، محمد راکعی، مهشید معتصد کیوان، رضا نعمتی، کبرا حیدریان، مهدی حاتمی، مسعود دانیالی، فرشته گل انبریان و....

از سال ۵۰ تاکنون، به دست رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 424 / 20 Avril 2020

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org